

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جمعیت و رسانه

با رویکرد

فرهنگی

فهرست مطالب

مقدمه.....	۵
۱- مصوبات.....	۷
۲- افزایش جمعیت و نظرات کارشناسان.....	۱۱
۳- نظرات علما دینی.....	۹۹
۴- اقدامات دستگاه‌ها برای افزایش جمعیت.....	۱۲۱

مقدمه

مجموعه‌ی «جمعیت و رسانه با رویکرد فرهنگی» کاری از معاونت طرح، برنامه و تدوین سیاست شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده می‌باشد که مطابق با منویات مقام معظم رهبری مدظله‌العالی در راستای افزایش جمعیت، به بازتاب اخبار جمعیت در رسانه‌های داخلی با موضوع فرهنگی پرداخته است.

این مجموعه در چهار بخش مصوبات، افزایش جمعیت و نظرات کارشناسان، نظرات علماء دینی و اقدامات دستگاه‌ها برای افزایش جمعیت گردآوری شده که رویکرد کلیه‌ی بخش‌ها فرهنگی می‌باشد.

امید است با عنایت به آسیب‌هایی که با استمرار کاهش نرخ رشد جمعیت در کشور رخ خواهد داد، روند افزایش جمعیت سیر صعودی پیدا کرده و جامعه از بحران کاهش رشد جمعیت نجات یابد. ان شاء...

بخش اول: مصوبات



سعید قدیمی (دبیر شورایعالی آموزش عالی):

دانشگاه‌ها موظف به اجرایی کردن درس «خانواده و جمعیت» شدند

اواخر آبان ماه سال جاری بود که دبیر شورایعالی آموزش عالی خبر از جایگزینی درسی با عنوان خانواده و جمعیت به جای واحد درسی تنظیم خانواده داده بود و حالا پس از گذشت بیش از سه ماه این درس در جلسات شورای عالی وزارت علوم تصویب شد. دبیر شورایعالی آموزش عالی در گفتگو با خبرنگار مهرخانه گفت: «خانواده و جمعیت» درسی دو واحدی و مخصوص دانشجویان کارشناسی است و از مصوبات شورایعالی انقلاب فرهنگی در راستای افزایش جمعیت است و دانشگاه‌ها از سال جدید تحصیلی موظف به اجرایی کردن آن هستند. سعید قدیمی به ویژگی‌های دیگر این کتاب اشاره کرد و افزود: این واحد درسی با نگاهی منطقی به خانواده نگارش شده و برای تولید این برنامه درسی، مطالعه تطبیقی در خصوص وضعیت جمعیت چند کشور جهان صورت گرفته و وضعیت جمعیت ایران نیز مورد تحلیل و نقد قرار گرفته است. دبیر شورایعالی آموزش عالی با بیان اینکه این کتاب با نگاه به تغییرات جمعیتی کشور جایگزین تنظیم خانواده شده است، تصریح کرد: متولی درس تنظیم خانواده شورای عالی انقلاب فرهنگی است و ابلاغیه تدریس آن از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی به وزارت علوم صادر شده است. (مهرخانه ۹۱/۱۲/۱۵)



میمنت آبادی (مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی کردستان):

ضرورت ارائه راهکارهای علمی برای افزایش نرخ جمعیت

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی کردستان بر فرهنگ‌سازی در زمینه جلوگیری از کاهش جمعیت در استان تاکید کرد و گفت: ارائه راهکارهای علمی برای افزایش نرخ جمعیت در استان ضروری است. به گزارش خبرنگار باشگاه خبرنگاران سنندج، میمنت‌آبادی گفت: انجام پژوهش‌های علمی و قابل اجرا در زمینه کاهش جمعیت استان و ارائه راهکارهای افزایش جمعیت بسیار ضروری است. وی با اشاره به اینکه بحث کنترل جمعیت باید با تدبیر پیگیری شود، افزود: باید با تسهیل ازدواج، پایین آوردن سن ازدواج، ایجاد شغل و ترویج و فرهنگ‌سازی الگوهای زندگی اسلامی در راستای افزایش نرخ جمعیت در استان تلاش‌های اساسی صورت بگیرد. میمنت‌آبادی تسهیل شرایط ازدواج آسان و به موقع جوانان، پایین آوردن سن ازدواج، اشتغال‌زایی از طریق هماهنگی با فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی، مراجعه به سنت‌های قبلی و کاهش هزینه‌های ازدواج، بازنگری در قوانین مربوط به پرداخت هزینه‌های مربوط به فرزند چهارم به بعد و تبیین اهمیت موضوع در قالب برنامه‌های هنری و دیگر دستورات را از جمله مصوبات جلسه گذشته این شورا ذکر کرد. (باشگاه خبرنگاران جوان ۹۱/۹/۲)

مخبر دزفولی (دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی):

درس «دانش خانواده» جایگزین «تنظیم خانواده» شد

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی از مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی مبنی بر تبدیل درس «تنظیم خانواده» به «دانش خانواده» خبر داد و گفت: در درس دانش خانواده به تمامی ابعاد خانواده از جمله همسرمداری، پرورش فرزند، مباحث قبل از ازدواج، ازدواج، بعد از ازدواج و همچنین به مباحث مختلف اعتقادی، عاطفی، فرهنگی، معیشتی و غیره توجه



شده است. دکتر مخبر دزفولی روز پنجشنبه در حاشیه مراسم سومین گردهمایی رؤسای دانشگاه‌ها در جمع خبرنگاران، افزود: بر اساس مطالعات و مباحث کارشناسی صورت گرفته، رویکردهای اساسی کشور به سمت جلوگیری از کاهش نرخ باروری است که این موضوع نیز تحت عنوان مسائل مرتبط با جمعیت اصلاح شده و مباحث اصلاحی در درس دانش خانواده لحاظ شده است. وی با بیان اینکه درس تنظیم خانواده نواقصی داشت که طی آن بخشی از ابعاد خانواده نادیده گرفته و یا نسبت به آن کم توجهی شده بود، گفت: این مباحث منجر شد که به سمت تهیه و تدوین و سپس تصویب درسی تحت عنوان «دانش خانواده» حرکت کنیم. (ایسنا ۹۱/۸/۲۶)





حجت‌الاسلام زیبایی‌نژاد (رئیس مرکز تحقیقات زن و خانواده):

کاهش رشد جمعیت ریشه در تحولات فرهنگی دارد

رئیس مرکز تحقیقات زن و خانواده وابسته به مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران گفت: کاهش رشد جمعیت ریشه در تحولات فرهنگی دارد. حجت‌الاسلام محمدرضا زیبایی‌نژاد در دیدار جمعی از خواهران بسیج اصناف تهران از مرکز تحقیقات زن و خانواده ضمن تبیین دیدگاه‌ها و فعالیت‌های این مرکز در حوزه مطالعات زنان و خانواده افزود: بسیاری از ما فکر می‌کنیم منظور از کوثر در قرآن حضرت زهرا(س) است، در حالی که برخی از روایات کوثر را به امیرالمؤمنین(ع) و برخی دیگر بر فرزندان و نسل آن حضرت تطبیق داده‌اند در واقع حضرت زهرا(س) سرچشمه کوثر هستند. وی اظهار داشت: موضوع مورد نظر ما نیز مربوط به نسل، فرزندآوری و تحول در خانواده است، در کشور ما پنجاه سال است که خانواده در حال دگرگونی است و کاهش آمارهای رشد جمعیت از مشکلات اساسی کشور است. رئیس مرکز تحقیقات زن و خانواده با بیان اینکه در ۳۰ سال گذشته سریع‌ترین روند کاهش رشد جمعیت در دنیا مربوط به ایران بوده است افزود: تداوم این روند عوارضی مانند تجرد زیستی، پیرشدن جمعیت و بحران سالمندی را به همراه خواهد داشت. وی یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش رشد جمعیت را تحولات فرهنگی دانست و افزود: انتخاب سبک

زندگی مادی، تغییر الگوها و فردگرایی نشأت گرفته از تحولات فرهنگی است. زیبایی‌نژاد گفت: گاهی در جوامع تحولاتی اتفاق می‌افتد که مردم نسبت به آن‌ها بی‌تفاوت هستند. این تحولات را باید رصد کرد، باید نهادهایی باشند که دیده‌بانی کنند و نگرانی‌ها را به جامعه علمی و مردم اطلاع بدهند. وی افزود: در جهان جدیدی که مسائل پیچیده و در هم تنیده شده، مسئله مادری و فرزندآوری، همسری و حضور اجتماعی زن و بررسی مشکلات اعتقادی و اجتماعی آن نیاز به مطالعه دارد. (قدس آنلاین ۹۲/۲/۱۹)

ترویج فرهنگ اعتماد و حسن ظن به خداوند برای نیل به فرزندآوری در خانواده‌ها

ابراهیم شفیعی سروستانی، عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث با اشاره به اینکه در قرآن کریم همواره نسبت به اعتماد و خوش‌بینی به خداوند سفارش شده است، افزود: راهکارهای تغییر سیاست‌های جمعیتی، ترویج چنین فرهنگی برای نیل به فرزندآوری در خانواده‌هاست. ابراهیم شفیعی سروستانی، نویسنده کتاب «رسانه ملی و تغییر سیاست جمعیتی، مسئله شناسی، راهبردها و سیاست‌ها در مورد سیاست افزایش جمعیت و مقابله با کاهش رشد آن به موانعی در این زمینه اشاره کرد و گفت: در حال حاضر موانع متعددی وجود دارد که برخی عینی و به ساختارهای جوامع مربوط و برخی هم ذهنی هستند و به فرهنگ جامعه باز می‌گردند. وی با اشاره به برخی از این نکات برای روشن‌تر شدن موضوع، گفت: دلیل کاهش شدید جمعیت در دهه اخیر پیش از آنکه مربوط به اعمال سیاست‌های تحدید جمعیت باشد مربوط به تحولات ساختاری، تغییر سبک زندگی و تسلط گفتمان فردگرایانه و مصرف‌گرایانه در جامعه است و بنابراین برای تغییر سیاست و حرکت به سمت افزایش جمعیت باید به این موضوعات توجه کرد تا بر اساس علل کاهش جمعیت، متناسب با آنها راهکارهایی در نظر گرفته شود. سروستانی با اشاره به مهم‌ترین عامل کاهش رشد جمعیت، گفت: مهم‌ترین عامل، ایجاد گفتمانی در میان همه اقشار ندار تا مرفه جامعه



بوده که داشتن بیش از دو یا سه فرزند را امری ناهنجار و بر خلاف چارچوب‌های فرهنگی و اجتماعی تلقی کرده است. این پژوهشگر حوزه رسانه و ارتباطات ادامه داد: بنابراین در گام نخست به منظور افزایش جمعیت و فرزندآوری در جامعه باید به سمت اقداماتی رفت که در این گفتمان تغییر ایجاد شود و حصول این مطلب نیز کار ساده‌ای نیست و نیازمند بازه زمانی قابل توجه است. وی افزود: نباید انتظار داشته باشیم در مدت زمانی کوتاه و با استفاده از چند کار مقطعی بتوانیم تغییر شگرف در رفتار مردم و ازدیاد زادوولد ایجاد کنیم. شفיעی سروستانی ابراز کرد: اما صرف‌نظر از اهمیت گفتمان موجود که کاهش زاد و ولد و تغییرات اساسی در تفکرات جامعه را به وجود آورده است موانعی دیگر نیز به چشم می‌خورد که یکی از این موانع دشواری شرایط ازدواج و تشکیل خانواده در جامعه ما است. وی با اشاره به اینکه بر اساس نتایج سرشماری سال ۹۰ در حال حاضر بیش از ۱۷ میلیون جوان بین ۲۰ تا ۲۹ سال در آستانه ازدواج قرار دارند، افزود: قطعاً اگر زمینه ازدواج برای آنها فراهم شود می‌توانیم امیدوار باشیم افزایش جمعیت را نیز به همراه داشته باشد. وی با اشاره به اینکه میانگین ازدواج در کشور ما در حال حاضر زنگ خطری برای سیاست‌های ازدیاد جمعیت در جامعه ما است، افزود: باید به سمتی رویم که شرایط را برای ازدواج جوانان تسهیل و فراهم کنیم تا بتوانند به سادگی ازدواج کنند بنابراین به این ترتیب می‌توانیم گام مناسبی در راستای تغییر سیاست‌های جمعیتی برداریم. شفיעی سروستانی با اشاره به ضرورت ترویج فرهنگ اعتماد و خوش‌بینی به خداوند به عنوان نکته مهم دیگر پس از اصلاح بینش، نگرش و رفتار خانواده‌ها در مورد فرزندآوری، گفت: این امر نیز به دلیل بزرگ‌نمایی و بیش از اندازه بزرگ تلقی کردن موانع مادی چون معاش و کار و اشتغال و تهیه مسکن... در جامعه امروز ما اهمیتی بسزا دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. وی با اشاره به اینکه در قرآن کریم و روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز همواره نسبت به اعتماد و خوش‌بینی به خداوند سفارش



شده است، بیان کرد: سفارش شده که جوان‌هایتان را همسر دهید و اگر آنها دچار تنگدستی باشند خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد و یا اینکه در جایی دیگر انسان‌ها از بیم از اینکه از بیم تنگدستی فرزندان خود را بکشند برحذر داشته شده‌اند. سروستانی گفت: اینها توصیه‌هایی است که در مورد حسن ظن به خداوند وجود دارد که باور به اینها افراد را از اینکه به دلیل ترس از موانع و محدودیت‌های مالی از ازدواج و فرزندآوری پرهیز کنند باز می‌دارد بلکه موجب می‌شود آنها با اعتماد به خداوند در مسیر رشد و تعالی و ایفای نقش‌های واقعی خود در زندگی گام بردارند. عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث با اشاره به موانع فرزندآوری در کشور و پیامدهای ناشی از آن، گفت: سلطه اندیشه‌های فمینیستی و افراط در زیباگرایی دختران و زنان بر اساس فرهنگ ماتریالیستی غرب از جمله موانع فرزندآوری است که پیامدهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی در پی دارد. ابراهیم شفیع‌ی سروستانی، نویسنده کتاب «رسانه ملی و تغییر سیاست جمعیتی، مسئله‌شناسی، راهبردها و سیاست‌ها» در بخش نخست گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با اشاره به اینکه در قرآن کریم همواره نسبت به اعتماد و خوش‌بینی به خداوند سفارش شده است، بیان کرد: راهکارهای تغییر سیاست‌های جمعیتی، ترویج چنین فرهنگی برای نیل به فرزندآوری در خانواده‌هاست. وی در ادامه با اشاره به نکته‌ای دیگر که از موانع فرزندآوری و افزایش جمعیت در کشورمان به شمار می‌رود، افزود: برداشت‌های نادرستی که در مورد نقش مادری و همسری شکل گرفته است نیز موجب شده فرزندآوری نادیده گرفته شود. وی ابراز تأسف کرد که در دورانی به سر می‌بریم که اندیشه‌های فمینیستی بر ذهن و مغز تعدادی از زنان و دختران جوان نقش بسته و علیرغم نقدهایی که بر رد این‌گونه اندیشه‌های افراطی نگاشته و مورد بحث و نظر قرار گرفته است این اندیشه‌ها بر ذهن زنان و دختران سایه افکنده و موجب کمرنگ‌تر شدن نقش مادری و همسری در جامعه ما شده‌است. این پژوهشگر حوزه رسانه



و ارتباطات ادامه داد: به همین دلیل تعدادی از دختران اولاً تن به ازدواج نمی‌دهند و از سوی دیگر اگر ازدواج کنند به راحتی اقدام به فرزندآوری نمی‌کنند و عواملی چون تحصیلات عالیه، اشتغال و... اهمیت بیشتری از نقش مادری و همسری برای آنان داشته و به هر حال این امر بر نرخ باروری و افزایش جمعیت جامعه اثرگذار بوده است. سروستانی با اشاره به نکته دیگری در این راستا، گفت: نگرش برخی از دختران و زنان در مورد بدن و زیبایی خود که به تبع تفکر غربی در مورد زیبایی در جامعه شکل گرفته است موجب شده است تا آنها از عمل به وظایف اصلی خود باز مانند و به اموری جز آن اهتمام کنند که تبعات سوء اجتماعی را نیز در پی دارد. وی تصریح کرد: فرهنگ نشأت گرفته از جهان مادی و ماتریالیستی غربی، داشتن اندام ترکه‌ای و لاغر و باری را ترویج می‌کند و البته فرهنگ مبتنی بر چنین تفکری نمی‌تواند زمینه‌ای برای فرزندآوری باقی بگذارد. شفیع سروستانی به تبعات ناشی از توجه مفرط به زیبایی، ادامه داد: افراط در توجه محض به زیبایی و تلاش برای داشتن اندام‌های ترکه‌ای و لاغر بر اساس تفکر و سلاطین غربی جایی برای مادری و همسری باقی نمی‌گذارد و این نوعی ذهنیت منفی است که موجب بی‌میلی به فرزندآوری و مادری در بخشی از زنان و دختران می‌شود. سروستانی تصریح کرد: فرهنگ جامعه، تحولات ساختاری، تغییر سبک زندگی و تسلط گفتمان فردگرایانه و مصرف‌گرایانه، بزرگ‌نمایی و بیش از اندازه بزرگ تلقی کردن موانع مادی در نتیجه کم شدن اعتماد به خداوند، سایه افکندن اندیشه‌های فمینیستی بر ذهن و مغز تعدادی از زنان و دختران، توجه محض به زیبایی از مهم‌ترین موضوعاتی است که موجب کاهش رشد جمعیت و بی‌تمایلی به فرزندآوری و ایفای نقش مادرانه در جامعه امروز ما می‌شود. وی با اشاره به اینکه کاهش جمعیت برای هر کشوری آفت و چالش‌های بسیار به همراه دارد، افزود: چالش‌های جمعیتی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی امنیتی از مهم‌ترین چالش‌ها و بحران‌هایی است که گریبانگیر کشورهایی که به سمت کاهش جمعیت



میل می‌کنند خواهد داشت. سروستانی با اشاره به اینکه مهم‌ترین بحران کاهش جمعیت، سالمندی جمعیت است، اظهار کرد: جمعیتی که به سمت پیر شدن نیل می‌کند با مشکلاتی مواجه می‌شود که بحثی گسترده می‌طلبد و جمع شدن چتر حمایتی از سالمندان از جمله مشکلات فرهنگی و اجتماعی چنین امری است. وی با اشاره به چالش‌های اقتصادی ناشی از کاهش جمعیت، گفت: کاهش تولید و افزایش تقاضا برای کالاهای اساسی و ... از جمله مشکلاتی است که در کنار مشکلاتی چون چالش سیاسی امنیتی موجبات تهدیدات و طمع دیگر کشورها را فراهم می‌کند که این موارد، مهم‌ترین بحران‌ها، چالش‌ها و آسیب‌هایی است که در نتیجه کاهش رشد جمعیت در پی می‌آید. (ایکنا ۹۲/۳/۸)

گفت‌وگوی تفصیلی با دکتر کبری خزعلی (رئیس شورای فرهنگی زنان و خانواده):

تغییر سبک زندگی لازمه پیشگیری از بحران پیری جمعیت است

رئیس شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده گفت: تغییر سبک زندگی و دور شدن از سبک زندگی غربی و بازگشت به سبک زندگی ایرانی اسلامی لازمه پیشگیری از وقوع سونامی پیری جمعیت در کشور است. اصلاح لایحه افزایش جمعیت و استفاده از تدابیری برای اصلاح الگوی جمعیتی کشور از جمله مسائلی است که طی چند سال گذشته با تأکیدات مقام معظم رهبری در دستور کار بسیاری از نهادها و دستگاه‌ها قرار گرفت، اما متأسفانه شاهد هستیم که هنوز تغییرات چشمگیری رخ نداده است. «در اوایل دهه هفتاد اجرای سیاست کنترل جمعیت بنا بر مصالحی، صحیح بود اما ادامه آن در سال‌های بعد خطا بود. بررسی‌های علمی و کارشناسی نشان می‌دهد که اگر این سیاست ادامه پیدا کند، به تدریج دچار پیری و در نهایت کاهش جمعیت خواهیم شد؛ بنابراین، مسئولان باید با جدیت در سیاست کنترل جمعیت تجدیدنظر کنند و...»؛ همین فراز از سخنان رهبر معظم انقلاب در چهارمین روز ماه رمضان گذشته کافی بود تا دستگاه‌ها و مسئولین و دستگاه‌ها آن را در اولویت کارهای



خود قرار دهند اما چرا سیاست‌ها و تدابیر اندیشیده شده نتوانسته است تأثیر جدی بر اصلاح الگوی جمعیتی کشور داشته باشد. شورای فرهنگی اجتماعی زنان به عنوان یکی از متولیان اصلی در حوزه مسائل زنان و خانواده از جمله دستگاه‌هایی است که در زمینه اصلاح الگوی جمعیتی کشور باید گام‌های اساسی را بردارد.

کبری خزعلی رئیس شورای فرهنگی اجتماعی زنان چندی پیش در مورد حرکت میانگین سنی کشور به سمت میانسالی و سونامی پیری جمعیت هشدار داده بود بر همین اساس خبرنگار جامعه فارس با وی در خصوص راهکارهای اصلاح الگوی جمعیتی کشور گفت‌وگویی انجام داد که متن آن به این شرح است:

فارس: چه مقدماتی برای تحقق افزایش جمعیت لازم است تا هم در سطح مبنایی و هم در سطح روبنایی و زودبازده‌تر باشد؟

خزعلی: برای تحقق افزایش جمعیت، مجموعه‌ای از اقدامات بنیادی لازم است تا نگاه جامعه به ویژه جوانان و خانواده‌ها به مسأله افزایش جمعیت تغییر پیدا کند که در رأس آن بایستی به محدود کردن سیاست‌های جمعیتی گذشته همت گمارد. در اجرای سیاست‌های افزایش جمعیت توجه به مؤلفه‌های مبنایی چون بهداشت، آموزش و تربیت نیروی انسانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است مانند:

- تشویق جوانان به ازدواج و تسهیل آن (که منجر به پیشگیری از بروز انحرافات اخلاقی و اجتماعی نیز خواهد شد)؛

- بالا بردن کیفیت زندگی زنان (با اهمیت به جایگاه و نقش آنان در خانواده و جامعه و فراهم کردن امنیت شغلی و فکری برای آنان)؛

- پایین آوردن سن ازدواج به منظور زمان مناسب برای فرزندآوری که مهندسی معکوس در مقابل القائات غرب و رژیم گذشته است.



- تشویق خانواده‌ها به سبک زندگی ایرانی-اسلامی به جای سبک زندگی غربی و ترویج آن به وسیله تولیدات نمایشی به خصوص صداوسیما؛
- فراهم کردن فرصت‌های شغلی مناسب برای افراد تحصیلکرده و جوان؛
- پیشگیری از بالا رفتن آمار طلاق (عدم تمایل فرزندان طلاق به فرزندآوری)؛
- کاهش زمان تحصیلی به منظور وارد شدن به حوزه اشتغال و تشکیل زندگی خانوادگی؛
- آموزش مهارت‌های کافی زندگی زناشویی به جوانان؛
- بهداشت سلامت مادر و کودک و احساس امنیت خانواده برای فرزندآوری؛
- بهداشت روانی و عاطفی خانواده با وجود فرزندان بیشتر و گسترده‌ی خانوادگی (ایجاد روابط و احساس امنیت روانی منجر به افزایش امید به زندگی در جامعه می‌شود).
- کنترل رشد و اندازه کلان‌شهرها و تغییر در نظام شهرنشینی؛
- ایجاد فرصت‌های شغلی برای نیروی کار روستایی؛
- توجه به نیازهای اساسی جوامع روستایی با محوریت نیازهای نسل جوان؛
- تقویت صنایع روستایی با هدف اشتغال‌زایی؛
- سرمایه‌گذاری مناسب در زمینه افزایش بهره‌وری و ارزش افزوده کشاورزی؛
- بیمه محصولات کشاورزی؛
- اجرای طرح آمایش سرزمین و رصد مستمر جمعیتی منطقه‌ای و استانی؛
- سیاست هماهنگ کردن رشد اقتصادی و تولیدات داخلی با رشد جمعیت؛
- بالا بردن امید به زندگی در ذهن جوانان؛
- همچنین توجه به امور زود بازدهی چون استمرار مسکن مهر، استمرار طرح مهر رضا، آموزش سربازان در دوره سربازی، بسیج رسانه‌ای بر آموزش و اطلاع‌رسانی، تخفیف مدت سربازی پسران در صورت تأهل و فرزندآوری، تخفیف‌های مالیاتی، افزایش مرخصی‌های



بدون حقوق زایمان برای مادران شاغل، طرح مرخصی با حقوق برای تولد فرزند سوم به بعد، کاهش هزینه‌های مربوط به زایمان و حمایت‌های بیمه‌ای خاص از زوج‌های نابارور و تخفیف در شهریه مهدکودک فرزند سوم به بعد نیز ضروری به نظر می‌رسد.

فارس: با توجه به فرمایش رهبر معظم انقلاب در خصوص افزایش کیفی جمعیت، تبیین کنید منظور از این افزایش کیفی چیست؟ و برداشت‌های غلط از کیفی شدن چه مواردی می‌تواند باشد؟

خزعلی: به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران فرهنگی مهمترین مؤلفه قدرت در نظام‌های اجتماعی پیشرفته «جمعیت و نیروی انسانی» در دو بعد کمی و کیفی است که در بحث افزایش جمعیت بعد کیفی آن خیلی مهم‌تر است. سرمایه‌های انسانی و اجتماعی در حقیقت از مؤلفه‌های کیفی جمعیت تلقی می‌شوند. البته تعداد جمعیت از نظر کمی نیز به خصوص جمعیت جوان، در پیشرفت و توسعه کشور، اقتدار ملی و غیره می‌تواند مؤثر و کارآمد باشد. اما برای افزایش کیفی جمعیت در کنار فرهنگ‌سازی باید زمینه‌های تشویق و ایجاد انگیزه را به وجود آورد بویژه در زمانی که مشکلات و تنگناهای معیشتی وجود دارد.

جوانان کشور ما در حوزه علم و فناوری قهرمانانی بی‌نظیر هستند که در دوره بازسازی و سازندگی بعد از جنگ در تمامی حوزه‌ها حماسه آفریده‌اند. این امر نشانگر آن است که ما هم از نظر کمی و کیفی فرصت افزایش جمعیت و تربیت و آموزش نسل جوان را دارا بوده و بایستی با شناسایی عوامل و آسیب‌های سد راه افزایش جمعیت و فراهم نمودن بسترهای لازم برای ارائه خدمات در تمامی حوزه‌ها برای افزایش جمعیت کشور اسلامی‌مان تلاش کنیم که در این راستا نیازمند:

- اتخاذ تدابیر قانونی و اداری لازم برای کنترل و هدایت جمعیت؛



- تحول بنیادین در سیستم آموزشی کشور به خصوص آموزش و پرورش (تا بچه‌ها مهارت محور و تخصص محور آموزش ببینند).
- ارائه الگوی حضور اجتماعی زنان، مناسب با وظایف خانوادگی (باید در تبلیغات نقش مهم محیط خانواده را در تربیت فرزندان و تأثیر آن در سیاست، اقتصاد و فرهنگ جامعه بیان کرده و نباید تصور کرد که حضور زنان در فعالیت اجتماعی باعث ارتقای شخصیت اجتماعی آنان و برعکس خانه‌داری و ایجاد محیط امن در خانه برای تربیت فرزندان کاری بیهوده و ضد ارزش است و یا اشتغال زنان مانع همسر داری و فرزند داری آنان است)
- ایجاد ارتباط منطقی بین رشته‌های تحصیلی، مسئولیت‌های خانوادگی و ضرورت‌های اجتماعی (باید با تحقیقات جامعه‌شناسی، روانشناسی مبتنی بر معارف اسلامی مشخص شود که به تناسب خصوصیات جسمی، فکری، روحی و نقش‌هایی که زن و مرد در خانواده و اجتماع باید ایفا کنند بایستی در چه رشته‌هایی تحصیل کنند یا افراد متناسب با ضرورت‌های خانوادگی و اجتماعی رشد پیدا کنند تا پس از تحصیل در دانشگاه دانش و مهارت آنها مورد استفاده قرار گیرد و برای دستیابی به این مهم در سیاست‌های مصوب نظام آمده است:
- ایجاد شرایط مناسب جهت پرورش افراد نخبه در جامعه؛
- تدوین الگوی سبک زندگی و ترویج آن به ویژه فعالیت‌های اجتماعی، آموزشی و اشتغال زنان متناسب با معیارهای اسلامی و هماهنگ با مصالح خانواده به منظور ایفای هر چه کامل‌تر نقش مادری و همسری؛
- اهتمام به ارتقای کیفی جمعیت کشور از طریق متناسب ساختن نرخ باروری خانواده‌ها با شرایط و اقتضائات سلامت، معیشت و فرهنگ آنها؛
- اصلاح مفاد درسی در سطوح مختلف آموزش و پرورش و آموزش عالی نسبت به افزایش جمعیت مطلوب و فرزندآوری و استفاده از ظرفیت‌های آموزشی در این زمینه؛



- سیاستگذاری توزیع و بازتوزیع جمعیت و اعمال آن در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه ملی و منطقه‌ای می‌باشیم.

بعضی معتقدند باید همه شرایط فراهم باشد تا بتوان جمعیت را به صورت کیفی افزایش داد و کیفی شدن محدود به گروه‌های خاص مثل اقشار تحصیلکرده یا ثروتمند می‌شود که این نتیجه برداشت‌های غلط از افزایش کیفی جمعیت است. در حالیکه رشد کیفی جامعه لزوماً به معنی کاهش جمعیت نیست و رشد جمعیت ضرورتاً مانع رشد کیفی نخواهد شد ولی سازمان‌دهی خانوادگی و سازمان‌دهی اجتماعی یعنی الگوی توزیع و تخصیص امکانات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می‌تواند زمینه‌ساز رشد کیفی گردد.

فارس: ارتباط بین فرزندآوری و اشتغال همزمان پدر و مادر چگونه است؟

خزعلی: طبق تعالیم اسلام خانواده بستر مناسب برای سکونت و آرامش به حساب می‌آید و مادران نیز وظیفه تربیت فرزندان و حمایت روحی و عاطفی از خانواده خود را دارند. بنابراین اگر زنی بیشتر اوقات خود را در محیط کار و خارج از خانه سپری کند از وظیفه اصلی خود دور شده و در نتیجه بحران در خانواده و به تبع آن در اجتماع به وجود می‌آید. یکی از دلایل کاهش باروری در کشورهای غربی و اکتفا کردن زوجین به یک فرزند، اشتغال به کار زنان در بیرون از خانه است که شرایط را برای فرزندآوری دشوار می‌سازد.

وقتی در خانواده، پدر و مادر برای تأمین معاش خانواده از خانه دور باشند شکاف بین‌نسلی اتفاق افتاده و کم‌کم ارزش‌ها از بین می‌رود، چرا که پدر و مادر از کارکرد اصلی خود در تربیت فرزندان غافل شده و در نتیجه فرزندان چنین خانواده‌های نابسامان با بحران هویت مواجه می‌شوند که به تبع آن کیفیت و ازدیاد نسل تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

بنابراین از جمله راهکارهایی که می‌تواند از پیامدهای اشتغال همزمان پدر و مادر جلوگیری کند و تا حدی از بهانه کمک به اقتصاد خانواده از سوی زنان بکاهد، ارائه الگوهای صحیح



سبک زندگی و اشتغال در نظام اسلامی است که متناسب با دیدگاه‌های اسلامی، خانواده و جامعه اسلامی را به عنوان الگوی ایده‌آل، نه تنها در کشور اسلامی‌مان بلکه به جهانیان معرفی نماییم. از جمله آنها که در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز به آنها اشاره شده است عبارتند از:

۱- تدوین الگوی سبک زندگی و ترویج آن به ویژه فعالیت‌های اجتماعی، آموزشی و اشتغال زنان متناسب با معیارهای اسلامی و هماهنگ با مصالح خانواده به منظور ایفای هر چه کاملتر نقش مادری و همسری؛

۲- تدوین و اجرای الگوها و برنامه‌های حضور اجتماعی مطلوب و تنوع‌بخشی به مشاغل زنان متناسب با مسئولیت‌های خانوادگی (همسری و مادری)؛

۳- حمایت از زنان خانه‌دار در قالب طرح بیمه زنان خانه‌دار؛

۴- اجرای طرح اشتغال نیمه وقت زنان؛

۵- اجرای طرح دورکاری زنان شاغل؛

(طبق مصوبه دولت، در طرح دورکاری کارمندان دولت، با توجه به ضرورت اقتضائات، حق تقدم و اولویت استفاده از طرح مذکور با زنان، به ویژه مادرانی است که دارای فرزند خردسال یا معلول هستند و یا خود یا یکی از اعضای خانواده آنها با بیماری‌های خاص مواجهند. طبق همین مصوبه، در صورت وجود چند کارمند واجد شرایط دورکاری، افراد معلول، زنان باردار یا زنان دارای فرزند کمتر از ۶ سال از اولویت برخوردارند.)

فارس: تأثیر افزایش سطح تحصیلات بر فرزندآوری یا عدم فرزندآوری چیست؟

خزعلی: در حال حاضر، بیش از نیمی از ورودی‌های دانشگاه‌ها را دختران تشکیل می‌دهند و همین مسئله، افزایش سن ازدواج و کاهش فرزندآوری را به دنبال داشته است.

بسیاری از دختران پس از پایان دوره تحصیل به دنبال یافتن شغل و فعالیت‌های اقتصادی



و اجتماعی می‌روند و این مسئله منجر به ازدواج‌های دیر هنگام و به تأخیر افتادن زادوولد می‌شود و به طور طبیعی تعداد فرزندان آنها کاهش می‌یابد. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که تا چند سال آینده ما با افزایش حضور زنان در دانشگاه‌ها و به تبع آن با افزایش فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی زنان مواجه خواهیم بود که برای کنترل و هدایت این امر نیازمند برنامه‌ریزی دقیق برای تحصیل و حضور اجتماعی زنان متناسب با مسئولیت‌های خانوادگی او انجام شود تا امر همسری و مادری او در هنگام تحصیل و اشتغال تحت الشعاع قرار نگیرد.

اما با تمام این شرایط، راه‌هایی برای جبران این وضعیت وجود دارد مانند:

- اختصاص یارانه مناسب برای جوانان در سن ازدواج (مثلاً ۲۵ سال)؛

- در نظر گرفتن مسکن ارزان‌قیمت برای زوج‌های جوان؛

- ایجاد اشتغال با درآمد مناسب برای مردان که نیازی به اشتغال زنان برای کسب درآمد

زندگی نداشته باشند.

- برنامه‌ریزی‌های فرهنگی برای کاهش طلاق‌هایی که زمینه اقتصادی (مشکلات مالی)،

فرهنگی (عدم آشنایی با زندگی زناشویی) و ... دارد.

- تهیه و تدوین سیاست‌های تشویقی و حمایتی از زوج‌های جوان و خانواده‌ها؛

- ایجاد رشته‌های تحصیلی متناسب با جایگاه و نقش خانواده و زن بر اساس فرهنگ

اسلامی، همچون مدیریت خانه و خانواده در مقاطع مختلف توسط وزارتخانه‌های آموزش و

پرورش و علوم و تحقیقات و فناوری؛

فارس: تغییر در نقش و جایگاه زنان در جامعه امروز، منجر به بروز معضلاتی همچون تغییر

نگرش آنها و گرایش به تفکراتی همچون فردگرایی، افزایش سن ازدواج، تغییر ارزش‌های

خانوادگی و کاهش تمایل به فرزندآوری شده است. این تغییرات تقریباً از چه زمانی آغاز شد

و برای مقابله با آن چه باید کرد؟



خزعلی: با پایان جنگ تحمیلی، بازسازی نظام اقتصادی کشور به دغدغه اصلی مسئولان و نخبگان سیاسی کشور بدل شد. به این ترتیب «توسعه کشور» در عرصه‌های گوناگون محور اصلی برنامه‌های دولت شد و اجرای این برنامه‌ها سبب تحولات گسترده‌ای بود که ابتدا در حوزه عمرانی و اقتصادی و سپس در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی رخ داد.

بنابراین پایان جنگ و آغاز شرایط نوین سیاسی و اقتصادی و همچنین برنامه‌های توسعه با الگوی مادی غرب، فرآیند تحول در ارزش‌ها را پدید آورد که بر اساس آن سبک زندگی غربی که در مقابل سبک زندگی اسلامی به حاشیه رفته بود دوباره به متن جامعه بازگشت. البته این فرآیند زیرپوستی و خزانده بود و یکباره صورت نگرفت. اگر دهه‌های اول انقلاب، مردم به صرفه جویی تشویق می شدند، پس از آن همگام با رشد برنامه‌های آزاد اقتصادی، فرهنگ مصرف‌گرایی در بین جامعه رسوخ کرد، تبلیغ گسترده کالاها و خدمات، همراه با مجلات و روزنامه‌های رنگی، فضای یکدست جامعه را تغییر داد. تغییر روند ساده‌زیستی به سوی مصرف‌گرایی، منجر به تجمل‌گرایی شدید در جامعه شد. این گرایش تا آنجا پیش رفت که توانست مهر مادری را در زنان تحت‌الشعاع قرار دهد.

در واقع افزایش شدت احساس فقر (به دلیل رشد روحیه مصرف‌گرایی) و گرایش به تجمل‌گرایی در جامعه و اهمیت یافتن توجه به خواسته‌های فردی سبب روی آوردن زنان به الگوی اشتغال تمام وقت شد که از جمله مضرات این الگوی رفتاری بالا رفتن سن ازدواج، تجددگرایی (خانواده ستیزی)، تنوع طلبی، ازهم‌پاشیدگی کانون خانواده، طلاق‌های عاطفی زوجین، عدم تمایل به فرزندآوری، تأخیر در فرزندآوری و عدم توجه به مسئولیت‌های خانوادگی می‌باشد.

به این ترتیب، نفوذ افکار غربی که سبب نادیده گرفتن ارزش‌های الهی شده بود، جامعه ایران را به شدت متأثر ساخته و توجه بیش از حد به خود منجر به فردگرایی افراطی شد که



از جمله پیامدهای آن، متقاعد کردن زنان به اینکه زایمان، زیبایی و سلامتی آنان را به خطر می‌اندازد، لذا آنها از آوردن فرزند رویگردان می‌شوند که راه خروج از این مشکل بازگشت به فرهنگ اصیل اسلامی - ایرانی است که با توجه دادن خانواده‌ها به مسئولیت‌های اصلی‌شان از توجه به ظواهر فردی و خواسته‌های زودگذر دنیوی باز دارد.

بنابراین برای غلبه بر چالش‌های موجود هم مردم و هم مسئولان می‌توانند با انجام اقداماتی جلوی پیشرفت روزافزون این معضلات را بگیرند که از جمله آنها:

- حمایت از خانواده محوری و بازگشت به الگوی خانواده اصیل اسلامی - ایرانی؛
- تقویت کار گروهی و جمعی در مدارس و مساجد (مانند کارهای بسیجی و هیئتی) در مقابله با روحیه فردگرایی؛

- اعاده فرهنگ «جمع‌گرایی» از طریق شیوه‌هایی مانند احیاء و تقویت فرهنگ «سفره» یعنی دور هم غذا خوردن خانواده‌ها؛

- در نظر گرفتن مشوق‌های اقتصادی، اجتماعی، مادی، معنوی و غیره از سوی دستگاه‌های ذیربط؛

- تدوین و اجرای الگوها و برنامه‌های حضور اجتماعی مطلوب و تنوع‌بخشی به مشاغل زنان متناسب با مسئولیت‌های خانوادگی (همسری و مادری)؛

- تبیین فواید فرزندآوری و آثار منفی کاهش نرخ باروری با رعایت شرایط و مقتضیات راهبردی از طریق رسانه‌ها؛

- بالا بردن ارزش و اهمیت خانه‌داری زنان؛

فارس: علوم انسانی غربی چگونه توانسته نگرش مردم را نسبت به فرزندآوری تغییر

دهد؟



خزعلی: طبق اظهار نظر برخی کارشناسان حوزوی و دانشگاهی عواملی که توانسته نگرش مردم را نسبت به فرزندآوری تغییر دهد علوم انسانی غربی است که توانسته بر روی باورها و اعتقادات جامعه ایران تأثیر بگذارد که به برخی از آنها می پردازم: تفاوت دیدگاه علوم انسانی غربی (از جمله جمعیت‌شناسان غربی) با دیدگاه اسلام:

۱- بر اساس دیدگاه جمعیت‌شناسان غربی، اگر رشد جمعیت متناسب با رشد امکانات، شاخصه های رفاه اجتماعی و غیره نباشد موجب بروز مشکلاتی در حوزه های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خواهد شد، این در حالی است که در اسلام توصیه به افزایش جمعیت مقید به فراهم آمدن شرایط نیست؛ تاریخ نشان می دهد توصیه های پیامبر اکرم (ص) به ازدیاد نسل در دوران رفاه اقتصادی نبوده، بلکه حتی در مقطع شدت تنگناهای اقتصادی نیز بوده است. بنابراین نگرانی از مشکلات ناشی از جمعیت (مانند تشدید فقر و تنگدستی) و اصرار بر این امر که حتماً باید رشد جمعیت متناسب با رشد امکانات باشد، سوءظن به پروردگار و با اعتقاد قاطع به رزاقیت و توکل بر او در تعارض است در حالیکه در منابع دینی و متون اقتصادی روز جمعیت خود عامل رشد اقتصادی است.

۲- از دیدگاه جمعیت‌شناسان غربی اوضاع بد اقتصادی قطعاً منجر به تربیت بد فرزند خواهد شد، این در حالی است که در روایت آمده است که شخصی به امام صادق (ع) عرضه می دارد من و همسرمدتی است که فرزندی نیاورده ایم. من علاقه دارم که فرزند بیاورم، اما همسرمد موافق نیست و می گوید: در حال حاضر وضعمان خوب نیست و از پس تأمین نیاز آنها و تربیتشان بر نمی آیم. بفرمائید که نظر شما چیست؟ امام (ع) می فرماید: فرزند بیاورید، خدا روزی آنها را می دهد. بنابراین از منظر اسلام، احتمال تربیت بد به خاطر اوضاع اقتصادی بد یک احتمال است، اما رزاقیت پروردگار قطعی است. پس آن احتمال، قابل اعتنا نیست و انحراف و تربیت بد فرزند ناشی از کوتاهی والدین، اجتماع و حتی خود فرد است.



۳- یکی از علل تشویق جمعیت‌شناسان غربی به کاهش جمعیت، داشتن رفاه اجتماعی است که دارای مفهوم نسبی و قراردادی است و قابل استناد نخواهد بود به دلیل اینکه رفاه یکی از عوامل انحراف بوده و رفاه‌زدگی بیماری شناخته شده همه جوامع است. لازم به ذکر است شعار «رفاه برای همه» در زمان دوران سازندگی مطرح و آنقدر بر آن تأکید شد که منجر به نفی ارزش‌های جهادی، انقلابی و ساده‌زیستی گردید.

۴- بنای طبیعت بر تداوم حیات و بقای نسل است، این در حالی است که سیاست‌های کترلی در تقابل با آن است.

۵- علوم تجربی و انسانی (از جمله جمعیت‌شناسی) در تحقیقات خود بر روش استقراء (یعنی از قضایای جزئی به نتیجه کلی رسیدن) متکی است و هیچ‌گاه نمی‌تواند به یقین برسد، این در حالی است که آموزه‌های دین اسلام بر پایه یقینیات و ریشه در تعالیم خدشه‌ناپذیر آسمانی دارد.

با توجه به آنچه بیان شد نیاز تشکیل جلسات کارشناسی از سوی حوزه‌های علمیه و ارائه پاسخ‌های لازم و کافی در جهت تبیین نظریه‌های جمعیتی اسلام بیش از هر زمان دیگر محسوس است و لازم است که هر چه سریع‌تر حوزه‌های علمیه به این نیاز جامعه پاسخ مناسبی دهند.

فارس: وظیفه دولت و مجلس در جهت تسهیل در امر فرزندآوری و افزایش باروری چیست؟

خزعلی: با توجه به اینکه طبق تحقیقات به عمل آمده، در حال حاضر ما به سمتی حرکت می‌کنیم که در صورت ادامه روند موجود، بزودی ما با سونامی پیری جمعیتی که همان افزایش جمعیت سالمند است مواجه می‌شویم، بنابراین بهتر است از همین حالا با بازنگری سیاست‌ها و قوانین موجود و به تبع آن جایگزینی برنامه‌های جدید از این آسیب‌های پیش رو جلوگیری



کنیم. شاید بتوان گفت برای برون رفت از این شرایط، مشوق‌های اقتصادی که برای افزایش جمعیت توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده است بتواند کمک مؤثری باشد که با همکاری مجلس و دولت می‌تواند به مرحله اجرا برسد. در مصوبه مذکور هم راهبردهای ملی و هم اقدامات ملی مناسبی پیش‌بینی شده است.

با توجه به راهبردهای تعیین شده در این مصوبه، از جمله اقدامات ملی که در سطح کلان کشور در نظر گرفته شده عبارتند از: اختصاص سبد تغذیه مناسب و بسته درمانی رایگان به مادران و کودکان، افزایش مدت مرخصی استعلاجی زایمان به ۹ ماه، تسهیلات ویژه برای مادران دانشجو، افزایش میزان حق عائله‌مندی (تا دو برابر)، پرداخت وام قرض‌الحسنه «فرزند» به مبلغ یکصد میلیون ریال، کمک به ارتقای آمادگی جسمی و روحی برای بارداری در دوران نوجوانی از طریق افزایش اعتبارات، امکانات، ساعات درسی و فعالیت‌های ورزشی دختران و پسران در مدارس و دانشگاه‌ها، ترویج زایمان طبیعی و پرداخت وام به خانواده‌ها که برای هر یک از این موارد شرایط ویژه‌ای در نظر گرفته شده است.

فارس: نقش رسانه‌ها در تغییر نگرش مردم و فرهنگ‌سازی برای افزایش جمعیت چیست؟
آیا شورای عالی در این زمینه هم برنامه دارد؟

خزعلی: با توجه به اهمیت نقش رسانه‌های جمعی به ویژه صدا و سیما و شبکه‌های استانی آن، لازم است که صدا و سیما با هدف گفتمان‌سازی و ترویج فواید فرزندآوری به تبیین آثار منفی کاهش نرخ باروری پرداخته و با تولید و اجرای انواع برنامه‌های آموزشی، پژوهشی، نمایشی، تبلیغی و غیره به فرهنگ‌سازی و تغییر نگرش مردم در زمینه‌های فرزندآوری، اصلاح برداشت‌های نادرست درباره نقش مادری و همسری زنان، اصلاح نگرش زنان و دختران درباره بدن و زیبایی خود، الگوسازی از خانواده‌های موفق پرجمعیت، افشای طرح‌های نظام سلطه برای کاهش جمعیت جهان (خصوصاً جمعیت مسلمان بویژه شیعیان)، ایجاد حساسیت



عمومی درباره بحران‌ها و آسیب‌های ناشی از کاهش جمعیت، اصلاح رویکرد رسانه در بازنمایی خانواده و تعدیل سطح توقع و انتظار مردم از زندگی و تلاش در جهت تغییر سبک زندگی غربی به سبک زندگی اسلامی ایرانی پردازد و توصیف خانواده شاد و بانشاط و پرجمعیت در مقابل خانواده‌های بی‌فرزند و تک‌فرزند.

فارس: در این مصوبه نقش نهادهای مذهبی، مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد در تغییر نگرش مردم درباره فرزندآوری چگونه است؟

خزعلی: با توجه به غفلت‌های صورت گرفته از شناخت و بکارگیری ظرفیت آموزه‌های دینی در تأمین نیازهای مادی و معنوی که منجر به تغییر در سبک زندگی عموم مردم (خصوصاً نسل جوان) شده است سبب گرایش شدید جامعه به مظاهر فرهنگ غربی گردیده است. از عمده‌ترین مشخصه‌های فرهنگ غربی اصالت فرد، آزادی‌های فردی و منافع فردی است که تمام اینها جزو عوامل سست کردن بنیان خانواده می‌باشد. برای جلوگیری از این روند لازم است علاوه بر دولت و دستگاه‌های ذیربط از ظرفیت نهادهای مذهبی (مثل مساجد) و سازمان‌های مردم‌نهاد در جهت مقابله با روند مخرب مذکور استفاده کرد تا شاهد بروز مشکلات بیشتر نباشیم. در این رابطه به چند نمونه از اقدامات اشاره می‌شود:

۱- تبیین نظریه‌های جمعیتی اسلام برای اصلاح نگرش مسئولان و مردم توسط نهادهای مذهبی؛

۲- تشکیل حوزه‌های مختلف بهداشتی، سلامت، روانشناسی، مشاوره‌های ازدواج، تحصیل و غیره در مساجد جهت انجام مشاوره‌های علمی و دینی در کنار یکدیگر (ارائه راهکارهای عملی در زندگی بر اساس آموزه‌های دینی) نه صرفاً تطبیق دینی با ره‌آورد‌های علمی آن هم آموزه‌های نیم‌قرن قبل علمی؛



۳- فعال شدن هیأت امنای مساجد و بسیجیان برای حل مشکلات اقتصادی و فرهنگی خانواده‌ها؛

۴- حمایت از گسترش شبکه‌های اجتماعی و سازمان‌های مردم‌نهاد در جهت کاهش سن ازدواج و استحکام بنیان‌های خانواده؛

۵- ارتقاء کمی و کیفی سازمان‌های مردم‌نهاد، به ویژه در سطح استان‌ها جهت گسترش فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی حامی خانواده؛

۶- ترغیب جوانان به ازدواج از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی و تبیین آثار افزایش سن ازدواج توسط سازمان‌های مردم‌نهاد خانواده‌گرا؛

۷- ترغیب جوانان به آسان‌سازی ازدواج و ساخت مسکن برای جوانان توسط سازمان‌های مردم‌نهاد؛

۸- ایجاد امکانات رفاهی و غیره برای نگهداری و تفریحات سالم برای فرزندان خانواده‌های متعهد (تأسیس مهدهای کودک قرآنی و غیره) و مدارس مردم‌نهاد؛

فارس: چه حمایت‌های حقوقی و قانونی می‌توان از خانواده‌های دارای چند فرزند به عمل آورد؟

خزعلی: با توجه به پیش‌بینی‌های مصوبه شورای عالی قرار است برای حمایت حقوقی و قانونی از مادران اقداماتی در سطح ملی انجام شود که به چند نمونه اشاره می‌شود:

- اجرای کامل طرح آتیه فرزندان با مبنا قرار گرفتن ارزش ریالی سال ۱۳۸۹ (به عنوان سال پایه) در این طرح دولت و خانواده برای آینده فرزندان سرمایه‌گذاری می‌کنند تا در زمان اشتغال، تحصیل و ازدواج سرمایه‌ای مناسب داشته باشند و این روش در برخی کشورها حتی برای حج استفاده شده و آثار مثبتی داشته است زیرا با سرمایه‌گذاری در صندوق حج توسط خانواده از بدو تولد، اکثر افراد در جوانی مستطیع می‌شوند و در اوج توانایی و نشاط عبادی



به حج می‌روند.

- خانواده‌های دارای چهار فرزند و بیشتر بر اساس نتایج آمایش جمعیتی و در دهک‌های پایین درآمدی جامعه می‌توانند حسب مورد از یکی از دو امتیاز زیر بهره‌مند شوند:

- دریافت وام خرید مسکن به میزان دو برابر سقف وام‌های اعطایی بانک مسکن با بازپرداخت ۳۰ ساله حداقل سود بانکی بخش مسکن؛

- دریافت یک قطعه زمین مسکونی به مساحت ۲۰۰-۱۵۰ متر مربع در شهرستان محل سکونت به شرط ساخت و حداقل ۱۵ سال سکونت در آن به استثنای کلان‌شهرهای کشور؛
- بازنگری و وضع قوانین و مقررات حمایتی و تشویقی فرزندآوری به صورت پلکانی با رعایت سه معیار سن ازدواج، فاصله موالید و تعداد فرزندان از طریق پیش‌بینی الزاماتی همچون:

* اعطای مشوق‌های مالیاتی به خانواده متناسب با تغییرات در بعد خانوار از طریق تغییر در واحد مالیاتی از فرد به خانواده که خانواده‌گرایی را تشویق می‌کند.

* احتساب خانه‌داری به عنوان شغل و کمک به بیمه بازنشستگی زنان متأهل خانه‌دار با پرداخت بخشی از حق بیمه توسط دولت متناسب با درآمد خانواده.

- مادران شاغل دارای ۳ فرزند و بیشتر می‌توانند با داشتن هر میزان سابقه کار، علاوه بر میزان سنوات خود به ازای هر فرزند با یک سال افزایش سنوات بازنشسته شوند.

- مادران شاغل می‌توانند با هر میزان سابقه کار با همان میزان سنوات بازنشسته شوند.

- پرداخت وام قرض‌الحسنه «فرزند» به مبلغ یکصد میلیون ریال به خانواده‌ها برای فرزندان سوم تا پنجم با بازپرداخت ۱۰ ساله و بدون الزام به سپرده‌گذاری توسط بانک‌های عامل بر مبنای نرخ پایه سال ۱۳۹۱.

فارس: سبک زندگی چه تأثیری در روند کاهش جمعیت داشته است؟



خزعلی: بر اساس نظر متفکران فرهنگی سبک زندگی به مجموعه رفتارها، مدل‌ها و الگوهای کنش‌های هر فرد اطلاق می‌شود که معطوف به ابعاد هنجاری، رفتاری و معنایی زندگی اجتماعی او باشد و نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها و کنش‌ها و واکنش‌های فرد و جامعه می‌باشد. به عبارتی سبک زندگی دلالت بر ماهیت و محتوای روابط، تعاملات و کنش‌های اشخاص و آحاد مردم در هر جامعه دارد. بی‌شک مواجهه فرهنگ و جامعه ایرانی با فرهنگ و نگرش غربی و مدرن، سبب تحول در سبک زندگی ایرانی شده است و یک زندگی شبه مدرن را که بارقه‌هایی از سنت نیز در آن وجود دارد، برای جامعه ایرانی رقم زده است. این در حالی است که سبک زندگی سنتی - دینی با مایه‌ها و جوهره شیعی و گرایشات اهل‌بیتی مردم ایران از استحکام دیرینه و با پشتوانه‌ای برخوردار است. اما در صد سال اخیر دچار تحولاتی شده است که همواره مسأله تماس، برخورد، پذیرش، طرد، مقابله و یا همزیستی میان فرهنگ سنتی - اسلامی ایرانی و ورود فرهنگ غربی و اروپایی که حامل تجدد و مدرنیته به معنای دقیق کلمه است، مطرح شده و هنوز هم این موضوع در قلب تحولات فکری فرهنگی جامعه ما قرار دارد. فرهنگ غرب با تفکری که در آن انسان می‌خواهد جای خدا را بگیرد و به صورت موجودی صاحب علم و اراده و قدرت و در جایگاه تشریع ظاهر شود و می‌خواهد همه چیز را در تصرف و تملک خود درآورد در مقابل جامعه ایران یک جامعه دین‌دار، دین‌محور و خدامحور قرار گرفته است.

تفکر غرب سبب پدیدار شدن هنر و ادبیات مدرن، علم مدرن، دین مدرن، نظام سیاسی و شهروندی مدرن (به کار بردن اصطلاح شهروندی به جای مفهوم اخوت و برادری)، نظام اقتصادی مدرن، تفکر مدرن و نظام اجتماعی مدرن شد.

تمامی اینها سبب شدند که سبک زندگی بشر با سبک زندگی پیشین خود و همچنین با سبک زندگی سنتی و دینی فاصله بگیرد. سنت اسلامی از منظر ما از آب‌شخور وحی، قرآن،



نهج البلاغه و روایات سیراب می‌شود و امری قدسی، آسمانی و ملکوتی است که مرزهای شفاف و روشنی با خرافه‌گرایی و تحجر دارد. غفلت از جایگاه دین اسلام و مکتب شیعه در سنت و تاریخ و هویت جامعه ایرانی از مشکلات اساسی ما در پذیرش فرهنگ غرب در کشور است که به تمامی مؤلفه‌های سبک زندگی اعم از: هویت، ارزش‌ها، معماری شهری و خانگی، نظام آموزش، زبان و ادبیات، هنر، خانواده، روابط اجتماعی، ساختار اجتماعی، دین‌داری فردی و اجتماعی، نظام اقتصادی فردی و خانواده، نظام تغذیه و طب فردی و خانواده، رسانه، تکنولوژی، نحوه نگرش به عالم، نگرش به نظام سیاسی اجتماعی به مباحث دینی و اسلامی پیوند خورده است.

گرچه برخی صفات اجتماعی غربیان همچون ریسک‌پذیری و خطر کردن، کار جمعی در فعالیت‌های تحقیقاتی و علمی، رعایت برخی قوانین اجتماعی قابل احترام است، اما تفکر مادی‌گرای غربی جز سود و منفعت نیست.

هدف اصلی از زندگی غربی کسب لذت مادی و زندگی اقتصادی است که پایه‌های آن بر مصرف، کسب رفاه و سود بیشتر استوار است و همه ابعاد زندگی اعم از دانش و علم و تربیت با نگاه اقتصادی ارزیابی می‌شود. در دانشگاه، تحصیلی که منجر به کسب سود بیشتر شود، مطلوب است سیاستی که در خدمت منافع مادی باشد، خانواده‌هایی که در آن سود و رفاه حرف اول را بزنند. اخلاقی حقوقی و فردمحور و خودخواهانه همگی باید در همین راستا باشد. اما در سنت اسلامی مبنای خانواده، سیاست و غیره را تعلیم و تربیت تبیین می‌کند. در شهرسازی سنتی بازار حول محور مسجد شکل می‌گیرد، بازار اسلامی اوج آرامش است و ورود به عرصه تولید و جهاد محسوب می‌شود و رشد و کمال فرد و خانواده، محور همه برنامه‌ریزی‌ها و صرف بودجه‌ها است.



یکی از کلیدی‌ترین درس‌های سبک زندگی از نهج‌البلاغه امیرالمومنین (ع) استنباط می‌شود؛ توصیه همزمان و هم‌ردیف به تقوا و نظم، تجلی این معنا است که نظم در زندگی و رعایت نظامات اسلامی از تقوا و پرهیزگاری منشأ می‌یابد.

توقع تحول رحمانی در نفسانیت نفس اماره که حیات روزمره‌اش در گرو تعلقات شیطانی است، توقعی بی‌جا به نظر می‌رسد و باید با مهار این نفس به سوی نفس مطمئن و راضیه حرکت کرد. اما باید بدانیم که ظاهر و باطن با هم تحول می‌پذیرند و بر هم اثر می‌گذارند؛ بنابراین سودای تحول سبک زندگی انسان نتیجه‌ای جز تغییر نسبت‌های نفسانی او در بر نخواهد داشت و چون جان انسان متوجه امری گردد فعل او ظهور آن توجه خواهد شد. نظم ظاهری از تقوای باطنی می‌آید و این واژه کلیدی و هدیه نهج‌البلاغه به جامعه تشنه نظم و اخلاق و آرامش و آسایش بوده و خواهد بود.

فارس: مطلع شدیم کارگروه‌های تخصصی متعددی در شورای عالی مشغول به کار هستند مثلاً در موضوعات طبیعی و مادی بویژه عوامل تغذیه‌ای، شیمیایی و دارویی، نظر کارشناسان در مورد عوامل محیطی مؤثر بر کاهش باروری چیست؟

خزعلی: نوع اختلال در دستگاه تولیدمثل بستگی به عوامل متعددی از نوع و میزان ماده، مدت تماس (حاد یا مزمن) و زمان تماس داشته و بر اساس این فاکتورها عوامل محیطی مضر می‌توانند سبب کاهش باروری، ناباروری، سقط‌جنین، نقص مادرزادی و یا سرطان دستگاه تناسلی نمایند. از عوامل محیطی مضر دستگاه تولیدمثل، حرارت، اشعه‌های یونیزه و غیر یونیزه، فلزاتی چون سرب و جیوه، استروژن‌های صنعتی و آفت‌کش‌ها، حلال‌های شیمیایی، سیگار و مواد مخدر، الکل و قهوه، داروها و افزودنی‌های غذایی هستند.

در زنان اختلالات قاعدگی و عدم تخمک‌گذاری و سقط به خودی خود در اثر کار فیزیکی سنگین، کار در اتاق عمل، دندانپزشکی و عوارض شغلی دیگر مثل مواد ضد عفونی‌کننده،



فلزات سنگین و حلال‌های شیمیایی اتفاق می‌افتد. آلاینده‌های محیطی چون سرب، سوخت‌های اکسیژنه جایگزین سرب، از طریق مکانیسم‌های خاص سبب اختلال در سیستم غدد و هورمون‌ها و اثرات سوء بر سیستم تولیدمثلی انسان می‌شوند.

آفت‌کش‌ها و سموم شیمیایی با توجه به استفاده وسیع آنها در کشاورزی و منازل عامل مؤثری در ناباروری می‌باشند. به طوری که میزان ناباروری در مردان کشاورز یا شاغل در صنایع تولیدکننده آفت‌کش‌ها ۱۰ برابر بیشتر از جامعه نرمال بوده و میزان سقط جنین به علت نقایص مادرزادی در مادران مجاور مزارع کشاورزی مصرف‌کننده این مواد افزایش داشته است.

بر اساس آمارهای کشور مقدار آفت‌کش‌های مصرفی (حشره‌کش‌ها، علف‌کش‌ها و قارچ‌کش‌ها) در کشور از سطح بالایی برخوردار است که تأثیر عمده آن بر ایجاد سقط خود به خودی، مشکلات قاعدگی و تخمک‌گذاری و بروز نقص‌های ژنتیکی در فرزندان می‌باشد. اطلاعات مربوط به اثرات آفت‌کش‌ها بر روی تولیدمثل بسیار محدود، ناقص و پراکنده می‌باشد. اما مشخص شده است که حشره‌کش‌ها باعث تخریب اسپرم‌ها و در نتیجه ناباروری در مردان می‌شود که این میزان در کشاورزان یا مردانی که با حشره‌کش‌ها در تماس هستند ۱۰ برابر سایرین می‌باشد و باقیمانده حشره‌کش‌ها و آفت‌کش‌ها در مواد خوراکی و آشامیدنی به علت تماس طولانی مدت می‌تواند اثرات بسیار نامطلوبی بر روی سیستم تولیدمثل انسان داشته باشد.

قارچ‌کش‌ها نیز به دلیل طیف وسیع آن از طریق باقیمانده محصولات غذایی می‌توانند وارد بدن موجودات زنده شوند. احتمال خطر این قسم ترکیبات با توجه به تأثیر منفی آن بر قدرت باروری از طریق ورود ناخواسته آن به بدن وجود دارد.



فلزات سنگین از سه راه هوا، آب و غذا می‌توانند وارد بدن انسان شده و با تأثیر بر سلول‌ها و هورمون‌های جنسی باعث ایجاد ناباروری گردند. سرب یکی از آلاینده‌های محیط زیست است. جذب سرب از هفته دوازدهم تا پایان دوران حاملگی از طریق جفت انجام می‌شود که منجر به افزایش سقط‌های خودبخودی، زایمان زودرس، مرده‌زایی، کاهش رشد ذهنی طفل می‌شود.

باریم فلزی وابسته به گروه فلزات قلیایی خاکی است. املاح محلول آن به علت ایجاد مسمومیت شدید در موارد درمانی استفاده نمی‌شود ولی در صنعت به صورت وسیع مورد استفاده قرار می‌گیرد، بر حسب اطلاعیه کمیسیون ارزیابی بهداشتی و مواد آرایشی اروپا مقدار مائیک خورده شده توسط هر فرد استفاده کننده از رژ لب در هر روز ۶۰ میلی گرم می‌باشد. علاوه بر این مقداری که از رژ لب خورده نمی‌شود و با شستشو پاک می‌شود در محیط آزاد می‌گردد که مقدار باریم محلول در محیط برابر با همین مقداری است که توسط فرد خورده می‌شود. پس در یک جمعیت یک میلیونی مقدار باریم آزاد شده در محیط در طی استفاده از رژ لب معادل ۶۰ گرم باریم در روز است.

امروزه در ظروف سرامیک صیقلی نیز به جای سرب از باریم استفاده می‌شود که انتشار آن به داخل غذاهای داغ-اسیدی و آب آشامیدنی موضوع نگران‌کننده‌ایی است که اگر از ۰/۷ میلی گرم به ازای هر کیلو وزن بدن بیشتر شود عوارض مسمومیت حاد و مزمن دارد. چنانچه شخصی از منبع باریم وارد بدنش گردد و منجر به افزایش تونوس عضلات رحم گردد در سقط جنین یا ممانعت از لانه‌گزینی جنین تأثیر می‌گذارد.

تأثیر پلاستیک‌های قابل انعطاف بر روی سیستم تولید مثل مانند فتالات‌ها که کاربرد وسیع آن در ساخت لوازم آرایشی (لاک ناخن، ضدآفتاب، مرطوب‌کننده‌ها و غیره)، پوشش داخل قوطی کنسرو، ظروف پلاستیکی نگهدارنده مواد غذایی (مواد لبنی، گوشتی و غیره)، ظروف



نوشابه، سیلیفون‌های بسته بندی کره و مارگارین، کاغذ دیواری، کف پوش اطاق‌ها، پوشش تفلون، اسباب‌بازی‌ها، لوازم پزشکی یکبار مصرف و کلیه وسایل پلاستیک‌های قابل انعطاف می‌باشد که بر اساس شدت، مدت و تعداد دفعات تماس باعث اختلالاتی در هورمون‌های تولید مثل طبیعی بدن و در نهایت منجر به ناباروری می‌شوند.

جیوه از سمی‌ترین فلزاتی است که انسان به آن مواجهه دارد که حتی از سرب و آرسنیک سمی‌تر است. در بسیاری از موارد زن یا مرد هر دو به خاطر مواجهه با مقادیر زیاد جیوه ناشی از پر کردن دندان، غذا و محیط‌شان نابارور می‌شوند. ناباروری در زنان به صورت اختلال هورمونی بروز می‌کند که از لقاح جلوگیری می‌کند در حالی که در مردان باعث نقص در حرکت یا بقای اسپرم می‌شود.

پرتوها و میدان‌های مغناطیسی نیز عوارض عمده‌ایی شامل اختلالات هورمونی و بروز ناباروری را به دنبال دارد. امواج موبایل و فرستنده‌های مخابراتی بر ناباروری مردان و سقط جنین در زنان مؤثر است.

البته نظرات کارشناسان هر رشته قابل نقد و بررسی توسط متخصصین همان رشته است که این مباحث در جلسات و نشست‌ها برای دستیابی به نتایج کاربردی ادامه خواهد داشت. (قدس آنالین ۹۲/۲/۲۴)

نظر امام درباره تنظیم خانواده و موضوع کنترل جمعیت

حجت‌الاسلام احمدعلی صادقی فر، استاد حوزه و دانشگاه در گفت‌وگو با خبرنگار خبرگزاری رسا، در پاسخ به این پرسش که «نظر اسلام درباره کنترل جمعیت چیست؟» جمعیت ایران را دارای یک سیر نزولی دانست و گفت: در ۱۰ ساله اخیر جمعیت جوان کشور روبه کاستی قرار گرفته است و این یکی از آسیب‌های مهم جمعیتی در ایران اسلامی است. وی ادامه داد: کتابی از بنده به چاپ رسید که در زمینه اخلاق زن و شوهر و تنظیم



خانواده بود که در سال ۱۳۷۱ به مسأله کنترل جمعیت اشاره کردم، بحث‌هایی در مجلس و دولت در این باره انجام شد و بحث مهار خانواده را به عنوان اصلی‌ترین مبحث مطرح کردم. این استاد حوزه و دانشگاه، تعداد فرزند در طرح تنظیم خانواده را ۴ فرزند برشمرد و اظهار داشت: در طرحی که بر اساس آیات و روایات اسلامی ما مطرح شده و با عنوان طرح حمایت از خانواده و تنظیم و مهار خانواده است، این گونه نیست که فرزند کم را پیشنهاد دهد؛ تعداد فرزند در این طرح ۴ نفر مطرح شده است. وی افزود: مصالح جامعه بر تعداد فرزندان تأثیر دارد و گاهی اقتضا می‌کند که در کشور فرزند زیاد شود و باید در امر کنترل جمعیت، مصالح نظام اسلامی مورد توجه جدی قرار گیرد. حجت‌الاسلام صادقی‌فر با اشاره به نظر حضرت امام(ره) درباره تنظیم خانواده تصریح کرد: امام در نامه‌ای به آقای انصاری مطالب فقهی و اجتماعی بسیاری را مطرح کردند که در حدود ۱۸ موضوع می‌شد و یکی از آنها بحث تنظیم خانواده بود که ایشان بر آن تأکید کردند. وی یادآور شد: امام(ره) کنترل جمعیت را مورد اشاره و تأمل قرار دادند و کتاب‌های زیادی در این زمینه نوشته شد، چیزی که در امر کنترل جمعیت باید توجه شود، موضوع مقررات حکومت اسلامی است که تحت نظر ولی فقیه است و باید در زمینه ازدیاد یا کاهش نسل، به احکام نظام اسلامی توجه شود. این استاد حوزوی در پایان گفت: اگر ما کنترل جمعیت را در دستور کار قرار دهیم، در آینده متضرر می‌شویم و نسل آینده دچار پیری جمعیت خواهیم شد، باید در زمینه زاد و ولد تعادل را رعایت کرد و مقرراتی تنظیم شود تا جمعیت کشور به میزان لازم از هر سنی تنظیم شود، چیزی در حال حاضر در کشور مطرح است و دولت آن را ارائه کرده است، چهارفرزندی است. (رسا ۹۲/۴/۱۵)

چالش‌های کنترل جمعیت در رادیو معارف بررسی شد

به گزارش خبرگزاری رسا به نقل از روابط عمومی رادیو معارف، برنامه «پرسمان



خانواده» رادیو معارف، در قسمت‌های اخیر برنامه با حضور خود حجت‌الاسلام محسن عباسی به موضوع چالش‌های کنترل جمعیت و راهکارهای پیشگیری از آن پرداخته است. حجت‌الاسلام محسن عباسی‌ولدی از سال ۱۳۸۸ فعالیت خود را با رسانه ملی با حضور در برنامه پرسیمان خانواده رادیو معارف آغاز کرد. مباحث ایشان اکنون یکی از مباحث پرمخاطب این رادیو محسوب می‌شود.

در ذیل مشروح این گفتگو را می‌خوانید:

سؤال: جناب آقای عباسی! شما از اسفند سال گذشته در رادیو معارف یک بحث چالشی شروع کردید با عنوان «زن؛ خانه‌داری یا اشتغال» که استقبال خوبی از آن شد و البته مخالفان جدی و محکمی هم داشت. حالا هم بدون آن که وقفه‌ای در میان بحث‌های چالشی بیفتد، بحث دیگری را شروع کرده‌اید که شاید یکی از چالشی‌ترین بحث‌های روز باشد؛ «بحث کنترل جمعیت» قبل از هر چیز دوست دارم تحلیل شما را از چالشی بودن این بحث‌ها بدانم؛ یعنی چرا وقتی این بحث‌ها وارد رسانه می‌شود این اندازه چالشی می‌شود؟

این جمله را مخاطبان بنده در برنامه‌ها زیاد شنیده‌اند که ما هیچ گاه نباید نقطه‌ای را که در آن هستیم نقطه مطلوب بدانیم. باید به نقطه ایده‌آل فکر کنیم و برای رسیدن به آن برنامه داشته باشیم. وقتی مخاطب به نقطه‌ای که در آن هست و نقطه مطلوب هم نیست عادت کرد و یا معتقد شد، آن وقت است که وقتی شما نقطه مطلوب را نشان می‌دهی با شما دچار چالش می‌شود. این چالش نه تنها بد نیست؛ بلکه به عقیده من خوب هم هست. مخاطب تا شبهات و انتقادات خود را درباره موضوعی که خلاف عادت یا اعتقاد او است بیان نکند، به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. تعریف من هم از نتیجه مطلوب آن است که مخاطب نقطه مطلوب را از نظر اعتقادی بپذیرد و در عمل هم به آن پایبند باشد.



یک حقیقت غیر قابل انکاری که در جامعه ما وجود دارد و آن این که اگر روند رشد جمعیت همین طور پیش برود، ما در آینده از نظر جمعیتی دچار مشکلات جدی می‌شویم؛ این ادعا دلایل مختلفی دارد که ما در برنامه آن را بیان می‌کنیم و نیازی نیست که در این مصاحبه به آن بپردازیم. اما از سویی دیگر مردم به فرزند کم عادت کرده‌اند و قشر قابل توجهی هم از نظر فکری معتقدند که نباید بیش از یکی یا دو تا فرزند داشت. پس خیلی طبیعی است که بحث کنترل فرزند یک بحث چالشی باشد.

آقای عباسی شما می‌گویید که مردم عادت به فرزند کمتر کرده‌اند. درباره این عادت کمی بیشتر توضیح بدهید.

بحث کنترل جمعیت در برنامه پرسمان تربیتی خانواده زیر مجموعه بحث‌های سبک زندگی است که مدت‌ها است در این برنامه پی گرفته می‌شود. ما باید بپذیریم که سبک زندگی ما تغییر کرده، یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های سبک زندگی در دنیای امروز ما اصیل شدن رفاه و راحتی است. رفاهی که در دنیای ما اصل شده رفاه مادی هم هست. از نگاه برخی از مردم فرزنددار شدن به سختی افتادن است که با رفاه مادی منافات دارد. اما از سوی دیگر گزینه انسان تمایل به فرزنددار شدن دارد؛ پس باید به اندازه‌ای از فرزند بسنده کرد که نه گزینه انسان بی‌پاسخ بماند و نه رفاه او زیر سؤال برود؛ در نتیجه باید به یک یا دو فرزند بسنده کرد.

البته ما در برنامه گفته‌ایم و باز هم خواهیم گفت که اولاً از نگاه دین رفاه نه تنها اصیل نیست، دست‌یافتنی هم نیست؛ ثانیاً فرزند کمتر شاید در برخی از ابعاد، رفاه مادی را به ارمغان بیاورد؛ اما در کل فرزند کمتر با رفاه مادی و این دنیا هم سازگار نیست. این نکته را قبل از آن که سؤال بعدی را پرسید تذکر دهم که من در این مصاحبه بنا ندارم از دلایلم حرف بزنم چون آن‌ها مفصل هستند. امیدوارم خوانندگان شما برنامه را پیگیری کنند تا با دلایل بنده هم



آشنا شوند.

جناب استاد فکر می‌کنم مهم‌تر از قشری که عادت به فرزند کمتر کرده‌اند، دسته‌ای باشند که معتقدند باید فرزند کمتر داشت. دلایل چنین اعتقادی چیست؟

دلایل این دسته بسیار متفاوت است؛ اما شاید دو دلیل از اصلی‌ترین دلایل این باشد:

۱ - بحث اقتصادی. این‌ها می‌گویند: جمعیت زیاد یک جامعه وقتی فقیر باشند، نه تنها فرصتی را برای آن جامعه تولید نمی‌کند؛ بلکه تهدیدی برای آن جامعه محسوب می‌شوند در حالی که اوضاع اقتصادی کنونی ما پاسخ‌گوی جمعیت فعلی ما نیست، چرا باید به فکر زیاد شدن جمعیت‌مان باشیم.

۲ - بحث تربیت این‌ها معتقدند که فرزند کمتر فرصت بیشتری را برای تربیت فرزندان تولید می‌کند. وقتی فرزندان زیاد شوند به صورت طبیعی وقت و حوصله پدر و مادر تقسیم شده در نتیجه وقت اختصاص یافته به هر کدام از بچه‌ها کم می‌شود. البته دلایل دیگری هم هست که ما درباره تک‌تک این‌ها به یاری خدا حرف خواهیم زد. اما همین قدر باید گفت که چنین اعتقادی هم درباره تربیت و هم درباره اقتصاد اشتباه است؛ یعنی نه کم بودن جمعیت مساوی با قوت اقتصاد است و نه زیاد شدن آن نسبت مستقیمی با ضعف اقتصاد دارد. اتفاقاً در برخی از موارد بر عکس است؛ یعنی جمعیت کم اقتصاد جامعه را ضعیف و جمعیت زیاد اقتصاد جامعه را قوی می‌کند. درباره تربیت هم باید گفت که کم بودن جمعیت فرزندان به شدت روی تربیت آن‌ها تأثیر منفی می‌گذارد؛ البته مقصود من از تربیت، تربیت دینی است؛ نه تربیتی که در خوراندن و پوشاندن و تأمین زمینه تحصیل خلاصه می‌شود.

استاد عباسی اگر چه شما دلایل ادعاهای خودتان را بیان نمی‌کنید و آن را به مباحث برنامه واگذار می‌کنید؛ اما اگر ممکن است درباره اقتصاد کمی بیشتر توضیح بدهید. چون واقعاً هضم آن برای بسیاری از افراد سخت است. مثلاً وقتی بیکاری در جامعه ما موج می‌زند و برای



جوانان فعلی موقعیت شغلی محدود است، چگونه می‌توان شغل جوانان آینده را تأمین کرد. اتفاقاً این پرسش در برنامه مطرح شد و به صورت مفصل به آن پاسخ دادیم که خلاصه‌اش را در این جا بیان می‌کنم؛ اما قبل از آن باید این نکته مهم را گوشزد کنم که در بحث افزایش جمعیت باید با آینده‌نگری قضاوت کرد. بنده قبول دارم که ما امروز مشکل اشتغال داریم، اما اگر همین طور پیش برویم در آینده‌ای نه چندان دور مشکل نیروی کار خواهیم داشت. زیرا وقتی متوسط سنی جامعه‌ای بالا رفت به صورت طبیعی نیروی کار که تولیدکننده است کم شده و نیروی سالخورده و بازنشسته که مصرف‌کننده هست زیاد می‌شود. آن وقت است که تناسبی بین تولید ثروت و مصرف آن نخواهد بود. یک بازنشسته کار خود را کرده و دیگر این نظام حکومتی است که باید به او خدمات بدهد. حق هم هست؛ اما در همه نظام‌های اقتصادی، خدماتی که به بازنشسته داده می‌شود از طریق ثروتی است که نیروی کار تولید می‌کند.

فراموش نکنید که تنها دلیل بیکاری بالا بودن جمعیت نیست که با کم شدن جمعیت مشکل آن حل شود. درست است که ما در دهه شصت یک رشد جمعیتی قابل توجه داشتیم که به جهت عدم استفاده از منابع عظیم موجود در کشور نتوانستیم در امروزی که اینها به سن اشتغال رسیده‌اند به اندازه کافی شغلی برایشان دست و پا کنیم؛ اما در حال حاضر یک اشتباه دیگر در حال انجام است و آن این که بدون توجه به آینده رشد جمعیتی ما به گونه‌ای است که در آینده‌ای نه چندان دور جمعیت ما به جمعیتی سالمند تبدیل خواهد شد که در آن زمان ما با مشکل نیروی کار مواجه خواهیم شد. این آینده‌ای که ما درباره آن حرف می‌زنیم آینده دوری نیست.

برآوردهای آماری نشان می‌دهد که اگر همین طور روند رشد جمعیت در ایران ادامه پیدا کند در سال ۱۴۲۰ ما حدود ۹۵ میلیون جمعیت خواهیم داشت که ۴۷ درصد آن‌ها سالمند



خواهد بود. از نظر تعریف سازمان بهداشت جهانی (WHO) شصت سالگی سن سالمندی است؛ یعنی ما حدود بیست و هشت سال دیگر، حدود چهل و چهار میلیون ششصد و پنجاه نفر از جمعیت کشورمان را جمعیت بالای شصت سال تشکیل می‌دهد.

در جامعه‌ای که توان تولید هست؛ اما نیروی کار نیست و در عین حال جمعیتی که مصرف‌کننده هستند و باید به آنان خدمات داده شود، زیادتیر از میزان تولید هستند، باید نیروی کار وارد شود. وارد کردن نیروی کار به جامعه یک مشکل بسیار بزرگ دارد. وقتی نیروی کار وارد جامعه‌ای شد، تنها کار خود را وارد جامعه نمی‌کند فرهنگ خود را هم وارد می‌کند. شما در شهرهایی که مسافر رفت و آمد زیادی دارد می‌بینید که فرهنگ‌شان تحت‌الشعاع این مسافرت‌ها است. وقتی مسافرت فرهنگ یک شهر را می‌تواند تحت‌الشعاع قرار دهد، مطمئناً مهاجرت تأثیر بسیار بیش‌تری روی این مسأله دارد.

یک نکته بسیار مهم دیگر هم در این میان هست و آن این که با توجه به آمار رسمی، تعداد بیکاران در ایران بین سه تا سه و نیم میلیون نفر برآورد شده است و برخی هم معتقدند که دستکاری معیار بیکاری موجب شده آمار بیکاری در ایران این اندازه باشد؛ در حالی که واقعاً بیشتر از چهار میلیون بیکار در جامعه داریم. در بدبینانه‌ترین حالت ما فرض می‌کنیم پنج میلیون بیکار داشته باشیم.

در حوالی سال ۶۵ حدود ده میلیون خانوار داریم که در همان حوالی متوسط تعداد فرزندان در هر خانواده بین شش تا شش و نیم فرزند بوده است که الان این‌ها جزء جمعیت جویای کار ما نیز محسوب می‌شود. ما اگر از خانواری به طور متوسط نیم فرزند کم می‌کردیم الان مشکل اشتغال نداشتیم.

جناب آقای عباسی شاید مخاطبان ما دوست داشته باشند که بدانند در برنامه پرسمان خانواده شما به چه پرسش‌هایی درباره کنترل جمعیت جواب می‌دهید.



البته برنامه ما همان طور که از اسمش پیدا است مخاطب‌محور است؛ یعنی مخاطب پرسش می‌کند و ما هم جواب می‌دهیم؛ اما در همین دو برنامه پرسش‌های متعددی به ما رسیده که ما به تدریج در برنامه‌های مختلف به آن‌ها پاسخ خواهیم داد که به عنوان نمونه به آنان اشاره می‌کنم:

- تورم در جامعه ما یک واقعیت است، فرزند بیشتر دغدغه‌های اقتصادی بیشتری را تولید می‌کند؛ پس چرا در موقعیت فعلی باید به فکر افزایش جمعیت بود.

- آنچه مهم است کیفیت جمعیت است نه کمیت، چرا به جای تبلیغ در جهت افزایش کیفیت جمعیت مردم را به افزایش کمی آن تشویق می‌کنید.

- زنان امروز بنیه ضعیف‌تری نسبت به زنان گذشته دارند. شما در بحث جمعیت به این مسأله هم فکر کرده‌اید.

- لازمه افزایش جمعیت، ازدواج به هنگام است، وقتی سن ازدواج در جامعه ما بالا می‌رود به صورت طبیعی جمعیت کاهش پیدا می‌کند، زیرا وقتی یک دختر در سن سی سالگی ازدواج می‌کند و بنا به توصیه پرشکان هم پس از سن سی و پنج سالگی نباید باردار شود، به طور طبیعی نمی‌تواند بیش از یک یا دو فرزند بیاورد. پاسخ شما به این دغدغه چیست؟

- این واقعیت قابل انکار نیست که منابع زمین محدود است، منابع محدود هم پاسخ‌گوی جمعیت محدود است. پس نباید در زمینی که منابع محدودی دارد از افزایش جمعیت حرف زد.

- تربیت بچه‌ها کار آسانی نیست. هر چقدر بیشتر سخت‌تر. آیا درباره تربیت بچه‌های بیشتر هم طرحی دارید؟

- فکر نمی‌کنید در زندگی‌های آپارتمانی امروزی سخن گفتن از افزایش جمعیت بیهوده است؟ (رسا ۹۲/۴/۱۵)



حجت‌الاسلام علی عباسی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم):

کنترل جمعیت یک تفکر اومانستی است

حجت‌الاسلام علی عباسی در پاسخ به این پرسش که «نظر اسلام درباره کنترل جمعیت چیست؟» اصل را بر مطلوبیت کثرت جمعیت دانست و گفت: در اسلام سفارش زیادی بر ازدیاد نسل شده است و همه مسلمانان تشویق شده‌اند که ازدواج کنند و نسل شیعه را زیاد کنند. وی افزود: در روایت است که پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «من به تعداد شما در روز قیامت مباحثات خواهم کرد»؛ ازدیاد نسل یک آموزه دینی است و ما باید به این دستور رسول خدا (ص) پایبند باشیم و سعی کنیم در راستای کثرت جمعیت مسلمانان تلاش کنیم. این استاد حوزوی، وجود تخصیص در اصل کلی ازدیاد نسل را یک چیز بدیهی دانست و اظهار داشت: البته باید توجه کرد که در مواردی نیز می‌توان این دستور اسلام را به شکل موقت اجرا نکرد و این منوط به مصالح اسلام و نظام اسلامی است. وی ادامه داد: گاهی پیش می‌آید که نظام اسلامی با مشکلات زیادی روبرو است و حاکم اسلامی دستور می‌دهد که این حکم اجرا نشود و پویا و انعطاف بودن فقه اسلام نیز به همین معنا است، اما باید توجه داشت که اصل اولی بر مطلوبیت و رجحان داشتن ازدیاد نسل بشری است. این استاد سطوح عالی حوزه، با اشاره به ارزش خانواده در اسلام تصریح کرد: اسلام برخلاف غرب به خانواده و فرزند اهمیت زیادی داده است، اساس زندگی در غرب بر اساس رفاه و لذت‌جویی است و فرد را از تعلق داشتن به خانواده و فرزند جدا می‌کند. وی یادآور شد: اما در اسلام و شریعت اهل بیت (ع) اساس کار در داشتن خانواده و فرزند است و باید بر اساس اسلام با داشتن خانواده و فرزندان سالم کانون زندگی را پر از صفا و آرامش نماییم و بدانیم که دوری از فرزندداری، یک تفکر غربی است. حجت‌الاسلام علی عباسی، اصل قناعت را یک اصل ضروری برای زندگی برشمرد و تأکید کرد: گاهی می‌شود که خانواده‌ها بر اساس زندگی



اقتصادی رفاهی خود را از داشتن فرزند جدا می‌کند و بر این باورند که فرزند جلوی رفاه آنان را می‌گیرد، در صورتی که اگر قناعت کنیم، با چند فرزند هم می‌توان زندگی سالم و شادی داشت. وی در پایان گفت: اگر بخواهیم محدودیتی ایجاد کنیم، باید در فرزند پنجم این امر صورت گیرد تا نسل مسلمان در نظام اسلامی گسترش یابد، الان در شرایطی هستیم که کشور نیاز به جمعیت زیاد دارد و باید با فرزند بیشتر و با کیفیت‌تر، جامعه اسلامی را تقویت کنیم و از ایجاد تنش در داخل و بین‌الملل برای کشور جلوگیری کنیم. (رسا ۹۲/۴/۱۵)

اسحاقی (معاون هماهنگی و برنامه ریزی شورای عالی انقلاب فرهنگی):

فرهنگ‌سازی بهترین راه حل مهار سقوط آزاد نرخ جمعیت است

معاون هماهنگی و برنامه‌ریزی شورای عالی انقلاب فرهنگی فرهنگ‌سازی را بهترین راه‌حل در شرایط کنونی برای مهار سقوط آزاد نرخ جمعیت دانست. محمد اسحاقی در نشست هم‌اندیشی بررسی مسأله جمعیت در ایران براساس دیدگاه مقام معظم رهبری که صبح پنج‌شنبه در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی برگزار شد، اظهار داشت: در مبحث مهندسی فرهنگی، به همت شورای عالی انقلاب فرهنگی تحلیلی از وضعیت جامع فرهنگی کشور انجام گرفت که یکی از مهمترین مباحث آن همین بحث جمعیت بود. وی با بیان اینکه مهندسی فرهنگی به معنای بررسی و شناخت مسائل، ابعاد آن‌ها، تلاش برای ارائه راه حل و سپس ارزیابی مسائل است، گفت: از دهه ۷۰ این سیاست‌ها تبیین شدند و ما در خدمت رهبر معظم انقلاب نیز یک ساعت تمام این گزارش‌ها را اعلام کردیم. معاون هماهنگی و برنامه‌ریزی شورای عالی انقلاب فرهنگی ادامه داد: بحث فرزندآوری به مباحث اقتصادی جامعه چندان مربوط نیست و بسیار خانواده‌های مرفه هستند که از آوردن بچه امتناع می‌کنند. اسحاقی تأکید کرد: از سال ۷۱ که به موضوع کنترل جمعیت برخورد کردیم رصد کافی صورت نگرفت و در سیاست‌های جمعیتی بازنگری خاصی انجام نشد. وی با بیان اینکه در



حال حاضر کمیسیون‌های مجلس و به خصوص کمیسیون بهداشت در حال بررسی دقیق این موضوع با همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی هستند، گفت: در منابع دینی ما آیات و روایات زیادی به کثرت جمعیت توجه دارند. معاون هماهنگی و برنامه‌ریزی شورای عالی انقلاب فرهنگی تأکید کرد: تقریباً همه کشورهای جهان در حال حاضر تعادل جمعیتی ندارند و سیاست‌های جمعیتی مناسب است که موجب پویا نگه داشتن وضعیت جمعیتی می‌شود. وی ادامه داد: در بند ج قانون اول توسعه قرار بود نرخ فرزندان خانواده‌ها در سال ۹۰ به تعداد چهار فرزند برسد اما ما در سال ۷۱ شاهد این نرخ بودیم. اسحاقی گفت: در سال ۷۹ به حد جایگزینی رسیدیم و تا سال ۹۰ حتی کاهش شدید هم داشتیم، در واقع این نوعی سقوط آزاد جمعیتی تعریف و شامل همه گروه‌های اجتماعی می‌شود. وی با بیان اینکه مهمترین عامل برای حل این سقوط آزاد جمعیتی فرهنگ‌سازی است، گفت: در حال حاضر شهرنشینی ۷۱ درصد و روستانشینی ۲۹ درصد است و این روز به روز نیز کاهش می‌یابد. معاون هماهنگی و برنامه‌ریزی شورای عالی انقلاب فرهنگی در پایان گفت: از جمله راهبردهای کلان شورای عالی انقلاب فرهنگی جلوگیری از کاهش نرخ باروری، ارتقای این نرخ متناسب با آموزه‌های اسلامی، توجه به شرایط راهبردی کشور، انجام مطالعات جمعیتی و آمایش است. (مهر ۹۱/۹/۲۳)

شکیبا محبی‌تبار (مدیر سلامت و امنیت خانواده مرکز زنان ریاست جمهوری):

تغییر سلیقه مانع بچه‌دار شدن/مباحث اقتصادی در سایه فرهنگ

مدیر سلامت و امنیت خانواده مرکز زنان ریاست جمهوری گفت: تغییر سلیقه مردم به ذائقه ۵۰ سال گذشته غرب باعث شده تا خانواده‌ها اقبالی به بچه‌دار شدن نشان ندهند. شکیبا محبی‌تبار در گفت‌وگو با خبرنگار جامعه فارس اظهار داشت: بالا رفتن سن ازدواج و عدم تمایل خانواده‌ها به بچه‌دار شدن به مسائل فرهنگی جامعه بر می‌گردد و پسند مردم عوض



شده است. وی ادامه داد: مباحث اقتصادی در این مباحث نقش مهمی دارد اما عامل اصلی نیستند و در بسیاری از خانواده‌هایی که از نظر اقتصادی امکان اداره کردن چندین فرزند را دارند مشاهده می‌شود که اقبالی به بچه‌دار شدن نشان نمی‌دهند. مدیر سلامت و امنیت خانواده مرکز زنان ریاست‌جمهوری با بیان اینکه مشکل فرهنگی و دیدگاهی در عرصه افزایش مولید ایجاد شده است تصریح کرد: خانواده‌ها ترجیح می‌دهند خود را به زحمت نیندازند و پسند جامعه ما مانند ۵۰ سال گذشته غرب شده است. این در حالیست که غرب هم بر روی این موضوع سیاست‌گذاری می‌کند. وی ادامه داد: مسائل اقتصادی در کلان‌شهرها نمود بیشتری دارد اما عرصه فرهنگ بر مباحث اقتصادی هم سایه انداخته است. به گفته وی کار پیوسته فرهنگی و سیاست‌گذاری برای حمایت از خانواده‌هایی که بچه‌دار می‌شوند یکی از ضرورت‌های جامعه ما است. محبی تبار گفت: مردم نسبت به آینده دورنمایی ندارند و این باعث می‌شود تا نسبت به بچه‌دار شدن هراس داشته باشند، باید برای مردم بسیاری از مباحث را شفاف‌سازی کرد. (فارس ۹۱/۹/۸)

دکتر محمدرضا مخبر دزفولی (دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی):

تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی باید با تعقل و پرهیز از افراط و تفریط باشد

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی گفت: تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی، باید با تعقل و پرهیز از افراط و تفریط انجام شود. هم‌اندیشی «بررسی مسأله جمعیت در ایران بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری» روز پنج‌شنبه با حضور دکتر محمدرضا مخبر دزفولی در محل پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم برگزار شد. وی در این مراسم طی سخنانی گفت: جمع فرهیختگان حوزوی بهترین محل و مکان برای طرح موضوع جمعیت و مسائل پیرامون آن، جهت دستیابی به یک طرح جامع بر اساس نظریه اسلام در این زمینه است. وی افزود: در موضوع جمعیت، مثل همه موضوعات دیگر توفیق



در اجرای برنامه‌ها، نیاز به یک زمینه‌سازی فرهنگی دارد. دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی ادامه داد: موضوعاتی مانند نظریه جمعیتی اسلام شامل چه مباحثی است؟ در جمعیت، اسلام دارای چه احکام اولیه و ثانویه است؟ و... نیاز به یک کار متقن و منقح بر اساس مبانی معرفتی دارد. دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی گفت: ما در شورای عالی انقلاب فرهنگی پس از قریب به چهار سال کار کارشناسی، به این موضوع رسیدیم که شیب جمعیتی اتفاق افتاده در کشور غیر قابل قبول و از ابعاد مختلف خطرناک است. وی افزود: براساس آنچه که در اواخر دهه ۶۰ شمسی برنامه‌ریزی شد، نرخ رشد جمعیتی ما که در آن تاریخ حدود ۶ درصد بود، باید تا سال ۱۳۹۰ به ۴ درصد می‌رسید ولی این اتفاق در سال ۱۳۷۰ افتاد و ما در سال ۱۳۹۰ با رشد ۲/۱ درصد مواجه شدیم.

برنامه کنترل جمعیت که از اواسط دهه ۱۳۳۰ اجرا شد، حاصل نفوذ مستشاران غربی بود دکتر مخبر دزفولی ادامه داد: برنامه کنترل جمعیت و تحدید نسل که از اواسط دهه ۱۳۳۰ شمسی در کشور ما اجرا شد، حاصل نفوذ مستشاران و برنامه‌ریزان غربی در نهادهای مهم سیاست‌گذار در کشور بود. دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی با اشاره به اوضاع نامناسب توزیع ثروت در کشور در زمان رژیم پهلوی گفت: به برکت انقلاب اسلامی و اندیشه‌های والای رهبر کبیر انقلاب امام خمینی(ره) بود که در این کشور ما امروز شاهدیم که دوردست‌ترین نقاط روستایی ما از امکاناتی مانند آب، برق، امکان ادامه تحصیل و ... برخوردارند. وی افزود: براساس این اندیشه عدالت‌جویانه بود که رهبر فقید انقلاب فرمودند: کشور ما توانایی پذیرش ۱۵۰ میلیون نفر جمعیت دارد.



تناقض در تبلیغات رسانه‌های معاند

دکتر مخبر دزفولی ادامه داد: در تبلیغات رسانه‌های معاند ما این تناقض را می‌بینیم، که به اصطلاح کارشناسان این رسانه‌ها از یک طرف می‌گویند کاهش جمعیت نتیجه بالارفتن نرخ برخورداری از رفاه اجتماعی است و از سوی دیگر می‌گویند ایران از نظر برخورداری عادلانه همه شهروندان از امکانات رفاهی نسبت به دوره پهلوی نزول کرده است. عضو هیأت علمی دانشگاه تهران گفت: دشمن از یک سو ما را تحریم می‌کند تا به خیال خام خود مردم تحت فشار اقتصادی به نظام برآمده از اسلام و انقلاب پشت کنند و از سوی دیگر به دروغ نسبت به رشد فقر بر اثر تغییر سیاست جمعیتی در کشور ابراز نگرانی می‌کند!

سیاست تحدید نسل مطلوب دشمنان ماست

وی افزود: نهادهای به ظاهر بی طرف بین‌المللی در همین مدت کوتاهی که از عزم نظام مبنی بر تغییر سیاست جمعیتی می‌گذرد، به نهادهای مسئول در این باره هشدار داده‌اند و همین معلوم می‌کند سیاست تحدید نسل، مطلوب دشمنان ماست.

تجدید نظر در سیاست‌های جمعیتی، باید با تعقل و پرهیز از افراط و تفریط انجام شود

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی ادامه داد: کار تجدید نظر در سیاست‌های جمعیتی یک کار زمانبر است و باید با تعقل و پرهیز از افراط و تفریط انجام شود. عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران گفت: شورای عالی انقلاب فرهنگی با اتفاق نظر به این نتیجه رسید که سیاست‌های جمعیتی باید عوض شود و در مراحمی که به قانون نیاز است، مجلس شورای اسلامی باید کمک کند. وی افزود: ما در جلسه‌ای خدمت مقام معظم رهبری گزارش دادیم و ایشان فرمودند جمعیت زیاد از چندین نظر یک امتیاز است. دکتر مخبر دزفولی ادامه داد: معظم له ضمن تأکید بر همکاری همه نهادهای نظام در این باره، بر



توجیه فرهیختگان حوزوی، دانشگاهی و فعالان رسانه‌ها در این زمینه هم تأکید و از عدم وجود یک مرکز رصدکننده موضوع جمعیت نیز ابراز تأسف کردند و جلسه امروز در راستای اطاعت از این امر ایشان است. دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی گفت: ما با مدیران صدا و سیما هم جلسه‌ای برگزار کرده‌ایم و این جلسات با شما و سایر بخش‌های تأثیر گذار ادامه خواهد داشت. وی افزود: به برکت خودباوری حاصل شده از انقلاب اسلامی، ما با استعانت از خداوند متعال می‌توانیم این مشکل نظام را نیز حل کنیم. عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران ادامه داد: مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در این زمینه، جامع و شامل همه ابعاد رفاهی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... است. دکتر مخبر دزفولی در پایان نیز گفت: همه باید به این باور برسیم که وظیفه شرعی در قبال این مسأله داریم و فردای قیامت در این باره مورد سؤال قرار می‌گیریم.

حوزویان باید در موضوع جمعیت وارد کار شوند

همچنین در این جلسه، حجت الاسلام و المسلمین دکتر احمد واعظی رئیس دفتر تبلیغات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم گفت: حوزویان باید در موضوع جمعیت وارد کار شوند. وی افزود: حوزه علمیه باید در موضوع جمعیت یک نظریه جامع اسلامی را تبیین کند تا ما بدانیم که موضوع جمعیت چه ارتباطی با نظام اشتغال به ویژه اشتغال بانوان، تحصیل و... دارد. استاد حوزه ادامه داد: متأسفانه سیطره فرهنگ غرب با مؤلفه‌هایی نظیر فردگرایی افراطی، لذت جویی و... بر بخشی از نسل جوان کشور، ما را با دشواری‌هایی در زمینه‌های مختلف از جمله موضوع ازدواج و فرزنددارشدن مواجه کرده است.

باید برای رسانه‌ها در ترویج موضوع افزایش جمعیت، مواد خام و خوراک فراهم شود

در ادامه این جلسه دکتر محمد اسحاقی معاون برنامه‌ریزی و هماهنگی دبیرخانه شورای



عالی انقلاب فرهنگی و دکتر محمودی رئیس مرکز مطالعات جمعیت‌شناسی آسیا و اقیانوسیه به تشریح ابعاد مختلف مصوبه جمعیتی شورای عالی انقلاب فرهنگی پرداختند. دکتر اسحاقی در این باره گفت: موضوع جمعیت، ذیل موضوع کلان مهندسی فرهنگی مورد بررسی قرار گرفت و ما در تحلیل وضعیت فرهنگی کشور، به موضوع خانواده پرداختیم و نتیجه این شد که متوجه شدیم وضع فعلی جمعیت در کشور نامناسب است و باید اصلاح شود. وی افزود: بعد از گزارشی که خدمت مقام معظم رهبری ارائه شد، معظم‌له شخصا وارد میدان تبیین وضعیت جمعیتی کشور و ترویج افزایش جمعیت شدند که فرمایش متواضعانه معظم‌له در سفرشان به خراسان شمالی نمونه‌ای از این جهت‌گیری رهبر معظم انقلاب است. دبیر شورای مهندسی فرهنگی ادامه داد: باید برای رسانه‌ها در ترویج موضوع افزایش جمعیت، مواد خام و خوراک فراهم شود تا رسانه‌ها با تبدیل این خوراک به پیام در قالب‌های مناسب و تاثیرگذار وارد میدان شوند. دکتر اسحاقی در پایان نیز گفت: آمایش مناسب توزیع جمعیت در کشور، ترویج ازدواج به هنگام و پایدار، توجه به بهداشت باروری و ... از سیاست‌های مصوب درباره جمعیت است.

متأسفانه در کشور ما عده‌ای تنظیم خانواده را به معنای کاهش جمعیت گرفتند

دکتر محمودی هم در این جلسه گفت: متأسفانه در کشور ما عده‌ای تنظیم خانواده را به معنای کاهش جمعیت گرفتند و به کشور خسارت زدند. وی افزود: متخصصانی در همان اوائل دهه ۷۰ شمسی، نسبت به سقوط نسل در کشور هشدار دادند ولی متأسفانه مسئولان اجرایی وقت که تحت تأثیر افکار نهادهای بین‌المللی بودند به این هشدارها توجه نکردند. این استاد دانشگاه در پایان نیز گفت: با مصوبه جامع شورای عالی انقلاب فرهنگی و عزمی که در نظام ایجاد شده، شاهد تحرک مناسبی در این باره خواهیم بود. (ایسنا ۹۱/۹/۲۴)



سیدمحمد حسینی (وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی):

افزایش جمعیت مبتنی بر نیاز جامعه است

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی مبنی بر افزایش جمعیت، گفت: موضوع افزایش جمعیت، موضوعی مهم و مبتنی بر نیاز جامعه است که باید با دید فرهنگی بررسی شود. سیدمحمد حسینی در گفت‌وگو با خبرنگار اجتماعی خبرگزاری خانه ملت، درباره مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی مبنی بر افزایش جمعیت، گفت: سیاست‌گذاری‌های کلان فرهنگی کشور بر عهده شورای عالی انقلاب فرهنگی بوده و مهندسی فرهنگی کشور به وسیله این شورا طراحی می‌شود، بنابراین بحث جمعیت به عنوان یک مسأله فرهنگی قابل طرح در شورای عالی انقلاب فرهنگی است. وی افزود: ممکن است که در برخی موارد، موضوعاتی که در شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح شده مربوط به وظایف دستگاه‌های دیگر باشد اما همه این‌ها به سندی ماندگار تبدیل می‌شود. حسینی در پاسخ به این پرسش که آیا قبول دارید که شورای عالی انقلاب فرهنگی نباید وارد موضوعات امنیتی همچون طول دوره خدمت سربازی می‌شد، ادامه داد: مصوبه اخیر ابعاد مختلف آموزشی و جمعیتی دارد، از سوی دیگر نمی‌خواهم درباره جزئیات این مصوبه بحث کنم اما موضوع جمعیت، مبتنی بر نیاز جامعه و موضوعی با اهمیت است که باید با دید فرهنگی به آن نگاه شود. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با بیان اینکه هر مسأله ممکن است جنبه‌های امنیتی و نظامی داشته باشد، تصریح کرد: این موضوع همانند خیلی از موضوعات دیگر که جنبه فرهنگی دارد، در شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح شده است. شورای عالی انقلاب فرهنگی کشور مصوبه‌ای درباره افزایش جمعیت به تصویب رسانده که مورد اعتراض نمایندگان مجلس در کمیسیون اصل نود قانون اساسی مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است. نمایندگان مجلس معتقدند که این مصوبه خارج از اختیارات قانونی شورای انقلاب



فرهنگی است و دولت نمی‌تواند این مصوبه را بدون قانونگذاری در مجلس به دستگاه‌های اجرایی کشور ابلاغ کند. مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی علاوه بر اینکه تسهیلاتی را برای افزایش جمعیت در نظر گرفته، وارد موضوعاتی چون طول دوره خدمت ضرورت سربازی شده که در زمره مسائل امنیتی است. (خانه ملت ۹۱/۹/۲۶)

عیسی‌زاده (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی):

افزایش جمعیت یکی از دستورات ارزشمند اسلام است

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی با بیان اینکه افزایش جمعیت یکی از دستورات ارزشمند اسلام است، تلاش برای حل مشکل جمعیتی را وظیفه توأمان مسئولان و مردم دانست. عیسی‌زاده در گفتگو با خبرنگار مهر، اظهار داشت: در رابطه با بحث ازدیاد جمعیت که اخیراً بسیاری از مسئولان به دلیل تأکید مقام معظم رهبری به آن توجه کرده‌اند، باید گفت که افزایش جمعیت یکی از دستورات ارزشمند اسلام است و شکی نیست که دین ما هوادار کثرت جمعیت است. وی ادامه داد: اسلام همواره بر افزایش جمعیت مسلمانان تأکید کرده است و داشتن جمعیت ارزشمند برای نظام اسلامی نه تنها مشکلی ندارد که بسیار هم افتخارآمیز است. عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی افزود: باید آسیب‌شناسی‌های دقیقی صورت گیرد که چرا با وجود تأکیدات اسلام، هم اکنون آن طور که باید به این موضوع عمل نمی‌شود، این وظیفه همه ما است که این معضل را ریشه‌یابی کنیم تا راهکارهای مناسبی ارائه شود. وی با تأکید بر اینکه در معضل کاهش جمعیت هم مسئولان و هم مردم کوتاهی کرده‌اند، گفت: البته در این زمینه تلاش‌هایی نیز شده اما اگر بنا است که توسعه جدی گرفته شود حاکمان باید مسائلی خاص را مورد توجه قرار دهند. عیسی‌زاده اظهار داشت: عده‌ای از مردم بنا به دلایلی خاص علاقه‌ای به فرزندآوری ندارند که از جمله مهمترین آنها فقر و ناداری، رشد رفاه‌طلبی و عدم تحمل سختی‌های تربیت و رشد فرزند



است. وی ادامه داد: افرادی هستند که امکانات دارند اما حاضر نیستند سختی تربیت فرزند را بپذیرند و عده‌ای دیگر نیز به دلیل نگاه‌های دنیاگرایانه از این امر امتناع می‌کنند.

باید از امکانات کشور برای حل معضل جمعیت بهره برد

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی تصریح کرد: به منظور حل اینگونه مسائل باید فرهنگ‌سازی شود و در این مبحث متصدیان آموزشی و فرهنگی باید به آن توجه کنند. وی با اشاره به اینکه در زمینه فقر و مشکلات اقتصادی نیز باید قوانین حمایتی مد نظر باشد، گفت: ما در کشور خود منابع و امکانات کم نداریم و باید زمینه‌های رفع فقر را مهیا کنیم. عیسی‌زاده تاکید کرد: نابودی فقر در جامعه با ارتقاء بهداشت، مسکن و اشتغال صورت می‌گیرد، بنابراین برای عمل به این دستور الهی هم مردم و هم مسئولان باید توجه داشته باشند. (مهر ۹۱/۱۰/۲)

تحولات جمعیتی ایران در گفت و گو با دکتر کرم‌اللهی

سبک زندگی مدرن؛ عامل کاهش جمعیت در ایران

«ایست! دو بچه کافی است»، «پدر، مادر! دو تا بچه کافیه!»، «دختر یا پسر فرقی نمی‌کنه، دو بچه کافیه» شعارهایی بود که سالها در همه خیابان‌های شهرهای کشورمان آنقدر میهمان چشمان مردمان ما گشت که ناخودآگاه این باور در ذهن مردمان این دیار شکل گرفت که واقعاً دو بچه کافی است! جوانان و نوجوانان آن روزها که این شعار را می‌دیدند و سودای روشنفکری در سر داشتند، گله مند از والدین خود بودند که چرا این همه خواهر و برادر داریم و امروز همان‌ها که در روزهای میانسالی روزگار سپری می‌کنند، به اشتباه خود آگاهند و معترف و خوشحال که از والدینی متولد شده‌اند که مفاهیم عالی خانواده چون «دایی»، «عمو»، «خاله» و «عمه» را از فرزندان آنها نستانده‌اند... علل تصویرسازی نازیبا از خانواده پرجمعیت در جامعه ایرانی و دوری از سبک زندگی اسلامی موضوعی است که در گفت‌وگو با دکتر



نعمت... کرم‌اللهی، عضو هیات علمی دانشگاه باقرالعلوم (ع) مورد بررسی قرار گرفته است:

وضعیت کنونی جمعیت کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

جمعیت‌شناسی یکی از علوم اجتماعی است که به مطالعه ساختار و تحولات جمعیت می‌پردازد. در مطالعه ساختار به ویژگی‌هایی چون حجم، نرخ رشد و برآورد حجم جمعیت بر اساس نرخ رشد در بازه‌های کوتاه، میان و بلندمدت، نسبت سنی و جنسی جمعیت، و... پرداخته می‌شود. در پویایی‌شناسی جمعیت نیز حرکات جمعیت در قالب تغییرات وقایع چهارگانه جمعیتی یعنی، موالید، مرگ‌ومیر، ازدواج و طلاق و مهاجرت بررسی می‌شود. این وقایع ۴ گانه، حجم و رشد جمعیت را دستخوش تغییر قرار می‌دهند. ساختار و تحولات جمعیت ایران در دهه‌های اخیر، به لحاظ رشد جمعیت، در دهه ۵۵ تا ۶۵ بالاترین رشد جمعیت یعنی ۳/۴ درصد داشته که با احتساب آمار مهاجرین به حدود ۴ درصد می‌رسد. این رشد، از عوامل در دستور کار قرار گرفتن سیاست‌های کنترل جمعیت توسط دولت‌های قبل و پس از انقلاب بود. با اجرای این سیاستها، رشد جمعیت در دهه ۶۵ تا ۷۵ به ۱/۹۶ و در سال‌های ۷۵ تا ۸۵ رشد جمعیت ایران به عدد ۱/۶۱ رسید. به رغم کاهش شدید نرخ رشد جمعیت، سیاست‌های کاهش رشد جمعیت بدون توجه به عواقب و پیامدهای مختلف ادامه پیدا کرد. رشد جمعیت در سال‌های اخیر، به عدد ۱/۳ رسیده است. بر اساس پیش‌بینی‌ها، جمعیت ایران در سال ۱۴۲۰ به حدود ۹۱ میلیون خواهد رسید. پس از سال ۱۴۲۵ رشد منفی جمعیت آغاز خواهد شد و طبق پیش‌بینی‌ها در سال ۱۴۳۰ جمعیت ایران به ۸۹/۵ میلیون کاهش پیدا خواهد کرد و حتی، اگر این روال ادامه پیدا کند، در ۷۰ سال آینده جمعیت ایران به ۵۰ میلیون نفر می‌رسد که البته علاوه بر کاهش کمی حجم جمعیت، در کنار تحولات کیفی آن از جمله سالیانوردگی و پیری جمعیت، عامل نگران‌کننده‌ای برای وضعیت ایران در ۷۰ سال آینده است. طبق پیش‌بینی‌ها، در سال‌های آینده به گروه پیر جمعیت کشور اضافه خواهد



شد. افزون بر نگاه ساختاری به جمعیت ایران، نگاه فرآیندی به وضعیت جمعیت کشور در این سال‌ها نیز، حاکی از افزایش قابل توجه سن ازدواج است که این تأخیر سن ازدواج با تأخیر و کاهش زاد و ولد همراه بوده است. موضوع دیگری که در کاهش رشد جمعیت تأثیرگذار بوده است، استحکام و سازگاری درونی خانواده‌هاست که آمارها حاکی از افزایش طلاق است که باید به این آمارها، طلاق‌های عاطفی را هم اضافه کرد. شاخص دیگری به نام «میزان باروری کل» در جمعیت‌شناسی مطرح است که شامل تعداد فرزندان است که یک زن در سن باروری به دنیا می‌آورد که این میزان نیز کاهش داشته است.

چه عواملی موجب کاهش شدید جمعیت و ایجاد نگرانی‌ها نسبت به آینده شده است؟

به نظر من سه عامل اصلی جمعیت امروز ما را رقم زده است. اولین عاملی که موجب تحولات جمعیتی در دهه‌های اخیر شد، سیاست‌های کنترل جمعیت بود. در ۲۰ ساله اخیر، انواع سیاست‌های کنترل جمعیت همچون انواع شیوه‌های عقیم‌سازی، برنامه‌های کنترل بارداری از طریق بهداشت خانواده، اجرای سیاست‌های تنبیهی برای فرزندان سوم به بعد و غیره در دستور کار قرار گرفت. عامل دیگر، وضعیت اقتصادی است. بیکاری، تورم، افزایش هزینه‌های آموزش، بهداشت و مسکن، ازدواج و غیره، میل به فرزندآوری را کاهش داده است. اما عامل سوم، که به نظر من می‌تواند مهمترین عامل هم باشد، عامل فرهنگی است که متأسفانه تأثیراتش را هم در عرصه‌های کلان مدیریتی و هم در عرصه‌های فردی و خانوادگی گذاشته است. من نام این عامل فرهنگی را «گسترش سبک زندگی غربی و مدرن» می‌گذارم. گسترش سبک زندگی مدرن در جامعه ما، عامل فرهنگی بسیار مؤثری در کاهش رشد جمعیت است. چنانچه در بسیاری از کشورهای غربی که دچار کاهش رشد جمعیت شده‌اند، سبک زندگی و نه مشکلات اقتصادی و نه سیاست‌های کنترل جمعیت، مؤثر بوده است.



منظور شما از سبک زندگی غربی و مدرن چیست؟

سبک زندگی یک معنای عام دارد، یک معنای خاص. سبک زندگی در معنای عام به معنی شیوه زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی افراد است. معنای خاص سبک زندگی برآمده از تاریخ و فرهنگ غرب است و مقصود من از سبک زندگی هم به همین معناست. در جامعه‌شناسی دو مفهوم «طبقه یا (class)» و «سبک زندگی یا (lifestyle)» با مفهوم «هویت یا (identity)» نسبت دارند. جامعه غرب در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم یک جامعه تولیدی بود و بر اساس جایگاه خود در این نظام تولیدی، هویت پیدا می‌کردند. لذا در آن دوران در ادبیات جامعه‌شناسی مفهومی به نام «طبقه اجتماعی» مطرح شد. اما زمانی که جامعه غربی به‌خصوص پس از جنگ‌های جهانی به یک جامعه مصرفی مبدل شد، انسان‌ها بر اساس رفتارهای مصرفی خود در این جامعه هویت پیدا کردند. لذا در این دوران مفهوم سبک زندگی به جای مفهوم طبقه در جامعه‌شناسی غرب مطرح شد. این نوع سبک زندگی مفهومی است که نشان‌دهنده جایگاه فرد در نظام مصرفی است و هویت فرد نیز بر اساس رفتارهای مصرفی او شکل می‌گیرد. بنابراین سبک زندگی به معنای خاص به رفتارهای مصرفی افراد به‌خصوص در عرصه‌های فرهنگی معطوف است.

عامل فرهنگی یا به قول شما سبک زندگی غربی و مدرن چگونه در جامعه ما ظهور پیدا کرد؟ غرب برای گسترش فرهنگ خود در عرصه فرهنگ عمومی و فرهنگ نخبگانی کشورهای غیرغربی به ترتیب از دو ساز و کار مکمل رسانه و گسترش علوم مدرن و انسانی استفاده می‌کند. بنابراین گسترش سبک زندگی مدرن در سطح فرهنگ عمومی کشور ما از طریق رسانه‌ها و نیز در سطح فرهنگ نخبگانی از طریق گسترش علوم انسانی انجام شد.



به نظر شما چه عواملی موجب گسترش سبک زندگی غربی در کشور شده‌اند؟

به نظر من، سبک زندگی غربی از طریق رسانه‌ها در سطح فرهنگ عمومی و از طریق علوم انسانی بدون شناسنامه، در سطح نخبگانی گسترش پیدا کرد. به نظر من تلویزیون و سینما مهمترین عامل ترویج سبک زندگی غربی در سطح فرهنگ عمومی است. ما همواره در رسانه‌ها شاهد نمادپردازی و شخصیت‌سازی کاراکترها برحسب معیارهای مدرن هستیم. مثلاً در فیلم‌های خود همواره زن موفق را به صورت زنی با تحصیلات دانشگاهی، دارای شغل بیرون از خانه، مجرد و یا در صورت تأهل با یک و یا در نهایت دو فرزند و... نشان می‌دهیم که در اذهان عمومی به عنوان شیوه صحیح و معیار زندگی مطلوب قرار گرفته است. از دیگر مواردی که رسانه‌ها به‌خصوص تلویزیون در گسترش سبک زندگی غربی مؤثر بوده‌اند، ترویج نمادهای غربی از طریق عروسک‌ها، کارتن‌ها و ... در سطح کودکان و فیلم‌های سینمایی و نمایش افکار و ظواهر غربی در برنامه‌های تلویزیونی برای بزرگسالان است.

سبک زندگی غربی چگونه باعث کاهش رشد جمعیت در ایران شد؟

در ادبیات جامعه‌شناسی، برای سبک زندگی شاخصه‌های زیادی مطرح است که یکی از آنها، اهمیت مدیریت بدن است که به تازگی در کشور ما هم به‌خصوص در بین خانم‌ها توجه زیادی به آن می‌شود. مدیریت بدن، شامل انواع رژیم‌های غذایی، تناسب اندام و مباحث زیبایی می‌شود. اما اهمیت این موضوع در کاهش رشد جمعیت و کاهش زایمان است. یعنی زن، به خاطر حفظ تناسب اندام خود، ابتدا میل به فرزندآوری را در خود کاهش و حتی در برخی موارد مشاهده می‌شود از شیردادن به فرزند خودداری می‌کند. یکی از عوامل فرهنگی دیگر تغییر به سمت فرهنگ غرب، سیاست‌های شهرسازی و تمرکزگرایی در کلانشهرهاست که هرچند جهت‌گیری خاصی نسبت به کاهش جمعیت نداشته است، ولی از عوامل مهم کنترل جمعیت به شمار می‌آید. تصمیم‌گیران ما در مسائل شهری براساس تجارب غرب به



خاطر برخی اقتضائات، به آپارتمان‌سازی با متراژهای پایین سوق پیدا کردند. در حالی که در سیستم موجود جامعه غرب، مسکن به عنوان خوابگاه خانواده مطرح است. ولی در کشور ما خانواده یک واحد عاطفی است، بنابراین مسکن، باید از منظر فرهنگی و زیبایی‌شناسی و معماری واجد تناسب با ویژگی‌های فوق باشد. زندگی در آپارتمان‌های با متراژ پایین باعث می‌شود در واقع، افراد به طور ذهنی و قلبی عقیم شوند و به خاطر شرایط زندگی خود قید بچه‌دار شدن را بزنند. افزون بر عامل فوق، نفس‌گرایش روحی یا التزام عملی به سبک زندگی غربی موجب عقیم‌سازی ذهنی افراد شده و از لحاظ فکری تمایل و حتی توان فرزندآوری و پرورش فرزند را از آنان می‌گیرد. بنابراین من معتقدم در حال حاضر مانع اصلی رشد جمعیت در کشور ما عامل فرهنگی است و عامل فرهنگی از نظر من گسترش سبک زندگی سکولاریستی غربی و مدرن در شهرها و حتی روستاهای کشور است. اگر قصد احیای مجدد رشد جمعیت در کشور را داریم، باید سیاست‌های افزایش جمعیت را در بستر فرهنگی مناسبی به نام «الگوی زندگی اسلامی» پیش ببریم. در غیر این صورت نتایج مطلوبی را به دست نخواهیم آورد.

منظور شما از «سبک زندگی اسلامی» چیست؟

ما در آموزه‌های اسلامی به شدت از تشبه به کفار در نظر و عمل پرهیز داده شده‌ایم. نگاه فرهنگ اسلامی به هستی کاملاً متفاوت از نگاه فرهنگ غرب است. طبق آموزه‌های اسلام انسان آیت خداوند است و فرزندی هم که برای او به دنیا می‌آید، مایه برکت و رحمت الهی است. اگر در جامعه ما از این منظر به فرزند نگاه شود، خود به خود نگاه به ازدواج و فرزندآوری جایگاه دیگری پیدا خواهد کرد. در حیات طیبیه اسلامی یک عنصر بسیار اساسی به نام قناعت وجود دارد که بر خلاف سبک زندگی مدرن که انسان را به حرص و آز و تلاش فراوان برای بهره‌مندی و لذت از مطامع دنیا تشویق می‌کند، با پرهیز دادن او از حرص، بر



عکس وی را به ساده‌زیستی و زهد ورزیدن و برگرفتن توشه آخرت از دنیا ترغیب می‌کند. در آموزه‌های اسلامی، دنیا مزرعه آخرت تلقی می‌شود که به وسیله آن انسان می‌تواند و باید ابدیت خود را بسازد، لذا قرار نیست در این دنیا به تمام خواسته‌ها و آرزوهای نفسانی خود برسد، اصلاً ما معتقدیم این دنیا ظرفیت استغنای انسان و دستیابی او به تمام آرزوهایش را ندارد، و کالای دنیا، حکم آب شور را برای فرد تشنه دارد، تشنگی آور است، نه برطرف کننده تشنگی. البته این‌ها نمونه‌های کوچکی از الگوی زندگی اسلامی است که با بحث جمعیت در ارتباط است و من فقط اشاره گذرا به آن کردم. ما باید در عرصه‌های مختلف فردی، خانوادگی و سازمانی به سمت الگوی حیات طیبه حرکت کنیم، شاخص‌های آن را استخراج کرده و به کار گیریم.

یعنی به نظر شما سیاست‌های تشویقی اقتصادی نمی‌تواند تأثیری در افزایش رشد جمعیت داشته باشد؟

همان طور که عرض کردم در حال حاضر مانع اصلی رشد جمعیت در کشور ما فرهنگی است. اگر قرار است برای تغییر روند رشد جمعیت سیاستی به کار گرفته شود، باید در راستای حرکت به سمت الگوی زندگی اسلامی باشد. اگر سیاست‌های تشویقی اقتصادی بدون تغییر سبک زندگی اجرا شود، رشد محدودی هم که در جمعیت ایجاد خواهد شد، در مناطق حاشیه‌ای کشور است. یعنی گروه‌های جمعیتی‌ای که مشکل کمبود موالیدشان فقط اقتصادی است. باید در نظر داشت یک خانواده به لحاظ فرهنگی باید ظرفیت پرورش نسلی بالغ و فرهیخته را داشته باشد و این ظرفیت معمولاً در بین خانواده‌هایی است که متأسفانه با شدت و ضعف متأثر از سبک زندگی مدرن شده‌اند.



برای برطرف کردن عامل فرهنگی کاهش رشد جمعیت شما چه برنامه‌هایی را پیشنهاد می‌کنید؟ ما اگر بخواهیم عامل فرهنگی کاهش رشد جمعیت و یا به تعبیر بهتر، مانع فرهنگی رشد جمعیت، که بر تمام عرصه‌های زندگی ما نیز ناظر است را از میان برداریم، باید هم در سطح فرهنگ عمومی و هم در سطح نخبگانی فعالیت‌های ایجابی منظمی را به طور گسترده انجام دهیم. در عرصه فرهنگ عمومی یکی از فعالیت‌های ایجابی که باید به صورت گسترده انجام شود، تحکیم جایگاه و بنیان خانواده است. همان‌گونه که گفته شد، متأسفانه رواج سبک زندگی غربی موجب شده تا نظام خانواده در کشور ما سست شده و در معرض فروپاشی قرار گیرد. از فعالیت‌های دیگر که اتفاقاً صدا و سیما می‌تواند با اجرای آنها کاستی‌های خود را تا حدودی جبران کند، معرفی نمونه‌های موفق خانواده‌های پرجمعیت و همچنین گسترش شیوه‌های صحیح فرهنگ ازدواج آسان در جامعه است. البته برگزاری جلسات بحث و کارشناسی در رابطه با عوارض ناشی از کاهش رشد جمعیت و هزینه‌های مختلفی که این مسأله می‌تواند برای مردم و جامعه ایجاد کند، از فعالیت‌های دیگری است که صدا و سیما می‌تواند برای روشن شدن اذهان عمومی انجام دهد. (قدس آنالین ۹۱/۱۰/۳)

دکتر کبری خزعلی (رئیس شورای اجتماعی فرهنگی زنان و خانواده):

فرهنگ‌سازی برای استحکام خانواده در گرو سیاست‌های جمعیتی مناسب

رئیس شورای اجتماعی فرهنگی زنان و خانواده، بر ضرورت توجه به فرهنگ‌سازی در خصوص استحکام خانواده و سیاست‌های جمعیتی مناسب تأکید کرد. کبری خزعلی صبح امروز در همایش تحدید جمعیت، توطئه صهیونیستی و رسالت زنان، جهانی‌سازی را یکی از راهکارهای مهم دشمن در دستیابی به اهداف و حفظ منافعشان در کشورهای اسلامی خواند و گفت: مسأله جهانی‌سازی در همه ابعاد زندگی ما رسوخ کرده است و بدون توجه به آسیب‌ها و کاستی‌ها و مغایرت‌های جهانی‌سازی با فرهنگ و بینش ما، این موضوع در



ابعاد مختلف مطرح شده است. وی افزود: در جهت جلوگیری از آسیب‌ها باید راهکارهای اساسی و تخصصی و اقدامات تحقیقاتی ارائه شود تا بتوانیم به درک درستی از حقیقت دست یابیم و راه را به صورت اشتباه نپیماییم، زیرا اگر در زندگی‌مان، خط مشی‌ای در پیش گرفتیم که دشمن از این امر خرسند شد باید به ضعف و کاستی و نادرستی عملمان پی ببریم و اگر دشمن در برابرش موضع گرفت باید به درستی آن ایمان داشته باشیم. خزعلی با اشاره به منویات رهبری در خصوص سیاست‌های جمعیتی نیز خاطرنشان کرد: مقام معظم رهبری همواره با درایت و دوراندیشی معضلات و مشکلات را مورد ارزیابی قرار داده‌اند و از متولیان امر خواسته‌اند با ارائه کارهای تحقیقاتی فضا را در جهت تحقق اهداف آماده سازیم و با مساعدت خواستن از علما و رسانه‌ها و مسئولان در جهت سیاست جمعیتی متناسب با مقتضای زمان فعلی تلاش کنیم. وی با تأکید بر ضرورت رفع ابهامات برای ارائه راهکارهای اساسی نیز گفت: در کشورهای اروپایی و در سیاست‌های اسرائیلی‌ها همواره تأکید بر ازدیاد جمعیت بوده و سرمایه‌گذاری‌های کلانی در این خصوص صورت می‌گیرد اما تبلیغات به گونه‌ای جهت دار می‌شود که استحکام خانواده و فرزندآوری در میان جوامع شیعی امری متناقض با توسعه جهانی و جهانی‌سازی تبیین می‌گردد. رئیس شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده ادامه داد: این سیاست دوگانه در جهان نشان از ترس ابرقدرت‌ها از اقتدار و توسعه و تعالی جوامع شیعی دارد اما متأسفانه می‌بینیم این تبلیغات تا حدودی در اذهان بانوان شیعه در راستای عدم رغبت به تشکیل خانواده و فرزندآوری مؤثر بوده و در سال‌های اخیر با کاهش جمعیت روبه‌رو بوده‌ایم که این امر در منطقه با توجه به آماده‌سازی بسترهای ظهور تناقض دارد و بانوان از نظر فرهنگی متمایل به اشتغال و تحصیل شده‌اند و علاقه‌ای به فرزندآوری ندارند. خزعلی گفت: در راستای جهانی‌سازی، دشمن با تحریم و فشارهای اقتصادی فضای موجود برای ازدیاد جمعیت را از میان می‌برد و با رشد فقر و بیکاری، زمینه



عدم رغبت به زادوولد به وجود می‌آید، در حالی که امکانات و اقتصاد توسعه‌یافته در گرو داشتن جمعیتی پویا و تولیدکننده می‌باشد و مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر نیز مباحث اقتصادی را مورد تأکید قرار داده‌اند. وی تزلزل اعتقادی در میان شیعیان را از دیگر اقدامات دشمن برشمرد و عنوان کرد: فرزندان آخرالزمان باید به گونه‌ای تربیت شوند که در جهت عدالت گستری و حکومت ولی عصر آمادگی لازم را داشته باشند اما متأسفانه تبلیغات و برنامه‌های سوء دشمن در جهت تبیین بی‌حجابی و بی‌عفتی و عدم پایبندی به ارزش‌های اخلاقی زمینه‌ساز از میان رفتن بسترهای ظهور در جوامع اسلامی و شیعی می‌باشد. خزعلی‌خاطر نشان کرد: در این رابطه باید تربیت اسلامی به گونه‌ای در جامعه مورد توجه قرار گیرد که شاهد جمعیتی شیعی در معنای حقیقی باشیم و در این تهاجم فرهنگی با تجهیز زیرساخت‌های انسانی و عقیدتی خود را برای مقابله با دشمن آماده سازیم. وی در پایان گفت: همه برنامه‌ریزان و متولیان اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی باید مسأله سیاست جمعیتی را مورد توجه خود قرار دهند و با فراهم‌سازی بسترهای لازم در جهت تحقق اهداف و به خصوص منویات رهبری تلاش نمایند. (ایسنا ۹۱/۷/۶)

منوچهری (عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس) تأکید کرد:

نخبه‌پروری، شاخص اصلی در افزایش جمعیت

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس بر لزوم کنترل جمعیت کشور همراه با نخبه‌پروری تأکید کرد و گفت: در رابطه با افزایش جمعیت و وجود مشکلات اقتصادی اصراری نیست که همه خانواده‌ها صاحب فرزند بیشتر شوند؛ بلکه خانواده‌هایی که از توان جسمی، مالی و علمی خوبی برخوردار هستند، اقدام به این کار کنند. نعمت‌الله منوچهری عضو فراکسیون رهروان ولایت مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه تنظیم خانواده و کنترل جمعیت دو موضوع متفاوت و جدا از هم است، به مجلس نیز گفت: تنظیم خانواده به معنی



مراقبت‌های اولیه و خدمات بهداشتی برای سلامت مادر باردار و سلامتی جنین و نوزاد است. نماینده مردم پاوه، جوانمرد، ثلاث باباجانی و روانسر در مجلس شورای اسلامی، ادامه داد: از طرف دیگر کنترل جمعیت به معنای کاهش آن نیست؛ بلکه جمعیت باید بر حسب نیاز جامعه و سرعت حرکت، تنظیم شود. وی با اعلام اینکه بر اساس قانون هر پنج سال یکبار بازبینی در نسل صورت می‌گیرد، بیان کرد: متأسفانه هم‌اکنون جمعیت کشور به سوی سالمندی حرکت کرده و این موضوع خطر بزرگی برای کشور به شمار می‌رود؛ این نماینده مجلس نهم، بر لزوم کنترل جمعیت کشور همراه با نخبه‌پروری تأکید کرد و افزود: به طور حتم با برنامه‌ریزی باید نخبگانی را پرورش بدهیم تا در عرصه بین‌الملل، خدمات ارزنده‌ای را به کشور عرضه کنند. وی با تأکید بر اینکه افزایش نسل جوان، خودش یک سرمایه ملی است، یادآور شد: به‌طور حتم نباید نگران باشیم که افزایش جمعیت، مشکلات اقتصادی را به‌دنبال داشته باشد. عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، بر الزام استفاده از تمام عوامل و اقدامات برای افزایش جمعیت جوان کشور تأکید کرد و گفت: سیاست‌گذاری برای افزایش جمعیت باید به گونه‌ای باشد که فرهنگ‌سازی و آگاه‌سازی خانواده‌ها در رأس برنامه‌ها قرار بگیرد و خانواده‌ها بر اساس توان مالی خود درباره تعداد فرزندان تصمیم‌گیری کنند. (خانه ملت ۹۱/۵/۲۰)

فریبا حاج علی (رئیس ستاد ملی زن و خانواده):

مسائل فرهنگی عامل عدم تمایل خانواده‌ها به فرزندآوری

رئیس ستاد ملی زن و خانواده گفت: در حال حاضر مسائل فرهنگی، عامل عدم تمایل خانواده‌ها به فرزندآوری است. به گزارش خبرنگار جامعه فارس، فریبا حاجی‌علی در نشستی که در خبرگزاری فارس در رابطه با بررسی لایحه اصلاح قانون تنظیم جمعیت خانواده برگزار شد، گفت: بحث سیاست‌های جمعیتی در کشور ما به دوران قبل از انقلاب بر می‌گردد و یکی از ترندهای بیگانگان درباره کشور ما است که تا حدودی می‌شود ردپای آن را در دوران



قبل از انقلاب جستجو کرد. وی ادامه داد: بعد از انقلاب طبق دیدگاه امام خمینی (ره) مبنی بر ارتش ۲۰ میلیونی و رسیدن به جمعیت ۱۵۰ میلیونی، جهش بلندی از نظر کمی و کیفی در جمعیت ایجاد شد که بر اساس آن مادران ایرانی شروع به فرزندآوری کردند از این رو افزایش چشمگیری در اوایل انقلاب از نظر جمعیت رخ داد و به یکباره تعداد جمعیت اوج گرفت به طوری که موج جمعیت جوانی که الان شاهد هستیم نسلی است که در زمان انقلاب متولد شده‌اند. وی افزود: بعد از آن سیاست‌های کاهش جمعیت در پیش گرفته شد که نه تنها سیر نزولی پیدا کرد بلکه امروز ما را با رکود جمعیت مواجه کرده‌است و رهبر معظم انقلاب نیز نسبت به آن هشدار دادند. (فارس ۹۱/۵/۱۵)

فرشته روح‌افزا (مدیر طرح، برنامه و تدوین شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده):

نفوذ فرهنگ غربی مانع فرزندآوری/ محرومیت بچه‌ها از نعمت خاله و عمو

مدیر طرح، برنامه و تدوین شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده گفت: نفوذ فرهنگ غربی به درون خانواده‌ها مانع فرزندآوری شده و مشکلات فرهنگی زیادی در این راستا به وجود آورده است. به گزارش خبرنگار جامعه فارس، فرشته روح‌افزا در نشست خبرگزاری فارس در رابطه با بررسی چالش‌های اصلاح قانون تنظیم خانواده گفت: در بحث فرهنگ‌سازی در افزایش جمعیت بررسی منفعت خانواده در تک‌فرزندی یا چندفرزندی از نظر جامعه‌شناسی و روان‌شناسی باید مورد بررسی قرار بگیرد. اگر نرخ رشد که در حال حاضر ۱/۲ تا ۱/۳ است به همین روال ادامه پیدا کند پدر و مادر در جامعه بعد از خود فرزندی به جا نمی‌گذارند. وی ادامه داد: از نظر تعداد فرزندان، تک‌فرزندی برای خانواده‌ها و پدر و مادر آسیب‌پذیری بیشتری به دنبال دارد. بدین ترتیب که اگر به هر دلیلی یک فرزند از بین برود برای خانواده چیزی باقی نمی‌ماند یا اگر تک فرزند دچار حادثه و معلولیت شود آن خانواده دچار ناکامی می‌شود در حالی که این موضوع در خانواده‌هایی با جمعیت



زیاد که افراد از یکدیگر حمایت می‌کنند قابل مقایسه نیست. وی افزود: افرادی که تمایل به بچه‌دار شدن ندارند کسانی هستند که از نظر مادی غنی بوده و شغل دارند از این رو نیابردن بچه تماماً به مسائل اقتصادی برنمی‌گردد و مسائل فرهنگی نیز تأثیرگذار است، به طوریکه بسیاری از دانشجویان فرهیخته ما ازدواج کرده اما بچه‌دار نمی‌شوند. حتی نداشتن بچه نوعی برتری اجتماعی به حساب می‌آید و داشتن بچه زیاد حتی در خانواده‌هایی که سطح تحصیلات بالایی دارند نوعی ناآگاهی به حساب می‌آید. روح‌افزا تأکید کرد: نکته دیگر در افزایش جمعیت بحث روانشناسی این موضوع است که ارتباط نزدیکی با مادران دارد؛ حس مادر شدن موضوعی است که به خاطر نفوذ فرهنگ غربی خانواده‌ها را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. در حالی که زنان وقتی اغنای روحی می‌شوند که مادر شوند و مادر شدن بیشتر باعث تکامل و تعالی زنان می‌شود. این نگاه که بانوان باید پا به پای مردان به جلو بروند باید اصلاح شود. مدیر طرح، برنامه و تدوین شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده با ذکر این نکته که مقایسه سبک زندگی ما با شیوه زندگی اسلامی در شرایط فعلی نشان می‌دهد که بیشتر زندگی‌ها اسلامی نبوده و متأثر از فرهنگ غربی است، گفت: این در حالی است که طبق نظر اسلام پسر بزرگ‌تر مکلف به تأمین نیاز پدر و مادر است؛ در گذشته خانواده‌هایی که وضع مالی مناسبی نداشته اما تعداد فرزندان آنها زیاد بود آسیب‌های کمتری از ناحیه اقتصادی متوجه آنها می‌شد در حالی که فرزندان امروز از پدر و مادر توقع تأمین نیاز مادی خود را دارند. وی تصریح کرد: از نظر اسلام شکل‌گیری خانواده‌ها در این دنیا انجام شده و طبق سوره انفال تا آخرت می‌تواند ادامه داشته باشد، حتی پدر و مادر می‌توانند پس از مرگ فرزندان خود را فراخوان کنند. از این رو خانواده‌ای به این مرحله می‌رسد که از شاخصه‌های اسلامی برخوردار باشد. وی با ذکر این موضوع که برنامه‌های کنترل جمعیت آمریکا که با سیاست‌های تنظیم خانواده در بسیاری از کشورها پیگیری شده و در داخل ایران نیز نفوذ کرده



است تأکید کرد: فمینیست‌ها با اهرم سازمان ملل وارد کشورها شدند و ما اثرات آن را هم در ایران و هم کشورهای مسلمان دیگر می‌بینیم. هر چند بساط فمینیست در کشور ما برچیده شده اما آثار آن هنوز در لایه‌های فرهنگی جامعه ما جریان دارد و منجر به مشکلات فرهنگی مختلف در خانواده‌ها شده است.

محروم بودن فرزندان از نعمت خاله و عمو آنها را با مشکل مواجه می‌کند

وی با اشاره به اینکه در بحث فرهنگ‌سازی درباره انتخاب شیوه اسلامی در خانواده‌ها اقدامی صورت نگرفته است گفت: ما تا به حال در رابطه با خانواده‌های تک‌فرزند و آسیب‌هایی که می‌تواند متوجه آنها شود بررسی‌هایی انجام ندادیم. اینکه فرزندان از نعمت خاله، دایی، عمو و عمو محروم شوند خودش ایجاد مشکل می‌کند. روح‌افزا گفت: از طرفی ما خانواده‌های موفق پرجمعیت را معرفی نکردیم در حالی که در مطالعه زندگی‌نامه بسیاری از نخبه‌ها می‌بینیم آنها از قشر فقیر و خانواده‌های پرجمعیت بودند. وی با اشاره به ضرورت در نظر گرفتن شرایط فرهنگ‌سازی در اصلاح لایحه تنظیم خانواده افزود: در اصلاح لایحه تنظیم خانواده نه تنها سیاست‌های مادی بلکه فرهنگ‌سازی نیز باید مدنظر قرار بگیرد. در این راستا ضرورت دارد که حتماً سطح اقتصادی خانواده‌ها تعریف شود و ملاک خانواده مرفه مشخص شود.

معرفی الگوهای نامناسب توسط صدا و سیما

وی با اشاره به نقش صدا و سیما در تبلیغ افزایش جمعیت خاطرنشان کرد: صدا و سیما دانشگاه فرهنگ‌سازی است و در همه جای دنیا از این رسانه برای انتقال مفاهیم استفاده می‌شود، اما متأسفانه در تولیدات سینمایی ما چهره منطقی از افراد موفق ارائه نمی‌شود و معمولاً افراد موفق را کسانی معرفی می‌کنند که از وضعیت مالی خوبی برخوردار هستند.



روح افزا گفت: با توجه به اینکه جوانان ما امروزه فکر می‌کنند داشتن فرزند بی‌سودی است، اگر موضوعات فرهنگی در جامعه در راستای سیاست‌های افزایش جمعیت حل شود مردم مطالبات قانونی خواهند داشت. وی تأکید کرد: مسائل اقتصادی باید پا به پای مسائل فرهنگی در سیاست‌های افزایش جمعیت پیش برود. در گذشته ایجاد اشتغال تا حدود زیادی به خانواده‌ها بستگی داشت و اینگونه بود که پدران با آموزش شغل خود به فرزندانشان ایجاد اشتغال می‌کردند اما در شرایط فعلی شکل اجتماعی خانواده‌ها تغییر کرده و حل مسائل اقتصادی از عهده خانواده‌ها خارج شده است، از این رو دولت وظیفه دارد دهک‌های پایین جامعه را به سطح مطلوب برساند. معاون شورای فرهنگی اجتماعی زنان یادآور شد: ما نباید فکر کنیم که گروهی از جامعه نباید بچه‌دار شوند و گروهی دیگر زادآوری داشته باشند، ما نمی‌توانیم به افراد فقیر بگوییم که بچه‌دار نشوند. باید سطح آن‌ها را با ارائه تسهیلات به سطح مطلوب فرزندآوری برسانیم. (فارس ۹۱/۵/۱۵)

برنامه‌های تلویزیون، برخلاف سیاست‌های کلان کشور، در جهت ترویج خانواده بدون فرزند است

در ایران کاهش تمایل به فرزندآوری بیش از آن که مربوط به مشکلات اقتصادی باشد، پیامد نوع خاصی از سبک زندگی است که در آن «فرزند کمتر مساوی با زندگی بهتر» است حتی اگر وضعیت مالی خانواده‌ها خوب باشد! چه آنکه با نگاهی گذرا می‌توان به وضوح مشاهده کرد خانواده‌های متمول و یا لاقط برخوردار از سطح رفاه متوسط، بیش از بقیه افراد از داشتن بیش از یکی دو فرزند فراری‌اند! با این اوصاف، افزایش مشوق‌های اقتصادی شاید بتواند خانواده‌هایی را که هم‌اکنون نیز بیش از دیگران فرزند دارند به تولیدمثل بیش‌تر تشویق کند اما توفیقی بیش از این نخواهد یافت. سبک زندگی ترویجی در رسانه‌های کشور، داشتن بیش از دو فرزند را غیرمعمول و حتی نوعی عقب‌ماندگی نشان می‌دهد. برای مثال کافی است به سریال‌های تلویزیونی چند سال اخیر صدا و سیما توجه کنید. در کدام یک از طنزهای



نود قسمتی که در خاطر دارید، خانواده‌های حاضر در سریال فرزند داشتند؟! خانواده‌های دو نفری موجود در این سریال‌ها نه تنها اصل داشتن فرزند بیش‌تر را ترویج نمی‌کنند، که اصل داشتن فرزند خردسال را هم زیر سؤال می‌برند. حال آنکه همین چند وقت پیش، سریالی اروپایی در حال پخش از سیما بود که در آن دردرس‌های سه فرزندی شر و شیطان یک زوج به تصویر کشیده شده بود. این سریال اگرچه در نگاه اول سختی‌های سرپرستی از سه فرزند را نمایش می‌داد اما حداقل وجود چنین خانواده پنج نفره‌ای را در یک کشور اروپایی به رسمیت می‌شناخت. البته فضای طنز این سریال و موقعیت‌های کمکی موجود، از تلخی‌های آن دردرس‌ها نیز می‌کاست. حالا با نگاهی به اغلب سریال‌ها و فیلم‌های تلویزیونی و سینمایی تولید داخل مشاهده می‌کنیم که اصولاً خانواده‌های چهار پنج نفره به رسمیت شناخته نمی‌شوند، چه رسد به تعداد افراد بیش‌تر در یک خانواده. گذشته از این دست سریال‌ها، در بسیاری از آثار نمایشی هم خانواده‌های با فرهنگ و نرمال که به تربیت فرزندان خود اهتمام نشان می‌دهند، بیش از یکی دو فرزند ندارند و در عوض خانواده‌های بی‌سروسامان و پدر و مادرهایی خلافکار و...، چندین فرزند دارند! آیا تا وقتی تصویر غالب سینما و تلویزیون جمهوری اسلامی چنین مشخصاتی دارد می‌توان انتظار داشت که زوج‌های جوان خلاف عرف القایی جامعه چندین فرزند به دنیا بیاورند؟ رابطه سبک زندگی با جمعیت به همین یک نکته محدود نمی‌شود و به بررسی دقیق‌تری نیاز دارد. زندگی‌های همراه با تجمل و چشم و هم‌چشمی، عادت‌های غلط آموزشی و تربیتی، نگاه‌های نادرست به پیشرفت و موفقیت و مسائلی از این دست همه مؤلفه‌های موجود در سبک زندگی است که اگر در جهت افزایش جمعیت تغییر نکند، نمی‌توان از مشوق‌های اقتصادی انتظار معجزه داشت. (خبرآنلاین ۹۱/۸/۱۴)



سید محمد حسینی (وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی) در گفت‌وگو با فارس:

باید با تفکرات کاهش جمعیت در رسانه‌ها مقابله کرد

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خواستار مقابله با تفکرات کاهش جمعیت در رسانه‌ها به ویژه رسانه ملی شد. سیدمحمد حسینی در گفت‌وگو با فارس اظهار داشت: ما در وزارت ارشاد با مجموعه‌هایی که در تماس هستیم از جمله رسانه‌ها و مطبوعات گفتگوهایی را انجام داده و مسائلی را در خصوص سیاست‌های جمعیتی طبق فرمایشات مقام معظم رهبری مطرح کردیم که به زودی پس از انجام بررسی‌های لازم ابعاد آن تشریح خواهد شد. وی افزود: موضوع سیاست‌های افزایش جمعیت باید در حوزه کارهای هنری مد نظر قرار بگیرد، در گذشته در فیلم‌ها و سریال‌ها تبلیغات زیادی درباره کاهش فرزند دیده می‌شد حتی سریال‌هایی مانند «آقای گرفتار» به تبعات چند فرزندی می‌پرداخت که باید با تفکراتی از این دست در ساخت فیلم‌ها و سریال‌ها مقابله کرد. (فارس ۹۱/۵/۱۶)

پژوهش استاد «عباس معلمی» پیرامون کاهش و جهش جمعیت (قسمت اول)

تحریک جنسی در محیط اجتماعی و مسأله کاهش جمعیت در ایران

موضوع سیاستگذاری در رشد یا توقف و کاهش جمعیت از دهه هفتاد در ایران با بروز اختلافاتی در حوزه‌های فرهنگی و سیاسی و حتی امنیتی مواجه گردیده است. اما پس از انتقادات صریح رهبر معظم انقلاب اسلامی از ادامه طرح کاهش جمعیت و ابلاغ سیاست‌هایی برای رشد جمعیتی در جامعه ایران، این موضوع مورد توجه ویژه نخبگان قرار گرفته است. پایگاه ۵۹۸ که با پرونده «کنترل جمعیت، آثار و پیامدها» چندی است فضای تضارب آراء و نظرات اندیشمندان را ایجاد نموده است، اقدام به انتشار پژوهشی از استاد عباس معلمی (قائم مقام اسبق مرکز پژوهش‌ها اسلامی صدا و سیما) نموده است که بخش نخست آن تاریخیچه مسأله جمعیت در کشور، آثار کاهش جمعیت در نظام اجتماعی، ضرورت درک



ریشه‌های کاهش جمعیت مورد پژوهش قرار گرفته و در بخش دوم این نوشتار به مسأله تخصیص امکانات و افزایش جمعیت و در نهایت به راهکارهای افزایش جمعیت در وضعیت کنونی کشور پرداخته شده است که در ادامه می‌آید:

مقدمه

مسئله جمعیت که تا کنون بارها موضوع بحث روز جامعه بوده است در روزهای اخیر نیز بار دیگر موضوع بحث و دقت صاحب‌نظران قرار گرفت. طرح کنترل جمعیت، همواره موافق و مخالف داشته است. استدلال‌های موافقین و مخالفین این طرح به صورت عمده به سه دسته تقسیم می‌شوند: بعضی استدلال‌ها شرعی یا به عبارتی مبتنی بر نقل، بعضی استدلال‌ها علمی و بعضی نیز استدلال‌های احساسی هستند. در شکل سوم استدلال‌ها، به شرایط و ویژگی‌های علمی یا دینی بحث توجه نمی‌شود. بی‌تردید بحث احساسی، بحثی پایه‌ای و محکم نخواهد بود و باید به یکی از دو جنبه دینی و یا علمی و یا به عبارت بهتر هر دو جنبه دینی و علمی معطوف باشد. یک بحث کامل علاوه بر سازگاری با آموزه‌های دینی باید با مباحث عقلی و به اصطلاح عقلانیت دینی هم سازگاری داشته باشد. در بحث علمی هم باید توجه کرد که استدلال‌ها متناسب با کدام علم است. آیا آنها، علومی هستند که از دین نشأت گرفته و یا با آن ارتباط و هماهنگی دارند؟ آیا علومی بی ارتباط با دین اسلام و یا حتی سایر ادیان هستند، که مبتنی بر فرضیه‌ها، نظریه‌ها، آزمایش‌ها و تجربه‌ها شکل گرفته‌اند؟

این گونه علوم موارد فوق به شکل صددرصد قابل اتکا نیست و تنها می‌توان آنها را به عنوان یک احتمال مورد توجه قرار داد و باید به طریقی از صحت راهکارها و تحلیل‌ها اطمینان یافت. این ممکن است به عنوان یک شاهد مثال تلقی شود اما هرگز نمی‌توان بر اساس آن در جهت تغییر وضعیت یک جامعه، طراحی، برنامه‌ریزی و تجزیه و تحلیل کرد. در بحث نقلی هم باید به دو نکته توجه کرد؛ اول اینکه با اتکا به یک یا چند روایت و آیه



این کار تمام نمی‌شود و نمی‌توان نسبتی به شارع داد. بلکه ابتدا باید همه‌ی منابع را در کنار یکدیگر بررسی کرد و سپس با تفقهی دقیق مبتنی بر اصول شناخته شده مشخص نمود که آیا چنین برداشت و استنباطی صحیح است یا خیر؟ نظر یک فرد غیر کارشناس که تنها مبتنی بر یک حدیث و آیه ناظر به موضوع شکل می‌گیرد کار دقیقی نیست و به نتیجه صحیحی منتهی نمی‌شود.

دوم این که بین موضوع فردی و موضوع حکومتی باید تفاوت قائل شد. ممکن است در بسیاری از موارد، یک مسأله به لحاظ فردی شکلی پیدا کند و از لحاظ اجتماعی شکلی دیگر؛ به عبارت دیگر از موضع عمل، عمل کسی که طراحی نظام می‌کند با افراد دیگر تفاوت دارد. ممکن است علما اعمال فردی کنترل نسل و محدود کردن زاد و ولد را مجاز بدانند و آن را یک عمل حرام یا مکروه قلمداد نکنند؛ اما آیا سیاست‌گذاری حکومت اسلامی نیز کنترل جمعیت است یا جمعیت بی‌شمار و یا توقف جمعیت در یک حد خاص؟ این بحث هم یکی از مسائل حکومتی است که دقت مضاعفی می‌طلبد. بنابراین با تکیه بر اینکه در بخش فردی مجوزهایی داده شده و یا ممنوعیتی اعمال شده است نمی‌توان در بحث حکومت هم همان مجوزها و ممنوعیت‌ها را اعمال کرد، یعنی باید با دقت، موضع حکومت را در چنین مسائلی مشخص کرد. البته این تشخیص باید به متخصصین آن سپرده شود.

۱- تاریخچه مسأله جمعیت در کشور

نقطه‌ای که می‌توان بحث را از آن آغاز کرد، موضوع سیر رشد جمعیت و سیر آغاز این معضل در کشور است. البته بحث کنترل جمعیت در جهان نیز دارای سیر خاصی است؛ به ویژه پس از اینکه روند افزایش جمعیت، موجب ظهور برخی آثار و معضلات نامطلوب افزایش جمعیت در بعضی کشورها شد. به دنبال بروز این معضلات بعضی از متفکرین تلاش خود را در جهت محدودیت جمعیت و یافتن راه‌هایی برای پیش‌گیری از افزایش جمعیت



مصرف کردند. اولین کسی که این کار را انجام داد، مالتوس کشیش جمعیت شناس است که در این زمینه تحقیقاتی داشته و پیش‌بینی‌هایی کرده است. صرف نظر از سیر این بحث در جهان، در ایران نیز برای اولین بار قبل از انقلاب، که جمعیت کشور حدود بیست میلیون بود، طرح کنترل جمعیت به تبعیت از سایر کشورهای در حال توسعه یا پیشرفته در ایران هم اجرا شد که البته با عکس‌العمل شدید روحانیت و مردم مواجه گردید.

تلاش فراوانی که در آن سال‌ها برای جلوگیری از رشد جمعیت صورت گرفت موفقیت آمیز نبود. اما در همان زمان پایه‌هایی را قرار دادند که در سال‌های بعد این هدف را عملی کرد. برای مثال شعارهایی مطرح شد که داشتن سه فرزند برای هر خانواده را کافی می‌دانست. شعارهایی مانند: «یکی کم است؛ دوتا، غم است؛ سه تا که شد خاطر جمع است» به این طریق به مردم تلقین می‌کردند که سه فرزند بیشتر نداشته باشند. در آن زمان تبلیغات فراوانی در رادیو، تلویزیون، فیلم‌های سینمایی و مطبوعات به شکل‌های مختلف انجام شد تا خانواده پرجمعیت تحقیر شود و خوشبختی، رفاه و آسایش نتیجه جمعیت کم خانواده‌ها وانمود گردد. این روند ادامه داشت و تنها در بعد تبلیغات محدود نبود؛ برای مثال وسائل پیشگیری از فرزنددار شدن به صورت رایگان و یا با تخفیف‌های ویژه در جامعه منتشر می‌شد و به طریق مختلف مردم برای داشتن فرزند کمتر تشویق می‌شوند. حتی بحث‌های علمی با این مضمون مطرح شد که اگر سن حاملگی خانم‌ها از سن خاصی کمتر و از سن خاصی دیرتر باشد خطرناک است. آنها سال‌های خاصی را بین حدود بیست تا سی سال در نظر گرفتند که بیش از ده یا دوازده سال نیست. حتی فاصله بین دو فرزند را معین کردند و مدعی شدند که اگر فاصله بین دو فرزند کم باشد، مشکلاتی را برای فرزندان و خانواده به وجود می‌آورد. خلاصه اینکه طراحی بر اساس ترویج سه فرزند برای خانواده انجام شد. حتی در روستاها و در بعضی از مراکز درمانی هنگام زایمان یک خانم بدون اجازه او و شوهرش و یا با بیان یک



تحلیل و ارائه اطلاعات نادرست مانند خطر حاملگی مجدد، آنها را تشویق می‌کردند که زن رحم خود را بردارد یا دهانه آن را ببندد. خلاصه اینکه با وسایل مختلف و به هر طریقی از افزایش جمعیت جلوگیری می‌شد.

این روند ادامه داشت تا اینکه با پیروزی انقلاب و به تبع آن بروز دگرگونی همه جانبه در ارزش‌های جامعه، چه والدین و چه جوانان در امر ازدواج بسیار سهل‌گیر شدند، و به یک معنا، در آن زمان ازدواج آسان شکل گرفت؛ بنابراین سن ازدواج به شدت پایین آمد و به همین دلیل زادوولد افزایش یافت و به عبارتی، یک جهش جمعیتی پیدا شد. یعنی جمعیت به شکل ناگهانی اضافه شد و نه به مرور. به این ترتیب به یک باره جمعیت در یک رده سنی خاصی افزایش پیدا کرد که همین امر باعث بروز مشکلاتی در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی شد؛ برای مثال همین جمعیت فرزندان وقتی به سن ورود به دبستان می‌رسیدند کشور با کمبود معلم مقطع دبستان و فضای دبستان روبرو شد تا جایی که حتی بعضی از مدرسه‌ها سه شیفته شدند. به همین ترتیب مشکل این جمعیت به دبیرستان و از آنجا به کنکور و به دانشگاه کشیده شد و امروز که این جمعیت به سن ازدواج و اشتغال رسیده، مشکلات در این بعد ظاهر شده است. این مربوط به همان جهش سریع جمعیتی است.

در حال حاضر کشور با یک مشکل دیگر تحت عنوان رکود جمعیتی روبرو شده که نتیجه فعالیت‌هایی است که طی حدود بیست سال اخیر برای کاهش رشد جمعیت از عدد حدود ۳/۲ یا ۳/۳ انجام شد. این تلاش بیش از توقع برنامه ریزان آن اثر گذاشت و کشور با رکود جمعیت مواجه شده است.

۲- آثار کاهش جمعیت در نظام اجتماعی

یکی از شاخص‌های این رکود جمعیتی افزایش سن ازدواج است. طی آخرین آمار سن متوسط ازدواج در دختران ۲۳ و سن ازدواج پسران ۲۷ تا ۲۸ سال است. افزایش سن ازدواج



به طور طبیعی موجب کاهش زادوولد شده است. علاوه بر این افراد هم بعد از ازدواج سعی می‌کنند تعداد فرزندان کمتری داشته باشند. این اتفاق کشور را با خطرات جدیدی روبرو کرده است. رکود جمعیتی آثار نامطلوب خاص خود را دارد که به تدریج آثار سوء اقتصادی، سیاسی فرهنگی آن بارز خواهد شد. یکی از آثار اقتصادی آن پیر شدن جمعیت کشور است. با پیر شدن جمعیت تعداد افرادی که با کار و فعالیت آنها امور جامعه سامان می‌یابد، محدود شده و در نتیجه تعداد مصرف‌کنندگان جامعه به نسبت افزایش می‌یابد. در این صورت جامعه از لحاظ فرهنگی و ارتباطات فرهنگی به شدت تضعیف می‌شود به شکلی که اگر این روند ادامه پیدا کند، در آینده بعضی از منسویین را فقط می‌توان در قصه‌ها و تاریخ یافت و داشتن خاله و عمو و دایی و عمه بسیار نادر خواهد شد. تعداد اندک فرزندان، علقه انسانی را بین افراد کم می‌کند. رابطه‌ی پدر و فرزندی تنها رابطه لازم جامعه نیست. رابطه برادری و خواهری، کارکردهایی در جامعه دارد که اگر از بین برود، جامعه به سمت فردگرایی و خودمحوری پیش خواهد رفت. در خانواده‌ای که فرزندان باید در ضمن پرورش، با ارتباطات اجتماعی هم آشنا شوند به دلیل تعداد کم فرزندان که به یک دو نفر محدود می‌شود ارتباطات اجتماعی تضعیف خواهد شد؛ رابطه پدر و مادر با هم متفاوت خواهد بود؛ همچنین تقسیم کار، ارتباطات و عاطفه در خانواده تضعیف خواهد شد و بدین شکل، مشکلات فرهنگی در جامعه به وجود می‌آید.

امروزه در غرب، افراد به سمت زندگی انفرادی سوق پیدا می‌کنند؛ حتی بعضی مجبور به این امر می‌شوند؛ چرا که وقتی فردی تنها یک یا دو خواهر و یا برادر داشته باشد از بین رفتن یکی از آنها موجب تنها شدن بازماندگان او خواهد شد. در این صورت زندگی و ارتباط داشتن با شخص دیگر غیرممکن یا بسیار مشکل خواهد شد.



جمعیت اندک از بُعد سیاسی نیز قدرت مانور را در مقابل دشمنان کاهش خواهد داد. جمعیت، یکی از عوامل قدرت برای کشور است. کشوری با جمعیت پیر و اندک، مورد طمع قدرت‌ها و مستکبرین خواهد بود. با توجه به آنچه درباره جمعیت گفته شد کاهش جمعیت، افزایش آن و یا حد مطلوب آن چیست؟ صرف نظر از بحث کاهش یا افزایش جمعیت، یک نکته را باید در نظر گرفت و آن این که تغییرات جهشی جمعیتی همواره آثار بسیار نامطلوبی خواهد داشت. افزایش جهشی جمعیت و کاهش جهشی جمعیت، هر دو موجب بروز مشکلات بسیار زیادی خواهد شد. برای مثال مسئولین بعضی از کشورهای اروپایی مانند سوئیس حتی مجبور شدند، اجازه ورود افراد سایر کشورها را به کشور خود صادر کنند و آنها را شهروند خود محسوب کنند؛ به آنها اجازه ازدواج با افراد کشور خود را بدهند تا از عوارض و لوازم منفی پیر شدن جمعیت و کاهش جمعیت جلوگیری کنند.

۳- ضرورت درک ریشه‌های کاهش جمعیت

جمعیت باید با یک شیب مناسب کاهش و یا افزایش پیدا کند. در حال حاضر کشور ما با رکود جمعیتی و یا حتی عقب‌گرد جمعیتی روبرو شده است. با یک بررسی ساده می‌توان دید که سیاست‌ها و فعالیت‌هایی برای رسیدگی به این وضعیت طی بیست سال گذشته انجام شده است. در این چند سال فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی انجام شده به نسبتی مؤثر بوده‌اند؛ اما باید دید مؤثرترین اقدام برای تغییر روند موجود چیست. از لحاظ اقتصادی تمهیداتی اندیشیده شد مانند اینکه به بیش از سه فرزند کوپن داده نشد و خدمات بیمه تنها به سه فرزند تعلق گرفت. در تبلیغات صدا و سیما و تبلیغات محیطی تعداد زیاد فرزند زشت شمرده شد؛ وسائل و راه‌های پیشگیری بعضاً رایگان و یا با قیمت بسیار نازل در اختیار عموم قرار گرفت. این کارها انجام شد و هر یک از آنها هم به نسبتی مؤثر بود. با این وجود نتیجه آخرین آمارسنجی به عمل آمده از زنان خانه‌دار نشان می‌دهد که در اکثر استان‌ها بیش از ۶۰



درصد زنان مشوق‌های اقتصادی را در رشد جمعیت فاقد اثر چشم‌گیر دانسته‌اند. به نحوی که اگر امروز این عوامل تغییر کند، موفقیت آمیز نخواهد بود. در دولت دهم برای افزایش جمعیت فعالیت‌هایی صورت گرفت. برای مثال دولت اعلام کرد برای هر فرزندی که به دنیا می‌آید مبلغی را در بانک سرمایه‌گذاری می‌کند تا با افزایش این سپرده توسط خانواده‌ها، این فرزندان هنگام رسیدن به سن ازدواج و اشتغال مبلغی را به عنوان سرمایه در اختیار داشته باشند. البته این طرح با موافقت مجلس مواجه نشد. یارانه‌ها که طی آن به هر نفر از افراد خانواده وجهی تعلق می‌گیرد برای یک خانواده پرجمعیت امتیاز محسوب می‌شود. اما همه این برنامه‌ها به شدت کم اثر بوده است.

الف) پندار ناسازگاری تحصیل با ازدواج

یکی از مهمترین عوامل کاهش جمعیت، حضور اجتماعی بجا و نابجای زنان است. یکی از این زمینه‌ها تحصیلات است. قبل از انقلاب، سطح تحصیلات زنان به شدت پایین بود. بسیاری از آنها حتی به سطح دیپلم هم نمی‌رسیدند و در سال‌های اول دبیرستان ازدواج می‌کرده و یا ترک تحصیل می‌کردند. حتی برخی از والدین اجازه نمی‌دادند فرزندشان بیش از مقطع دبستان یا بیش از خواندن و نوشتن ادامه تحصیل دهد. تحصیلات دانشگاهی زنان در قبل از انقلاب بسیار نادر بود. اما بعد از انقلاب سطح تحصیلات زنان به شدت رشد پیدا کرده است به نحوی که طی این چند سال تعداد پذیرفته‌شدگان زن در دانشگاه‌ها بیشتر از مردها است. تحصیلات، به خودی خود منفی نیست. اما خواه ناخواه یک لوازم و آثاری دارد. یکی از لوازم آن این است که بعضی‌ها تصور می‌کنند تحصیلات و ازدواج مانع یکدیگر هستند. به همین علت وقتی برای یک دختر دبیرستانی که آمادگی کامل برای ازدواج دارد خواستگار می‌آید، والدینش می‌گویند او باید به دانشگاه برود، یا وقتی دانشجو است می‌گویند باید تحصیلاتش تمام شود. حتی خود دخترها سعی می‌کنند به این بهانه که ازدواج



مانع تحصیل است ازدواج خود را به تأخیر بیندازند. در حالی که یک لازمه نابجایی است و هیچ نسبت جبری‌ای بین درس خواندن و ازدواج کردن وجود ندارد. افراد زیادی هستند که ازدواج نکردند اما ادامه تحصیل هم نداده‌اند. عده زیادی هم هستند که در سن دبیرستان ازدواج کردند و سطوح عالی تحصیلات را تا حد دکترا هم گذرانده‌اند؛ حتی صاحب فرزند شدند و در کنار همسررداری و فرزندداری ادامه تحصیل دادند، با این حال در جامعه به نحوی تلقی شده است که اگر کسی بخواهد درس بخواند، نباید ازدواج کند یا اگر ازدواج هم کرد، نباید فرزند داشته باشد.

ب) اشتغال زنان برای کسب استقلال مالی

یکی دیگر از این زمینه‌ها اشتغال است. تا پیش از انقلاب، تعداد زنان شاغل نسبت به مردان بسیار کم و منحصر در مشاغل خاص بود. در حالی که پس از انقلاب تعداد زنان شاغل افزایش یافته است. در گذشته بیشتر خانم‌های شاغل معلم می‌شدند و به استخدام آموزش و پرورش در می‌آمدند. امروزه تقریباً هیچ شغلی وجود ندارد که مخصوص آقایان باشد و خانم‌ها در همه‌ی مشاغل حضور دارند. بنابراین مسأله اشتغال زنان نیز از لحاظ فرهنگی آثاری داشته و به عنوان یکی از موانع ازدواج و زادوولد مطرح می‌شود. به این معنا که زن شاغل باید مدتی کار کند تا بتواند هزینه خود را فراهم کند و استقلال مالی داشته باشد. از نظر برخی اشتغال زنان فقط برای تامین کمک هزینه زندگی نیست بلکه به منظور استقلال مالی زن است. استقلال مالی زنان هم موجب اختلال در استحکام خانواده می‌شود و به سرعت اختلافات را به طلاق می‌کشاند و از آنجا که پس از طلاق، ازدواج مجدد به سرعت صورت نمی‌گیرد همین امر نیز به کاهش جمعیت منجر می‌شود. البته بعضی از زنان هم به سایر فعالیت‌های اجتماعی و عام‌المنفعه، غیر از تحصیل و اشتغال، مشغول هستند، با این وجود هر نوع از حضور اجتماعی زنان مانع خانه‌داری، همسررداری و فرزندداری آنها تلقی



می‌شود؛ که البته این تلقی صحیح نیست.

ج) فضای تحریک جنسی در محیط اجتماعی

مشکل دیگری که به تدریج در جامعه گسترش یافته مربوط به تهاجم فرهنگی است که از طریق ماهواره، فیلم‌های غیرمجاز یا کتب غیرمجاز، محیط جامعه آلوده به تحریک و اشباع جنسی می‌گردد؛ به عبارت دیگر تحریک و اشباع جنسی به جای محیط خانواده، به محیط اجتماعی کشیده شد. با افزایش سن ازدواج و حضور اجتماعی زن و مرد در محیط اجتماع تحریک اجتماعی شدید شده است. وقتی محیط جامعه، محیط اشباع باشد و افراد در سن مناسب ازدواج نمی‌کنند، نمی‌توانند خواسته‌های جنسی خود را به راحتی کنترل یا سرکوب کنند؛ بنابراین افراد مجرد در محیط تحصیل و اشتغال و یا حتی در محیط عمومی جامعه سعی در جلب نظر و یا برقراری ارتباط مجاز یا غیرمجاز با جنس مخالف دارند که این ارتباط، آمیخته با بهره‌برداری‌های جنسی است. این ارتباط می‌تواند سطوح مختلفی مانند نگاه کردن، گفت‌وگو و... داشته باشد. به این ترتیب افراد وقتی می‌خواهند در محیط اجتماعی جذاب باشند به خودآرایی و زیباسازی خود می‌پردازند که به نوبه خود مشکل را مضاعف می‌کند. این خودآرایی حتی به افرادی که دارای همسر هستند، اعم از زن و مرد، کشیده شده است. با گرایش به زیبایی و خوش اندامی در جامعه، حاملگی همچون یک امر زشت جلوه می‌کند. حضور یک خانم باردار در جامعه و در محیط تحصیل یا اشتغال با گرایش اجتماعی به خودآرایی و خوش اندامی مغایر است. خودآرایی و بروز جذابیت جنسی تقریباً به عنوان یک امر پسندیده در جامعه جلوه کرده است. الگوهای خاصی مانند عروسک باربی در جامعه مطرح شده است.

هدف الگوهای رفتاری و آرایشی اعم از آرایش سر و صورت، آرایش لباس و کفش و کیف این است که فرد زیباتر از آنچه هست بنماید و یا فرد زیبایی‌هایش را به منظر عموم



بکشاند. بنابراین محیط اجتماعی کاملاً یک محیط جنسی می‌شود و افراد در محیط اجتماعی، بهره‌های جنسی می‌برند. این پدیده آثار منفی بسیار زیادی بر ثبات خانواده دارد و باعث افزایش سن ازدواج می‌شود. با توجه به وجود انگیزه‌های دینی در جامعه کسی تمایل ندارد فردی را که با اشخاص دیگر ارتباط غیرمجاز داشته است به عنوان شریک زندگی انتخاب کند. بنابراین افراد در انتخاب شریک زندگی دچار تردید و ترس و وسواس می‌شوند. این مورد نیز موجب افزایش سن ازدواج می‌شود. وقتی محیط جامعه، محیطی جنسی باشد افراد برای اشباع جنسی نیازمند محیط خانواده نخواهند بود. این مشکل به اندازه‌ای شدید شد که بعضی از شخصیت‌ها با آنکه از آنها توقع نمی‌رفت، تلاش کردند مراکزی را در کشور به وجود آوردند که در آن مراکز، افرادی که همسر ندارند - عمدتاً پسران و مردان - به نحو ظاهراً شرعی مشکل جنسی خود را حل کنند.

این مشکل خاص جامعه حتی بعضی از برنامه‌ریزان و مدیران جامعه را به سوی چنین اقداماتی سوق داد. وقتی سطح تحصیلات و شغل زنان بالا می‌رود، به تبع همسر هم کفو و مطلوب آنها کمتر یافت می‌شود. برای مثال دختری که کارشناس شده است حاضر نیست با پسری که دیپلم دارد ازدواج کند و برعکس پسری که دیپلم دارد حاضر نیست با خانمی که لیسانس دارد ازدواج کند. به میزانی که سطح ازدواج خانم‌ها بالا می‌رود، سطح توقعات آنها نسبت به طرف مقابلشان نیز بالا می‌رود و متناسب با آن، همسری در شأن خود پیدا نمی‌کنند. در حالی که برعکس این ممکن است؛ یعنی مردی که تحصیلات دکترا دارد با خانمی که تحصیلات دیپلم هم ندارد ازدواج می‌کند یا شخصی روحانی با سطح بالایی از تحصیلات حوزوی با کسی که سطح پایینی از سواد دارد ازدواج می‌کند. همین مسأله درباره شغل هم وجود دارد. وقتی خانمی در یک اداره یا تشکیلاتی دارای منصب است، حاضر نیست با مردی که به لحاظ منصب اجتماعی در سطح پایین‌تری از او قرار دارد زندگی کند. این نوع



از ازدواج‌ها معمولاً در کشور ما شکل نمی‌گیرد. اگر چنین ازدواجی هم شکل بگیرد همین اختلاف، عامل مهمی در عدم تفاهم خواهد شد و باعث اختلافات بیشتری می‌گردد. (پایگاه خبری تحلیلی ۵۹۸ ۹۱/۹/۲۴)

(قسمت دوم و پایانی)

عدالت جنسیتی راهکار افزایش جمعیت در وضعیت کنونی

۴- افزایش جمعیت و مسأله تخصیص امکانات

همه مسائل فوق، باعث افزایش سن ازدواج و کاهش زادوولد شده است. بدین ترتیب پدران و مادران یا تمایلی به داشتن فرزند ندارند و یا به داشتن یک یا دو فرزند اکتفا می‌کنند. کشوری که در تقابل دائمی تمدنی با مستکبرین جهان و تمدن غربی است، باید جمعیتی جوان، پرتوان و نوآور داشته باشد. رکود جمعیتی باعث کاهش رشد جمعیت شده و به پیری جمعیت منجر می‌شود. جمعیت پیر فاقد نوآوری، تحول‌خواهی و شجاعت است و به سازش با شرایط تمایل دارد. به هر حال روند رشد جمعیت کارشناسان جامعه اعم از سیاست‌گذاران و دانشمندان اجتماعی را به این نتیجه رسانده که وضعیت کنونی جمعیت بسیار خطرناک است و به سرعت باید مانع کاهش جمعیت یا پیر شدن جمعیت شد.

البته این نظر، اکنون نیز مخالفانی دارد، که معتقدند جمعیت باید به لحاظ کیفی جمعیت مناسبی باشد نه از لحاظ تعداد؛ آنها جمعیت زیاد را به تنهایی عامل قدرت نمی‌دانند. به عقیده آنها جمعیت کیفی عامل قدرت است، البته این به نسبتی درست است. اما از طرفی رشد کیفی لزوماً به معنی کاهش جمعیت نیست و رشد جمعیت ضرورتاً مانع رشد کیفی نخواهد شد، اگر که سازماندهی اجتماعی، یا سازماندهی خانوادگی درست باشد. این عده معتقدند امکانات کشور برای رشد جمعیت مناسب نیست و تصور می‌کند با افزایش جمعیت امکانات کاهش می‌یابد و نسل‌های بعدی با مشکلات فراوانی روبرو می‌شوند. این اظهارنظرها تا حدودی



احساسی و فاقد دقت علمی است؛ چرا که بزرگترین امکان و عامل قدرت یک کشور نیروی انسانی است. نیروی انسانی توانمند است که امکانات بالقوه را بالفعل می‌کند. اگر یک جامعه مانند دویست سال پیش رفتار کند که برای تأمین انرژی هیزم بسوزاند ذغال بسوزاند، رشد جمعیت آن نیز باید به توقف کشیده شود و ممکن است همه جنگل‌های خود را طی یک سال به هیزم و ذغال تبدیل کند. یافتن منابع جدید انرژی مانند سوخت‌های هیدروکربنی، نفت و مشتقات آن، انرژی خورشید، انرژی باد، انرژی گرمای درون زمین و حتی انرژی هسته‌ای و راه‌های استفاده از آنها توسط نیروی انسانی صورت می‌گیرد. برای مثال کشاورزی به شیوه قدیم، میزان برداشت محصول از یک قطعه زمین را بسیار محدود می‌کند در حالی که یافتن راه‌های جدید استفاده بهینه از آب و زمین حتی تغییرات ژنتیکی باعث افزایش محصولات کشاورزی می‌شود. این نوآوری‌ها به وسیله انسان ایجاد می‌شود. این ادعا که هر فرد اضافه مساوی با یک عامل مصرف اضافه است، ادعای دقیقی نیست. هر یک نفر اضافه، فقط یک دهان اضافه نیست بلکه دو دست اضافه و یک فکر اضافه هم هست؛ به عبارتی در رد این ادعای احساسی، باید آن پاسخ احساسی را مطرح کرد. در حالی که به صورت منطقی، عامل جمعیت و به عبارتی نیروی انسانی موجب افزایش قدرت است؛ البته مشروط به اینکه به شکل صحیح تربیت و سازماندهی شود؛ بنابراین اشکالاتی که در این زمینه وجود دارد بیش از هر چیز به ساختارها و تنظیمات اجتماعی بستگی دارد. امروزه شاید ادعا شود که یکی از بهره‌مندترین کشورها، کشورهای اروپایی یا آمریکا هستند. اما آیا افرادی که در آمریکا زندگی می‌کنند و جزء یک درصد ثروتمند جامعه هستند، به امکانات زندگی خود قانع هستند؟ غرب ساختاری به وجود آورده که برای مثال امکانات فراوان کشوری مانند آمریکا در اختیار یک درصد از جمعیت آن قرار دارد و علاوه بر این سعی می‌کند از امکانات سایر کشورها نیز به نفع خود استفاده کند؛ به عبارت دیگر حتی فقر خود را صادر و از مواد اولیه، نیروی کار ارزان



و بازار مصرف سایر کشورها بهره‌برداری می‌کند. این حرص و طمعی که در یک طبقه خاص ایجاد می‌شود به هیچ وجه قابل اشباع نیست؛ بنابراین عامل بروز فقر در یک جامعه، وجود امکانات کم نیست بلکه به نسبتی مربوط به ساختار و سازمان اجتماعی آن جامعه است. اگر الگوی توزیع و تخصیص امکانات اجتماعی و قوانین تخصیص، تولید، توزیع و مصرف، قوانین درستی باشد - که در فرهنگ اسلامی درباره همه‌ی این موارد، مطالب بسیار زیادی وجود دارد - فقر و بیکاری و ظلم و استثمار به شکلی که امروز در جهان وجود دارد بروز نخواهد کرد. اگر کسی بخواهد از این نظر دفاع کند بهتر است از بحث‌های احساسی فاصله بگیرد و به بحث دقیق علمی بپردازد. اگر الگوهای زندگی تغییر کند، وجود چه امکانی برای چه جمعیتی لازم است؟ انسان حریصی که همه دنیا را در اختیار دارد، به فرموده امام (ره)، اگر بداند که در سایر کرات هم چیزی هست می‌گوید: من آن را هم می‌خواهم. البته این فرمایش امام مربوط به اصل خداجویی انسان است که امروزه شکل مادی غلطی پیدا کرده است. انسان دنبال مطلق است و از آنجا که مطلق در دنیا و در امور مادی قرار ندارد بنابراین انسان می‌خواهد همه چیز را در تملک خود داشته باشد. این اندیشه و ساختار اجتماعی متمرکز و نظام تولید و توزیع متمرکز لوازم خاصی دارد. بدین ترتیب طبقه‌بندی مصرفی و به عبارتی طبقه‌بندی اقتصادی در جامعه به وجود می‌آید که طبقات پایین را نسبت به طبقه بالاتر و آخرین طبقه را نیز نسبت به اوها و آمال تحریک می‌کند که البته هیچ یک از آنها هم اشباع نخواهد شد. این از لوازم خاص این الگو است. با تغییر این الگو همه چیز تغییر خواهد کرد. حال اینکه الگوی اسلامی چیست و کدام یک از احکام اقتصادی و اجتماعی اسلام باید در بخش تولید، توزیع، مصرف و در بخش معاملات پولی، به کار گرفته شود، از مباحث دقیق اقتصادی است. پس از این تحلیل نوبت به برنامه‌ریزی متناسب با شرایط موجود است. در این برنامه‌ریزی باید دقت کرد که بار دیگر جامعه دچار جهش جمعیتی نشود. البته بسیار بعید



است که چنین جهشی اتفاق افتد. ولی به هر حال برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران جامعه باید به عواقب سوء جهش جمعیت توجه داشته باشند.

۵- راهکارهای افزایش جمعیت در وضعیت کنونی

در این زمینه راهکارهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی وجود دارد که باید به آن‌ها توجه کرد. این راهکارها باید ناظر به ریشه‌های رکود جمعیتی باشد. به عبارت دیگر راهکارهای مقابله با مشکل باید متناسب با علت بروز مشکل باشد. راهکارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی وجود دارد. اما مسلم این است که راهکار اصلی باید متناسب با علت بروز مشکل باشد.

الف) راهکارهای کم‌اثر برای افزایش جمعیت

به عنوان راهکار اقتصادی، می‌توان یارانه‌های جلوگیری از بارداری و وسایل پیشگیری را حذف کرد. ظاهراً در چند روز اخیر هم وزارت بهداشت و درمان، چنین تصمیمی داشته و بودجه مربوط به این امر را حذف کرده است. بدین ترتیب اگر کسی بخواهد خود را مقطوع‌النسل کند، باید هزینه‌های آن را بپردازد. چرا که دولت هیچ یارانه‌ای در این زمینه پرداخت نخواهد کرد. این اقدامات اثر جزئی دارد؛ همچنین ارائه تسهیلات مالی به کسی که قصد فرزنددار شدن دارد با آنکه مؤثر است اما کم‌اثر می‌باشد. در مثالی دیگر اگر با طبقه‌بندی یارانه‌ها به بیش از چهار فرزند هم کوپن داده شود، بیمه شوند و یا حتی به فرزندان بیشتر یارانه بیشتری داده شود کم‌اثر است؛ اگر هم مؤثر باشد ممکن است جمعیت را به صورت نامتعادل افزایش دهد؛ به این معنا که زادوولد در مناطقی که مردم فقر اقتصادی شدید دارند افزایش می‌یابد. البته شاید این طرح بهتر باشد که یارانه پرداخت شود، اما تا زمان معینی در اختیار خانواده قرار نگیرد. مانند پیشنهاد دولت نهم که برای هر کودکی که به دنیا می‌آید یک



سپرده بانکی افتتاح شود و به مرور هم دولت و هم خانواده مبلغ سپرده را افزایش دهند. شاید آثار منفی این شیوه کم‌تر باشد ولی به هر حال ممکن است جمعیت را نامتوازن کند. اگر بر این اساس در مناطق محروم جمعیت افزایش یابد هیچ تضمینی وجود ندارد که این جمعیت به صورت کیفی پرورش و تربیت شود. خانواده‌هایی که به محض بهتر شدن نسبی وضعیت اقتصادی حاضر به بچه‌دار شدن می‌شوند، معلوم نیست بتوانند فرزندان خود را خوب تربیت کنند. بنابراین این اقدام نیز خیلی مؤثر نخواهد بود. به نظر می‌رسد ابتدا باید تبلیغات فراوان رسانه‌ای اعم از رسانه‌ی ملی و غیرملی، در مورد کاهش جمعیت قطع شود. بعضی از این تبلیغات مستقیم و بعضی از آنها غیرمستقیم است. در تبلیغات مستقیم خانواده‌های پرجمعیت را به سخره می‌گیرند و خانواده‌های کم جمعیت را بهره‌مند و در رفاه نشان می‌دهند؛ در تبلیغات غیرمستقیم یک زندگی متداول بدون فرزند یا با فرزند کم، تبلیغ می‌شود. امروزه در فیلم‌های ایرانی و حتی در سریال‌های خارجی به ندرت فرزندى وجود دارد. اگر هم بیش از یک یا دو فرزند در فیلمی باشد، حتماً جنبه‌ی طنز دارد. به هر حال این تبلیغات جامعه را به سمت کاهش جمعیت سوق می‌دهد.

می‌توان تولید این گونه فیلم‌ها و سریال‌ها را محدود کرد و یا بر خلاف آنها فیلم ساخت. بهترین عامل تبلیغ سبک زندگی خاص و ترویج آن تولیدات نمایشی و بستر تحقق آن صدا و سیما است. رسانه‌ها می‌توانند به راحتی آداب متفاوتی را در زندگی تبلیغ کنند و یک سبک را زشت و دیگری را زیبا نشان دهند. با این حال تمام این اقدامات هم کم‌اثر است.

ب) ارائه الگوی حضور اجتماعی زنان، متناسب با ازدواج و زادوولد

مهمترین عامل، حضور اجتماعی زنان است. حضور اجتماعی زنان نباید مانع ازدواج و زادوولد تلقی شود. باید الگوهایی به جامعه عرضه شود که نشان دهد زنان با وجود تحصیل و اشتغال موفق بوده‌اند و فرزندان موفقى را نیز تربیت کرده‌اند. در این الگوسازی باید نشان



داد که اشتغال زنان مانع همسررداری و فرزندداری نیست. می‌توان زنان موفق را که علاوه بر حضور اجتماعی مناسب، در وظیفه همسررداری و فرزندداری خود هم موفق بوده‌اند به عنوان الگو معرفی کرد. در تبلیغات باید نقش مهم محیط خانواده را در تربیت فرزندان و تأثیر آن در سیاست، اقتصاد و فرهنگ جامعه تبیین کرد. خانواده اولین کانون تربیت انسان است. جامعه‌ای که فرزندان در کانون خانواده تربیت نشود و بنیان خانواده در آن به جای محبت و ایثار بر پایه جنگ و ستیز و تخریب شکل گیرد دچار مشکلات خانوادگی است. وجود چنین مشکلی در جوامع غربی به راحتی قابل مشاهده است. بنابراین نباید تصور کرد که حضور زنان در فعالیتهای اجتماعی تنها عامل ارتقای شخصیت اجتماعی آنان است و برعکس خانه‌داری و ایجاد محیط امن و ایثار و محبت در خانه برای تربیت مناسب فرزند ضدارزش و کاری بی‌هوده است که تأثیری در اجتماع ندارد. شخصیت‌های بزرگ هر کشوری تحت تربیت مادرانی متعهد و در یک محیط سالم خانوادگی پرورش یافته‌اند. باید مشخص کرد که حضور اجتماعی زنان در کجا و به چه صورتی مناسب و کجا و به چه صورتی غیرمناسب است. این نکته درباره آقایان هم مطرح است. اما از آنجا که عامل اصلی افزایش جمعیت زنان هستند، حضور اجتماعی مناسب زنان از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا سن بارداری زنان محدود است.

ج) مناسب‌سازی رشته‌های تحصیلی با خصوصیات جنسی

یکی از اقدامات مؤثر، مناسب‌سازی رشته‌های تحصیلی با ضرورت‌های اجتماعی و با خصوصیات جنسی است. یکی از مشکلات این است که بعضی از رشته‌ها که انتقال دانش و مهارت در آن به سادگی انجام می‌شود مانند رشته‌های علوم انسانی، در هر دانشگاهی وجود دارد و هر دانشگاه غیرانتفاعی‌ای نیز در یک محیط بسیار محدود این رشته‌ها را ارائه می‌دهد. حتی مدیریت این دانشگاه‌ها از مدیریت یک مهدکودک هم ساده‌تر است. بنابراین در عمل



ورودی بعضی از رشته‌ها، افزایش می‌یابد که متناسب با شرایط کشور نیست. اگر مردی در رشته‌ای که با شرایط کشور سازگار نیست تحصیل کند دریافت شغل با مشکل مواجه می‌شود و در نتیجه نمی‌تواند ازدواج کند. زنان هم پس از تحصیلات دانشگاهی با توجه به اینکه مناسبات اجتماعی‌شان تغییر می‌کند به سادگی نمی‌توانند ازدواج کنند. این در حالی است که اگر جمعیت یک منطقه بیش از حد باشد، برای پیدا کردن شغل، رقابت ایجاد می‌شود. از طرفی تعدادی از این مشاغل محدود هم توسط خانم‌ها تصاحب می‌شود که ممکن است ازدواج کرده باشند و همسرشان هم شاغل باشد؛ در این صورت یک موقعیت شغلی را اشغال کرده و مانع ورود مرد جوانی می‌شود که می‌تواند به وسیله این شغل درآمد کسب کرده و ازدواج کند. بدین ترتیب رقابت بر سر تصاحب شغل افزایش می‌یابد و مشکلاتی را به وجود می‌آورد. بنابراین باید مشخص شود که کشور در هر رشته‌ای اعم از کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکترا و... به چند نفر فارغ‌التحصیل در سال‌های آینده نیاز دارد تا متناسب با نیاز کشور دانشجو پذیرفته شود. به صرف وجود ظرفیت دانشگاه‌ها نباید دانشجو پذیرفته شود. نکته دوم این است که رشته‌ی تحصیلی باید با جنسیت دانشجو هماهنگ باشد. امروزه این عدم تناسب در جامعه وجود دارد. بعضی از آقایان و خانم‌ها در رشته‌هایی تحصیل می‌کنند که تناسبی با جنسیت آنها ندارد. باید با تحقیقات جامعه‌شناسی، روانشناسی مبتنی بر معارف اسلامی مشخص شود که به تناسب خصوصیات جسمی، فکری، روحی و نقش‌هایی که زن و مرد در خانواده و اجتماع باید ایفا کند، در چه رشته‌هایی باید تحصیل کنند؛ کدام رشته‌ها مختص مردان و کدام رشته‌ها مختص زنان باشد و کدام رشته‌ها مشترک باشد؟ باید روشن شود که در هر رشته‌ای به چه نسبتی نیاز به تحصیل خانم‌ها و به چه نسبتی نیاز به حضور مردان وجود دارد. بدین ترتیب افراد، متناسب با ضرورت‌های خانوادگی، تمدنی و اجتماعی رشد پیدا کنند و پس از تحصیل در دانشگاه دانش و مهارت آنها مورد استفاده جامعه



قرار گیرد. این برنامه‌ریزی باید مانع ایجاد توقعات نابجا در افراد شود. تحصیلات دانشگاهی نباید باعث شود که افراد کار کردن در برخی مشاغل را دون شأن خود بدانند. این نکته درباره ازدواج نیز مطرح است.

(د) پیگیری و دفاع از عدالت جنسیتی

وضعیت کنونی جامعه عدالت جنسیتی را بر هم زده است. نمونه بارز این عدم عدالت این است که پسرها بعد از دیپلم یک یا دو سال فرصت دارند که وارد دانشگاه شوند. اگر در این دو سال نتوانند وارد دانشگاه شوند باید به سربازی بروند. سربازی حدود دو سال طول می‌کشد. پسرها در همین یک یا دو سال یا از ادامه تحصیل منصرف می‌شوند یا حداقل طی این مدت از محیط تحصیلی دور می‌شوند. به همین دلیل در رقابت کنکور با خانم‌ها، تعداد پذیرفته‌شدگان مرد کمتر می‌شود. حتی اینکه تعداد شرکت‌کنندگان مرد کمتر می‌شود، یک علتش به این برمی‌گردد. اگر رقابت آزاد باشد و عدالت جنسیتی رعایت شود خوب است اما باید متناسب با شرایط کشور، برای خانم‌ها هم طی کردن دوره‌هایی را تعریف کرد. خانم‌ها هم می‌توانند به شکل محدودتری آموزش نظامی ببینند. البته می‌توان برای خانم‌ها آموزش‌های متفاوتی را طی این دو سال تعریف کرد؛ دفاع غیرنظامی، امداد پزشکی، کمک‌های اولیه و... که می‌تواند در زندگی خانوادگی هم کاربرد داشته باشد. این آموزش‌ها می‌تواند متناسب با شرایط جنگ تعریف شود که تعداد زیادی از مردان مجبور می‌شوند به جبهه‌ها بروند و در نتیجه اداره کشور بیشتر به دست خانم‌ها خواهد بود. همان گونه که پسرها برای مقابله با حمله ناخواسته آموزش نظامی می‌بینند و باید به جبهه‌ها هجوم ببرند، خانم‌ها هم باید متناسب با خود آموزش ببینند و در وضعیت بحرانی به کشور کمک کنند. البته جایگاه زنان و نقشی را که باید در زمان جنگ بازی کنند متفاوت است. در صورت اجرای چنین طرحی تعادل جنسیتی برقرار می‌شود و در نتیجه در پذیرش رشته‌های دانشگاهی نیز تعادل



جنسیتی به وجود می‌آید. باید برای خانم‌هایی که می‌خواهند استخدام رسمی شوند یا حدی از فعالیت‌های اجتماعی را بپذیرند طی کردن این دوره اجباری باشد.

(و) مناسب‌سازی شغل متناسب زنان یا مردان

تناسب شغل و وضعیت جنسی هم باید تعریف شود. باید بتوان در برنامه‌ریزی‌ها همچنین در کارهای فرهنگی، تناسب شغل را تعریف کرد. حقیقت این است که شایسته یک زن مسلمان ایرانی نیست که در مشاغل پستی کار کند که بعضی از مردان حاضر به انجام آن نیستند. مشاغلی که دستمزد بسیار پایینی دارد و تنش‌های روحی و روانی زیادی است شایسته نیست که یک خانم تلفنچی، منشی و یا فروشنده بوده و همیشه با مردان و زنان در ارتباط باشد و مدام تنش‌های اجتماعی را تحمل کند، فقط به این دلیل که این مشاغل دستمزد بسیار پایینی دارند و مردان حاضر نیستند در این مشاغل کار کنند. در بعضی شرکت‌های خصوصی، فروشگاه‌ها و حتی سوپرمارکت‌ها و مغازه‌ها از خانم‌هایی استفاده می‌شود که دستمزدشان با هزینه رفت و آمد و پوشاکشان، تفاوت چندانی ندارد. آنها فقط برای اینکه شاغل باشند به این‌گونه مشاغل تن می‌دهند. چرا که شخصیت اجتماعی را در شاغل بودن می‌دانند و خانه‌داری، فرزندداری و همسرداری را مغایر با شئون اجتماعی تصور می‌کنند. بدین ترتیب با حضور زنان در این مشاغل دستمزد آن شغل‌ها پایین آمده و این فرصت‌های شغلی از مردان گرفته می‌شود. بنابراین مناسب‌سازی شغل و کیفیت شغل از مباحث مهم در این رابطه است، می‌توان بسیاری از شغل‌هایی را که امکان دورکاری در آنها وجود دارد، به عهده‌ی خانم‌ها گذاشت. بدین ترتیب یک خانم همزمان که در خانه حضور دارد و نیاز به حضور اجتماعی زیادی ندارد، می‌تواند امور شغلی خود را انجام دهد. امروزه بسیاری از کارهای رایانه‌ای را می‌توان در محیط خانه انجام داد. مشاغلی مانند خیاطی خانم‌ها، بهداشت و درمان خانم‌ها و امثال آنها اموری هستند که باید به عهده زنان باشد. در این گونه مشاغل، زنان مجبور نیستند



مانند کارمندان بانک از ابتدای صبح تا بعد از ظهر در محل کارشان حضور داشته باشند، زن در این وضعیت نمی‌تواند به وظایف خود در قبال فرزندان و همسر خود بپردازد. زن در چنین محیطی از قبیل صندوق‌دار بانک مدام با افراد مختلف برخورد دارد و نگران است که در دریافت و پرداخت‌ها دچار اشتباه نشده و در پایان روز کاری با کسری پول مواجه نشود؛ بنابراین مشاغل باید از نظر نوع کار، ساعات حضور، محیط کار و... مناسب‌سازی شوند. حضور خانم‌ها در محیط‌های محفوظ‌لوازمی دارد که با محیط‌های مختلط متفاوت است. محیط‌های کاری زنان تا آنجا که ممکن است باید مخصوص خانم‌ها باشد. برای مثال زنان باید در محیط بیمارستان مخصوص زنان، محیط آموزشی مخصوص زنان، محیط پرورشی مخصوص زنان و حتی محیط خرید و فروش مخصوص زنان به فعالیت بپردازند. این امر در اصلاح وضعیت نقش مهمی خواهد داشت.

ه) عبور از ازدواج‌های سخت به ازدواج‌های آسان

از دیگر بحث‌های مهم، ازدواج آسان است. موانع ازدواج بیش از هر چیز ناشی از نوع مسائل روحی، روانی و بینشی است. تصور می‌شود محدودیت مسکن و شغل مانع اصلی ازدواج است، اما همه اینها به تعریف شغل و مسکن بستگی دارد؛ یعنی آیا زندگی یک زوج جوان همراه با پدر و مادر و استفاده از امکانات منزل والدین در آغاز زندگی ممکن نیست؟ در بعضی از خانواده‌ها انجام می‌شود نتیجه خوبی هم داشته است؛ در این شیوه مقدار هزینه‌های زندگی زوج جوان کاهش پیدا می‌کند و آنها می‌توانند با درآمد کمتری زندگی مشترک را شروع کنند. ازدواج‌هایی که با مشکلات اقتصادی اما همدلی و همفکری شروع می‌شوند. در آینده به زندگی بهتری می‌رسند. در این صورت زندگی شیرین‌تری خواهند داشت. لازم نیست از اول توقع طرفین این باشد که پسر منزل و ماشین و شغل پردرآمد و دختر جهیزیه کامل داشته باشد. می‌توان ازدواج را با عقد شروع کرد و هم خانه شدن به تأخیر بیفتد؛ در



بعضی از شهرستان‌ها مانند قم، مرسوم است که بین عقد و هم‌خانه شدن دو یا سه سال فاصله وجود دارد. در این سه سال جهیزیه فراهم می‌شود و پسر هم تحصیلات یا شغل خود را کامل می‌کند. بنابراین در ازدواج باید به سمت سهل‌گیری رفت و ازدواج را به یک امر آسان تبدیل کرد. ازدواج آسان هم باید بین افرادی که ازدواج اولشان است محقق شود و هم بین افرادی که در ازدواج اول خود شکست خورده‌اند یا همسر نامطلوب داشته‌اند و یا همسر خود را در اثر حادثه از دست داده‌اند. امکان ازدواج آسان باید برای این افراد هم فراهم شود. براساس آموزه‌های دینی کسی که ازدواج می‌کند نیمی از دینش را حفظ کرده است. زن و مرد ستر و حجاب یکدیگرند خداوند از خزان غیب خود به زن و مردی که ازدواج می‌کنند می‌بخشد. خداوند می‌فرماید شما دختران و پسران فقیر را به ازدواج یکدیگر در آورید؛ ما خود از خزانه غیب به آنها می‌بخشیم. نفرموده‌اند اول پول دار شوید بعد ازدواج کنید. اینها مواردی است که اگر مورد توجه قرار گیرند مؤثر واقع می‌شوند. این موارد از محورهای مهم افزایش حیا و غیرت اجتماعی هستند. خلاصه اینکه آنچه به حیا و غیرت اجتماعی لطمه می‌زند باید از زندگی و محیط اجتماعی حذف شود. متأسفانه بعضاً در رسانه‌ها به مسأله حیا و غیرت، طعنه می‌زنند و باعث تضعیف آن می‌شوند. اگر این معضلات حل شود محیط اجتماع دیگر محیط بهره‌مندی و تحریک جنسی نخواهد بود و اشباع جنسی تنها در محیط خانواده خواهد بود.

(پایگاه خبری تحلیلی ۵۹۸ ۹۱/۹/۲۸)

ایرج ندیمی (عضو کمیسیون اقتصادی مجلس) با تأکید بر سیاست‌های جمعیتی اظهار کرد:

ساماندهی شیوه ازدواج و نرخ فرزندآوری

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس با بیان اینکه تأخیر در ازدواج و کاهش تمایل جوانان به زندگی مشترک در رشد جمعیت تأثیر منفی دارد، گفت: تا زمانی که میزان ازدواج در جامعه افزایش نیابد، زادوولد نیز رشد نمی‌کند. ایرج ندیمی در گفت‌وگو با خبرنگار اجتماعی



خبرگزاری خانه ملت، با بیان اینکه در مورد رشد جمعیت دو دیدگاه وجود دارد، اظهار داشت: یک دیدگاه این است که متأهلان دارای فرزندان بیشتری شوند و دیدگاه دوم این است که میزان ازدواج در سطح جامعه افزایش پیدا کند تا شاهد رشد میزان فرزندآوری باشیم. نماینده مردم لنگرود در مجلس شورای اسلامی با مدنظر قرار دادن این موضوع که تعداد زیادی از جوانان به رغم دارا بودن شرایط لازم و سن مناسب از ازدواج خودداری می‌کنند، تصریح کرد: متأسفانه برخی از مسائل مالی و اقتصادی موجب کاهش تمایل جوانان به تشکیل خانواده و تاخیر در ازدواج آنان شده است. وی در ادامه افزود: برخی از جوانان با دارا بودن دیدگاه معنوی و با اعتقاد به این موضوع که خداوند زوجین را تنها نمی‌گذارد و به آنها روزی می‌رساند، اقدام به ازدواج می‌کنند و این مساله که حتما باید دارای مسکن و شغل دولتی باشند، برایشان اهمیتی ندارد. این نماینده مجلس نهم با ابراز تأسف از اینکه جوانان بسیاری دیدگاه مادی نسبت به ازدواج دارند، یادآور شد: اعتقاد و دیدگاه برخی از جوانان این است که باید دارای مسکن، شغل و درآمد مکفی باشند تا بتوانند نسبت به آغاز زندگی مشترک اقدام کنند و این دیدگاه مانع از ازدواج این افراد شده و به همین نسبت کاهش رشد جمعیت و زادوولد را شاهد هستیم. عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با اشاره به کاهش میزان رشد جمعیت در کشور یادآور شد: تا زمانی که شرایط ازدواج در جامعه تسهیل نشود و تمایل جوانان به تشکیل زندگی مشترک و زادوولد افزایش نیابد، تغییری در رشد جمعیت به وجود نمی‌آید. (خانه ملت ۹۱/۵/۱۶)

دکتر شهرام رفیع (رییس مرکز بهداشت خوزستان) در گفتگو با خبرگزاری دانشجویان ایران: چرا مردم باید به فرزندآوری تشویق شوند؟

رییس مرکز بهداشت خوزستان گفت: جمعیت ایران به سمت سالمندی پیش می‌رود و سیاست کشور به گونه‌ای است که باید مردم به افزایش باروری تشویق شوند و ضمن آن،



سلامت باروری‌ها نیز باید تأمین شود. دکتر شهرام رفیع در گفت‌وگو با خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) - منطقه خوزستان - با بیان این که بهتر است باروری از سن ۱۸ سالگی در زنان آغاز شود، اظهار کرد: از ۱۸ تا ۳۵ سالگی بهترین سن برای باروری است. پس از این سن ممکن است مادر یا فرزند دچار مشکلاتی شوند که به همین دلیل باروری در سنین بالاتر توصیه نمی‌شود. وی افزود: بهتر است بین هر باروری فاصله‌ای سه ساله باشد تا مادر نیروی باروری داشته باشد، با این وجود یک زن می‌تواند در این دروه چهار زایمان موفق و ایمن داشته باشد. رفیع تصریح کرد: البته بسیاری از خانواده‌ها ترجیح می‌دهند تعداد فرزند کمتری داشته باشند که برای پیشگیری از سالمند شدن جامعه باید با کمک رسانه‌ها این مشکل حل شود. وی ادامه داد: افرادی که فکر می‌کنند از لحاظ اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و تربیتی می‌توانند چهار فرزند داشته باشند باید به فرزندآوری تشویق شوند. در دوره‌ای رسانه‌ها داشتن بیش از سه فرزند را به جامعه بد معرفی کردند که البته در این امر زیاده‌روی هم شد و تا حد زیادی با کاهش باروری مواجه شدیم. اکنون همین رسانه‌ها دوباره می‌توانند فرهنگ فرزندآوری را بین مردم جا بیندازند. رییس مرکز بهداشت خوزستان عنوان کرد: از آن‌جا که سطح توقع فرزندان افزایش یافته خانواده‌ها تصور می‌کنند، نمی‌توانند از لحاظ اقتصادی تأمین‌کننده فرزندانشان باشند. در این موارد الگوی انتخاب‌شده برای زندگی اشتباه است که در این زمینه رسانه‌ها باید مشکل را حل کنند. (ایسنا ۹۱/۷/۱۱)

افروز (عضو هیأت علمی دانشگاه تهران):

کاهش طلاق از راهکارهای افزایش جمعیت است

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران گفت: در کشور ما از هر چهار نفری که ازدواج می‌کنند، یک نفر طلاق می‌گیرد. به گزارش خبرنگار «اجتماعی» خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) منطقه خراسان، دکتر غلامعلی افروز در نشست توجیهی، آموزشی مطلع مهر که در هتل



الغدير مشهد برگزار شد، خاطرنشان کرد: یکی از مؤلفه‌های کاهش جمعیت، طلاق است و اگر بخواهیم به سیاست جمعیتی بیندیشیم، باید به کاهش طلاق و افزایش خانواده‌های شاد و گرم که نتیجه‌ی ادامه ازدواج است بپردازیم. رییس گروه روانشناسی طرح مطلع مهر در توصیف زن آرامش‌گر، گفت: همسری آرامش‌گر است که همه محبت، ایثار، شجاعت، عدالت و مودت را تقدیم همسرش کند و اگر گاهی اوقات رفتارهای محبت‌آمیز یک‌سویه باشد، زوجین باید از روی معرفت، عشق و محبت را تقدیم همسرش کند. افروز ضمن اشاره به اینکه زن و شوهر دو رکن اصلی خانواده هستند، تصریح کرد: خانواده تنها نهاد بی‌بدیل، طبیعی، فطری و جاودانه انسان است و همه نهادها باید در خدمت خانواده باشد. وی ریشه همه طلاق‌ها و همسرگزیزی‌ها را در جهان از جمله ایران، دافعه‌های جنسی و روانی دانست و افزود: خانواده باید مرکز انتقال فرهنگ و ارزش‌های دینی باشد و رابطه‌های گرم و صمیمی بین خانواده‌ها برقرار باشد. (ایسنا ۹۱/۷/۲۰)

مهدی خیراللهی (استاد دانشگاه تهران):

تولید نسل باید دغدغه مردم و مسئولان شود

استاد دانشگاه تهران، گفت: برای حفظ جمعیت جوان در کشور باید تلاش کرد و تولید نسل باید به یک دغدغه برای مردم و مسئولان تبدیل شود، والا بی‌توجهی به تولید نسل در کشور، شیعه را به اقلیت می‌کشانند. به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، مهدی خیراللهی امروز در همایش «ازدواج و تحدید نسل شیعه» که در سالن آمفی تئاتر دانشگاه بین‌المللی امام‌خمینی (ره) برگزار شد، اضافه کرد: انجام ازدواج فعل‌هایی چون مستحب، واجب، مکروه، مباح و حرام را با خود همراه دارد و ازدواج یک امر مستحب مؤکد است و اگر فردی احساس کند که به گناه می‌افتد بر او واجب است که ازدواج را عملی کند. وی ادامه داد: امروزه مباحث بیرونی، تحرکات رسانه‌ای و تبلیغات باعث واجب



ساختن ازدواج در جامعه شده است و مقابله غرب و برنامه‌های غربی مقابله با فطرت است. پژوهشگر دانشگاه تهران، تصریح کرد: مقاومت جوانان در برابر ازدواج از جمله عوامل بیرونی برای ازدواج محسوب می‌شود که این مسأله یک برنامه‌ریزی دقیق از سوی شیطان و غرب است. وی تأکید کرد: اگر به تولید نسل در کشور توجه نشود بعد از چند سال شیعه در اقلیت می‌ماند و برنامه‌ها از شیعه به سنی تغییر پیدا می‌کند و در قانون کشور و جهان نیز تأثیرگذار خواهد بود. خیراللهی اضافه کرد: در چند سال آینده جمعیت کشور رو به پیری خواهد رفت و برای حفظ جمعیت جوان در کشور باید تلاش کرد و تولید نسل باید به یک دغدغه برای مردم و مسئولان تبدیل شود. وی اظهار کرد: برنامه‌ریزی جهانی مقطعی نیست و باید سرمایه‌گذاری شود تا اقلیت‌ها افزایش یابد و اگر همین دغدغه را داشته باشیم مشکلات پیش آمده در آینده کاهش خواهد یافت. استاد دانشگاه تهران اضافه کرد: بهترین و تأثیرگذارترین انتقال‌ها، انتقال مفاهیم و ارزش‌ها از طریق نسل و سینه به سینه است. وی ادامه داد: واقعه عاشورا از طریق نسل منتقل شده و بهترین روش رسیدن به اهداف و تبلیغ برنامه‌ریزی نسلی است. خیراللهی تصریح کرد: بیشتر جوانان برای توجیه ازدواج دلایل جنسی را مطرح می‌کنند که این دلایل صحیح نیست و هر آنچه که امروز در جامعه وجود دارد دلیل و نشانه‌ای برای درست بودن نیست. وی افزود: طبق آیات ۲۶ و ۲۷ سوره نوح، حضرت نوح چنین دعا می‌کند «خدایا این کافران را از بین ببر تا کافر و پلیدی متولد نشود» و همچنین حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: مهمترین نکته و مؤلفه تشکیل خانواده تولید نسل فرزندان صالح است. استاد دانشگاه تهران ادامه داد: فرزندان آن گونه که والدین می‌خواهند تربیت نمی‌شوند بلکه آن گونه که والدین هستند تربیت می‌شوند و مفاهیم نیز از طریق وراثت از والدین به فرزندان انتقال پیدا می‌کند و فرزند نیز دارای ویژگی‌های مشترک جسمی، ژنی و رفتاری والدین است و امروزه چند کشور از جمله چین، روسیه و چند کشور



اروپایی در جریان وراثت مشغول به کار هستند. وی گفت: ازدواج و رابطه دختر و پسر که منجر به رابطه همسری شود یک موضوع و رابطه فطری است و جریان ازدواج یک مسأله تلقینی و تحمیلی نیست. خیراللهی خاطرنشان کرد: انسان قدرت تعقل دارد و هر تصمیم را با چرایی انجام می‌دهد و اگر کسی از علت انجام کاری آگاهی نداشته باشد مانند کسی است که آن کار را انجام نداده و زندگی نکرده است. وی اضافه کرد: وظیفه شرعی، اخلاقی و انسانی افراد جامعه است که واسطه ازدواج افرادی باشند و آنان را به طبیعت و اصل خود بازگردانند. استاد دانشگاه تهران گفت: خانواده‌ها برای مدیریت منابع مالی خود باید سلامت، رفاه، عدالت، امنیت و تربیت را در نظر بگیرند و این در حالی است که خانواده‌ها کمتر به مسأله تربیت و اختصاص بودجه به آن می‌پردازند. وی تصریح کرد: بسیاری از جوانان در جامعه از ازدواج به دلایل مشکلات اقتصادی هراس دارند ولی خداوند در قرآن کریم وعده داده است که «هرکس تقوای الهی پیشه کند روزی خود را دریافت می‌کند» و افراد باید اعتقادات خود را تقویت کنند و ازدواج یکی از راه‌های آزادی از تفکرات شیطنانی است. خیراللهی ادامه داد: درباره اصول زندگی هر آنچه که در دنیا اتفاق می‌افتد منشأ خیر آن از خدا و شر آن از افراد است، خدا می‌بیند و هر روز که می‌گذرد انسان یک گام به مرگ نزدیک‌تر می‌شود. وی با اشاره به نزدیکی زمان انتخابات پارلمان اسرائیل افزود: بهمن ماه انتخابات پارلمان اسرائیل آغاز می‌شود و اسرائیل بیشترین هزینه‌ها را برای برقراری امنیت انجام می‌دهد و به همین دلیل در ماه‌های اخیر دچار مشکلات اقتصادی شده و هزینه‌های نظامی بیشترین هزینه‌های این رژیم را شامل می‌شود. استاد دانشگاه تهران یادآور شد: اسرائیل در راستای تظاهرات ۴۰۰ هزار نفری مردم در پی اعتراض به مشکلات اقتصادی و برای اینکه مشکلات اقتصادی را توجیه و قدرت نظامی خود را در منطقه اثبات کند جنگ هشت روزه غزه را آغاز کرد که در پایان منجر به شکست آنها شد. (ایسنا ۹۱/۹/۸)





حجت الاسلام احمد واعظی (رئیس دفتر تبلیغات اسلامی قم):

حکم اولیه اسلامی بر افزایش جمعیت دلالت می‌کند

حجت الاسلام احمد واعظی رئیس دفتر تبلیغات اسلامی قم در نشست هم‌اندیشی با شورای عالی انقلاب فرهنگی، با بیان اهمیت دو مسأله رفع مشکلات اقتصادی و فرهنگ سازی در بحث افزایش جمعیت گفت: نکته‌ای که به حوزویان مربوط می‌شود تنبیه و تنقیح یک نظریه جامع اسلامی در باب جمعیت است چرا که بحث جمعیت فقط متوجه مطلوبیت کثرت جمعیت نمی‌شود. وی اضافه کرد: بحث کثرت جمعیت در اندیشه دینی به عنوان یک موهبت الهی قلمداد شده و یکی از چیزهایی است که در محضر خدا از آن با عبارت «اللهم نشکو الیک من قله عددنا» شکوا شده و نشان‌دهنده این است که کمبود جمعیت نقص محسوب می‌شود. رئیس دفتر تبلیغات اسلامی قم تصریح کرد: با توجه به مشکل موجود و این‌که حوزه باید در مورد آن نظریه‌پردازی کند، باید نظریه‌ای جامع در رابطه با جمعیت طراحی کنیم و لازم است در آن نظریه جامع، بحث نظام مطلوب اشتغال و جایگاه اشتغالی و اجتماعی بانوان مطرح و مشخص شود. وی با اشاره به این‌که این نظریه جامع ابعاد مختلفی دارد که باید به خوبی ترسیم شوند اظهار داشت: بحث مربوط به جمعیت وجوه ثابت و متغیری دارد که در وجه ثابت آن باید به نظریه و دیدگاه روشنی از منظر دین نسبت به

مقوله‌های اشتغال و تحصیل بانوان و الگوی خانواده مطلوب اسلامی برسیم. حجت‌الاسلام احمد واعظی به بیان وجوه متغیر بحث جمعیت پرداخت و ابراز داشت: این محور مربوط به واقعیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه می‌شود که در بستر زمان تغییر می‌کنند. وی خاطر نشان کرد: یک کشور با توجه به رواج دولت ملت، مناسبت‌های زمانی، توزیع ناعادلانه امکانات و مشخصاتی که در سطح جهانی صورت می‌گیرد در وضعیت‌های متغیری روبه‌رو قرار می‌گیرد که باعث مدیریت‌های کلان در سیاست‌های جمعیتی آن کشور می‌شود. رئیس دفتر تبلیغات اسلامی قم ادامه داد: پس از برهه‌ای از زمان که تمام قوا در کنترل جمعیت به خدمت گرفته شد، جامعه فکری و فرهنگی ما سلیقه‌ای ثانویه در بحث جمعیت پیدا کرد و به سبب تبلیغاتی که از منظر اسلامی به آن دمیده شد به رنگ اسلامی درآمد. وی خاطر نشان کرد: یکی از کارهایی که برای اقناع جامعه و توجیه بحث جمعیت باید به آن اهمیت داد این است که تبیین شود سیاست‌های کنترلی جمعیت مربوط به احکام ثانویه و مقولات حکومتی است و حکم اولیه اسلامی بر افزایش جمعیت دلالت می‌کند. حجت‌الاسلام احمد واعظی با اشاره به این که مقوله فرهنگ‌سازی و نظام زیباشناختی با هم درآمیخته هستند، اضافه کرد: هر جا که به دنبال تغییر ذائقه فرهنگی باشیم با مقوله زیباشناختی درگیر می‌شویم، چون انسان‌ها در افعال اختیاری خودشان تابع نظام زیبا شناختی هستند. وی تصریح کرد: نظام زیباشناختی حاکم بر جامعه ما با ارزش‌های اسلامی فاصله گرفته و فرهنگ غرب در زمینه‌هایی خودش را بر ما به ویژه به اقشار و زوج‌های جوان ما تحمیل کرده است و باعث شده که این حالت فردگرایی و تغییر نگاه به فرزند به وجود آمده است. (رسا ۹۱/۹/۲۳)



قرائتی (رییس ستاد اقامه نماز کشور):**افراد دخیل در کنترل جمعیت، توبه کنند**

رییس ستاد اقامه نماز کشور با بیان این که همه کسانی که در موضوع کنترل جمعیت دخیل بوده‌اند، باید توبه کنند. به گزارش مشرق به نقل از حوزه نیوز، رییس ستاد اقامه نماز کشور با بیان این که همه کسانی که در موضوع کنترل جمعیت دخیل بوده‌اند، باید توبه کنند، گفت: هر وقت ما از قرآن فاصله گرفته‌ایم، سیلی خورده‌ایم و یکی از راه‌های مهجوریت قرآن این است که با معانی الفاظ بازی می‌شود. حجت‌الاسلام و المسلمین قرائتی در بخش دیگری از سخنان خود به سیاست‌های اعمال شده کنترل جمعیت اشاره کرد و گفت: زمانی که موضوع کنترل جمعیت مطرح شد، اساتید زیادی با من تماس گرفتند که در تلویزیون در رابطه با این موضوع صحبت کنم، گفتم اگر یک آیه‌ای در این زمینه در قرآن پیدا کردید من صحبت می‌کنم. وی با بیان این که همه کسانی که در موضوع کنترل جمعیت دخیل بوده‌اند، باید توبه کنند، ادامه داد: هر وقت ما از قرآن فاصله گرفته‌ایم، سیلی خورده‌ایم و یکی از راه‌های مهجوریت قرآن این است که با معانی الفاظ بازی می‌شود. (مشرق نیوز ۹۱/۸/۷)

حجت‌الاسلام پوریانی (رییس مرکز مطالعات اجتماعی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی):**تغییر سبک زندگی نقش مهمی در کاهش جمعیت داشته است**

مدیر مرکز مطالعات اجتماعی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی تغییر سبک زندگی در میان خانواده‌ها و زوجین را یکی از مهمترین دلایل عدم تمایل به فرزندآوری دانست. حجت‌الاسلام محمدحسین پوریانی در گفتگو با خبرنگار مهر، اظهار داشت: رشد جمعیت ایران در حال حاضر به ۱/۳۳ رسیده است و اگر این روند ادامه پیدا کند در سال ۱۴۲۰ رشد منفی جمعیت برای کشورمان ایجاد خواهد شد. وی ادامه داد: این موضوع می‌تواند به صورت یک معضل اجتماعی خود را نشان دهد و لازم است تا برای حل آن سیاست‌های جمعیتی



لازم در نظر گرفته شود. پوریانی با تأکید بر اینکه بعضی کشورهای پیشرفته سعی می‌کنند با جذب نخبگان این مشکل را برطرف کنند، گفت: البته چنین کاری در کشور ما ممکن نیست و ما باید با استفاده از نیروی متخصص و نخبه داخلی به سمت رشد و توسعه قدم برداریم.

اهداف سیاست‌های کنترل جمعیت ۲۰ سال زودتر حاصل شد

وی در این زمینه افزود: جامعه ما به اهداف سیاست‌های کنترل جمعیت ۲۰ سال زودتر دست یافت و این در حالی است که تأکید اصلی اسلام بر افزایش جمعیت است. پوریانی تأکید کرد: دلایل مختلفی برای افزایش جمعیت وجود دارد و دلیل اصلی اسلام توجه به مشیت الهی در مورد ازدیاد اولاد است. وی با اشاره به اینکه اسلام هم به بعد کیفی و هم کمی در کنار هم توجه دارد، گفت: از جمله مواردی که در متون دینی به منظور افزایش جمعیت مورد توجه قرار گرفته است می‌توان به تشویق جوانان به ازدواج، تشویق زوجین برای فرزندان شدن و مهمتر از همه حفظ شوکت و جایگاه مسلمانان یاد کرد. پوریانی تصریح کرد: البته خطوط قرمزی نیز وجود دارد تا این افزایش جمعیت کنترل شود و در اسلام توجه به حفظ بنیان خانواده، برنامه‌ریزی و آینده‌نگری نیز بسیار مورد توجه است. مدیر مرکز مطالعات فرهنگی و اجتماعی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی افزود: در نظریات جمعیتی عده‌ای معتقد به افزایش جمعیت، عده‌ای کاهش جمعیت و عده‌ای نیز تناسب جمعیت هستند.

در حال حاضر هزینه‌های فرهنگی برای افزایش جمعیت بیشتر از گذشته است

وی با بیان اینکه با توجه به وضعیت کنونی باید سیاست‌های افزایشی مورد توجه واقع شود، گفت: همان طور که رهبر انقلاب اسلامی فرمودند باید طی ۱۰ سال گذشته این سیاست‌های تعدیل اتفاق می‌افتاد و الان به لحاظ فرهنگی حتماً هزینه بیشتری را صرف



خواهد کرد. پوریانی اظهار داشت: به نظر می‌آید در حال حاضر الگوی سبک زندگی تغییر کرده است و این باید برای افزایش جمعیت مورد توجه باشد، در واقع در گذشته تعدد اولاد برای والدین ما نوعی افتخار محسوب می‌شد اما این رویه در حال حاضر وجود ندارد. وی تأکید کرد: در گذشته زنان اشتغال کمتری داشتند و فرزندآوری و تربیت آن‌ها راحت‌تر بود اما در حال حاضر سن ازدواج افزایش یافته و زمان کافی برای فرزندآوری و آموزش مناسب آن‌ها وجود ندارد. وی همچنین افزود: آنچه در این موضوع مورد توجه است بحث ازدواج و تغییر نگاه زوجین به فرزندآوری است و باید سیاست‌های تشویقی بیشتری مد نظر قرار گیرند. (مهر ۹۱/۹/۲۸)

حجت‌الاسلام پوریانی (رییس مرکز مطالعات اجتماعی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی):
اسلام طرفدار تناسب جمعیت است

به گزارش خبرگزاری رسا به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، گفت‌وگوی دوم از سلسله گفتگوهای بررسی مسأله جمعیت با حجت‌الاسلام پوریانی، رییس مرکز مطالعات اجتماعی با عنوان «نگاهی به وضعیت جمعیت» در کشور منتشر شد. اینک گفت‌وگوی دوم را با عنوان «نظریه‌های جمعیتی» آماده کرده‌ایم که از منظر فرهیختگان محترم می‌گذرد.

لطفاً بفرمایید در رابطه با جمعیت و افزایش یا کاهش آن چند نظریه وجود دارد؟

در خصوص بحث جمعیت چهار نظریه مطرح است: یکی نظریه طرفداران افزایش جمعیت است. دوم طرفداران نظریه کاهش جمعیت. سوم طرفداران نظریه حد تناسب جمعیت و چهارم طرفداران جمعیت ثابت.



دیدگاه طرفداران نظریه افزایش جمعیت چیست؟

بر اساس دیدگاه این افراد کره زمین به طور نامحدود یا لاقط دارای امکانات و منابع لازم جهت حیات و رفاه انسانی است. لذا نباید از این جهت بیم و ترس به خودمان راه بدهیم و نباید از ازدیاد نفوس آدم‌ها بیم داشته باشیم. بلکه برعکس بایستی با توجه به مزایا و محاسنی که این امر می‌تواند به دنبال داشته باشد از آن استقبال کنیم. زیرا افزایش جمعیت می‌تواند در افزایش قدرت جامعه تأثیرگذار باشد.

نگرش ادیان و مذاهب در رابطه با طرفداران این نظریه چیست؟

به طور کلی می‌توان گفت اکثر ادیان و مذاهب و شاهان و سلاطین در این دسته قرار دارند، دین یهود پیروان خود را به افزایش جمعیت و پراکنده شدن در سراسر جهان تشویق می‌کند. دین مسیح به طور کلی ازدواج و افزایش جمعیت را سفارش می‌کند. کلیسای کاتولیک با هر عاملی که منجر به محدود شدن خانواده برای بچه‌دار شدن باشد مخالف است. آیین پروتستان برنامه پیشگیری از بارداری را به صورت برنامه عمومی که منجر به تحدید نسل شود مجاز نمی‌داند. در آیین‌های معروفی مثل هندوئیسم، بودائیسم و دین زرتشت نیز زیادی اولاد برکت و نشانه توجه خداوند شمرده شده است. دین اسلام نیز با افزایش جمعیت موافق است. به ویژه با فرزندکشی و سقط‌جنین به جهت ترس از فقر و تنگدستی مبارزه کرده و آن را گناه بزرگی می‌داند. علاوه بر نظریات منتج از ادیان مدافعان مکتب سوداگری در اروپای قرن سوم نیز معتقدند که افزایش جمعیت سرچشمه‌ای از نیروهای سیاسی، اقتصادی و نظامی است. آنها معتقدند که تعداد و تراکم زیاد جمعیت، انسان را به کار بیشتر و ایجاد رقابت و در نتیجه افزایش تولید و می‌دارد که نتیجه آن تولید ثروت است.



آیا این نظریه در حال حاضر به عنوان برنامه عملی پیگیری می‌شود؟

بله، در حال حاضر کشورهایی که در مرحله چهار و پنج گذار جمعیتی هستند سیاست‌هایی برای افزایش مولید و رشد جمعیت اتخاذ کرده‌اند. مهمترین این برنامه‌ها تلاش برای تغییر نگرش مردم به فرزندآوری و همچنین دادن مزایا به والدین در قبال داشتن فرزند است.

طرفداران دیدگاه کاهش جمعیت چه دلایلی برای اثبات نظر خود ارائه کرده‌اند؟

این دسته از متفکران مسائل جمعیتی اعتقاد دارند که افزایش جمعیت به تدریج به فقر و تنزل سطح زندگی خانواده و جامعه می‌انجامد. بنابراین باید با به کار بستن راهکارهای مختلف از این افزایش جلوگیری کرد. یکسری از جمعیت‌شناسان، دیدگاه‌های جامعه‌شناختی مرتبط با کاهش جمعیت را به توماس مالتوس کشیش انگلیسی نسبت می‌دهند که معروفترین نظریه‌پرداز مخالف افزایش جمعیت است. وی کتابی را با عنوان رساله‌ای در اصل جمعیت در بیان عدم تعادل بین جمعیت و مسائل معیشتی به چاپ رساند.

دلایل مالتوس برای نظریه کاهش جمعیت چیست؟

ایشان در کتاب خود نگاه بدبینانه‌ای برای آینده ترسیم می‌کند و راه چاره را در کاهش رشد جمعیت می‌بیند. مالتوس یکی از علل مهم تیره‌بختی و عدم پیشرفت بشر را تمایل و گرایش بیش از حد وی به تولید مثل بدون توجه به مقدار غذایی که در دسترس آن‌ها است می‌داند. او معتقد است که اگر موانعی در راه ازدیاد نفوس وجود نداشته باشد، افزایش جمعیت تابع تصاعد هندسی (...، ۱۶، ۴۸، ۲) و افزایش مواد غذایی و دیگر ارزاق مورد نیاز تابع تصاعد حسابی (...، ۶۸، ۴، ۲) است و در نتیجه پس از مدت زمان معینی فاصله زیادی بین این دو، و به ضرر مواد غذایی به وجود آمده و بشریت دچار قحطی و فقر می‌گردد. این رویکرد بعد از انقلاب خصوصاً بعد از جنگ در ایران اجرا شد.



به نظریه جمعیت ثابت اشاره کردید استدلال طرفداران این نظریه چیست؟

طرفداران این نظریه نه با افزایش و نه با کاهش جمعیت موافق نیستند، بلکه اعتقاد دارند وقتی جمعیت به حد کافی رسید، نباید افزایش یا کاهش داشته باشیم. بنا به این نظر دگرگونی‌های مداوم جمعیت تعادل نظام اجتماعی را به هم می‌زند. البته برای برنامه‌ریزان بسیار دشوار است که جمعیت را در یک نرخ ثابت نگه دارند. مثلاً در ایران بگوییم جمعیت روی ۷۵ میلیون نفر باقی بماند و به تعداد مرده‌ها، تولد و افزایش نسل داشته باشیم، بنابراین این نظر طرفداران زیادی در دنیا ندارد.

لطفاً در مورد نظریه حد تناسب جمعیت توضیح دهید؟

این نظریه که اساس تفکرات برنامه‌های امروزی جمعیت را تشکیل می‌دهد، در حقیقت بر این اصل استوار است که رابطه جمعیت و امکانات زیستی یک مفهوم ثابت و ایستا نیست، بلکه بسته به امکانات بالقوه و بالفعل جامعه تغییر و تحول می‌یابد. در این دیدگاه جمعیت متناسب جمعیتی است که وصول اهداف خاص سیاسی اقتصادی و اجتماعی مورد نظر را به بهترین وجه امکان‌پذیر می‌سازد. این نظر در طول دوره قرون وسطی و حتی پس از رنسانس کمتر مورد توجه بوده و از قرن ۱۸ در آثار فلاسفه و اقتصاددانان مورد توجه قرار گرفت و افرادی مانند ژان ژاک روسو در بیان جامعه ایده‌ال به این مفهوم توجه کردند. در این دیدگاه میزان جمعیت باید به گونه‌ای تنظیم شود که برای همه زندگی خوش و آزادانه در حد متوسط فراهم باشد. از جمله فرصت شغلی، تغذیه مناسب، بهداشت، رفاه اقتصادی و اجتماعی.

نظر اسلام در این زمینه چیست؟

به نظر می‌رسد از میان دیدگاه‌های چهارگانه، اسلام طرفدار تناسب جمعیت است که هم متوجه کاهش و هم افزایش آن است. یعنی در یک شرایط اقتضا می‌کند کاهش جمعیت داشته



باشیم و در یک شرایط اقتضا می‌کند افزایش داشته باشیم. کما اینکه رهبر معظم انقلاب در وضع موجود شرایط را در این می‌بینند که جمعیت افزایش داشته باشد. از این رو اسلام هم بعد کیفی و هم بعد کمی را در نظر می‌گیرد. هدف طرفداران این نوع جمعیت نیز سلامتی جامعه و خانواده است و به مسائل انسانی توجه بیشتری می‌شود. از این رو با برنامه‌ریزی‌های کلان و خرد می‌توانیم به این وضعیت و شرایط دسترسی پیدا کنیم. (رسا ۹۱/۱۲/۱۴)

نقدی بر ایده کاهش و تنظیم جمعیت کشور در گفت‌وگوی «جوان» با آیت‌الله حاج شیخ

جواد فاضل لنکرانی

«فرزند کمتر زندگی بهتر» یک فرهنگ غیردینی و غیرانسانی است

گفت و شنودی که در پی می‌آید، در پی نقد تصمیمی است که تحت عنوان «قانون کنترل و تنظیم خانواده» در سال ۱۳۷۲ تصویب شد و اینک پس از دو دهه آثار خویش را نمایان ساخته است، تا جایی که رهبر معظم انقلاب آن را قابل تجدید نظر و بسیاری از علما به فقدان پایه فقهی آن اذعان نموده‌اند. در گفت و شنود حاضر فقیه گرانمایه حضرت آیت‌الله حاج شیخ جواد فاضل لنکرانی به بررسی این مقوله نشست‌اند.

با تشکر از جنابعالی به لحاظ شرکت در این گفت‌و شنود، همانگونه که مطلعید در دهه دوم انقلاب به تناسب نگاه و سیاست مسئولان وقت، مسأله کنترل جمعیت، بسیار مورد تبلیغ و تشویق قرار می‌گرفت. البته در همان دوره هم برخی از علما در اظهار نظرهایی که می‌کردند، هم در اصل و هم در لزوم پیگیری مقطعی آن تشکیک می‌کردند، اخیراً با توجه به هشدارهای بیشتر در این باره و در نهایت بیانات اخیر رهبر معظم انقلاب، این مسأله به شکل جدی‌تر مورد تشکیک و حتی خدشه قرار گرفته است. جنابعالی ابتدا نظریه خود در این مورد و مبانی آن را بفرمایید تا در ادامه به مسائل بعدی بپردازیم.



بسم الله الرحمن الرحيم. ابتدا تشکر می‌کنم از جنابعالی و مسئولان محترم روزنامه جوان که به این بحث مهم که نه تنها یک بحث فقهی است، بلکه آثار بسیار مهم اجتماعی دارد و باید به شکل جدی به آن پرداخته شود، توجه کردید و امیدوارم ابعاد این بحث کاملاً برای همگان روشن شود، به ویژه مسئولان ما، مخصوصاً قوه مقننه که مسئولیت قانونگذاری را دارد، به ابعاد گوناگون این مقوله بیشتر توجه داشته باشند و آثار آینده قانونی را که در این مورد در مجلس تصویب می‌کنند، بررسی کنند و ببینند برای کشور و حتی دین چه آثاری دارد. الان می‌بینیم قانونی که در سال ۱۳۷۲ به عنوان تنظیم و کنترل جمعیت تصویب کردند، بعد از گذشت ۲۰ سال، چه آثار زیانباری را برای مجموعه امت اسلامی و کشور ما به بار آورده است که امیدواریم با توجه به آنچه که مقام معظم رهبری تذکر دادند که باید بررسی مجدد شود، ان شاء الله مسئولان و نمایندگان محترم مجلس به نحو دقیق به این موضوع بپردازند. به عنوان مقدمه این بحث باید عرض کنم که در میان فقها کسی را سراغ نداریم که به عنوان یک حکم اولی در اسلام، مسأله تکثیر اولاد را مستحب نداند، یعنی عمده فقها با توجه به آیات و روایاتی که داریم، این فتوا را دارند که مسأله تکثیر ولد در آیات و روایات، ترغیب شده و استحباب دارد، حتی به نظر حقیر، از روایات به عنوان حکم اولی، استحباب مؤکد هم استنباط می‌شود. وقتی روایاتی را که در این باب وارد شده، ملاحظه می‌کنیم، عناوین مختلفی در این روایات وجود دارند که خود این عناوین تا حد زیادی ابعاد این حکم اولی را برای ما روشن می‌کند. مثلاً در روایات داریم که حضرت پیامبر (ص) فرموده‌اند: در روز قیامت، کثرت امت من سبب افتخار من است، یعنی همین که امت پیامبر خاتم (ص) امت کثیری باشند و از این جنبه نسبت به سایر امم برتری داشته باشند، آثار پربرکت آن در روز قیامت ظاهر خواهد شد. این روایت معروف است که حضرت فرمودند: «تزوجوا فانی مکاثر بکم الامم غداً فی یوم القیامه». یا بعضی از تعبیری که در روایات داریم، از جمله اینکه خود ازدواج موجب



ازدیاد و تکثیر رزق است. در آن دوره کسانی که مشکل مالی داشتند، وقتی خدمت حضرت رسول (ص) و ائمه اطهار (ع) می‌رسیدند و به آنها عرض می‌کردند برای ما چاره‌ای بیندیشید، می‌فرمودند: «بروید ازدواج کنید». از آن سو تکثیر ولد موجب تکثیر رزق هم هست. یکی از سنت‌های خداوند تبارک و تعالی این است که اگر ولد زیاد شود، رزق هم بیشتر می‌شود و این نکته بسیار مهمی است که باید به آن توجه کنیم. تعبیر سومی که می‌توان از روایات استنباط کرد، این است که هر مسلمانی وقتی پا به عالم وجود می‌گذارد و به حدی می‌رسد که می‌تواند شهادتین را بیان کند، ثقلی بر زمین دارد و زمین را سنگین می‌کند، به عبارت دیگر فرق است بین انسان مسلمان و کافر. زمین نسبت به یک انسان کافر تعهدی ندارد و وجودش برای زمین کالعدم محسوب می‌شود، ولی زمین با یک انسان مؤمن ارتباط دارد و وجود او حتی باعث نشاط زمین می‌شود. این تعبیر در روایات وارد شده‌اند. اولین نکته‌ای که از این تعبیر به دست می‌آید این است که این حکم اولی، به عنوان یک قضیه حقیقه دائمیه الی یوم‌القیامه وجود دارد، یعنی تا روز قیامت اگر بپرسند نظر اسلام در مورد تکثیر ولد چیست؟ بر اساس نظر همه فقها، حکم اولی آن این است که استحباب دارد و به عقیده ما استحباب مؤکد هم دارد و در طراز سایر مستحبات نیست. این به عنوان یک قضیه حقیقه است و یک قضیه خارجی نیست. مقصود من از این جمله این است که ممکن است برخی احتمال بدهند ترغیب به تکثیر اولاد مربوط به زمانی بوده که عدد مسلمان‌ها کم بوده و مربوط به اوایل ظهور اسلام است که تکثیر در تعداد مسلمین موجب تقویت و شوکت آنها می‌شده و در نتیجه بعد که مسلمان‌ها به اقتدار و شوکت رسیدند، موضوع این حکم منتفی می‌شود. در قضیه خارجی، دیگر حکم تا روز قیامت باقی نیست، بلکه مربوط به شرایط زمانی خاصی است. به نظر ما این حرف صحیحی نیست. از این تعبیری که در این روایات وارد شده، به خوبی استفاده می‌کنیم که این حکم به عنوان یک قضیه حقیقه مطرح است. وقتی پیامبر (ص)



مسأله را موکول به روز قیامت می‌کنند، وقتی در بعضی از روایات می‌فرمایند: «انی اباهی بکم الامم یوم‌القیامه ولو بالسقط»، می‌توانیم این نتیجه را بگیریم. روشن است بچه‌ای که سقط شده، در شوکت مسلمان‌ها دخالتی ندارد. وقتی در روایات گفتن لاله‌الله مطرح می‌شود، از یک موجود صاحب ارزش صحبت می‌شود. «تَثْقُلُ» در روایات به معنی سنگینی وزن نیست، بلکه انسان مسلمان برای زمین یک موجود با ارزش تلقی شده است و این امری است که تا روز قیامت برقرار است و ما نمی‌توانیم آن را به عنوان یک قضیه خارجیه معرفی کنیم.

همان‌گونه که اطلاع دارید، عده‌ای از حوزویان در دو دهه گذشته، در پاره‌ای از رساله‌ها و مکتوبات سعی کرده‌اند به عکس نظریه شما، یعنی به کنترل و تقلیل جمعیت وجهه فقهی بدهند. مناسب است در این بخش از گفت‌وگو به ادله این گروه هم مروری انتقادی داشته باشید؟

بله، برخی از بزرگان در یکی دو دهه گذشته رساله‌هایی در این باره نوشته‌اند و عقیده‌شان بر این بوده که روایات مورد اشاره ما، به عنوان یک قضیه خارجیه مطرح است. من وقتی در عبارات‌شان دقت کردم، در مجموع پنج ادعا در کلامشان وجود دارد. من می‌خواهم اجمالاً این ادعاها را مطرح و اشکالاتی را که درباره آن به ذهن می‌رسد، بیان کنم. در اولین ادعا به این نکته اشاره کرده‌اند که درست است که ما آیات و روایاتی داریم که دلالت بر رجحان کثرت اولاد دارد، اما این آیات و روایات قضیه خارجیه و ناظر به زمانی است که کثرت اولاد دلیل بر قدرت و شوکت باشد و گروه‌ها، قبایل و اقوام در آن زمان‌ها، مسأله کثرت اموال و اولاد را مایه تفاخر بر یکدیگر قلمداد می‌کردند. این ادعا را کرده‌اند و چند شاهد هم در کلامشان بر این ادعا آمده. مثلاً در برخی از آیات وارد شده که کفار در مقابل انبیا می‌گفتند: «نحن اکثر اموالاً و اولاداً» ما چون مال و اولادمان زیاد است، خدا نمی‌تواند ما را عذاب کند! یا اینکه خداوند در سوره توبه در مقام تهدید منافقین می‌فرماید: «كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ



مِنْكُمْ قُوَّةٌ وَ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَ أَوْلَادًا» (۱) گفته‌اند این آیه صراحتاً بیان می‌کند که اگر کثرت اموال و اولاد، نه تنها موجب قوت و شوکت نباشد، بلکه موجب ضعف و فقر، جهالت و مرض بشود، دیگر نباید بگوییم تکثیر اولاد استحباب دارد. گفته‌اند در حال حاضر - یعنی همان زمانی که رساله را نوشتند - هیچ انسانی نیست که بیاید و با افتخار به دیگران بگوید من اولادم از تو بیشتر است! و بخواهد با کثرت اولاد به دیگری مباهات و افتخار کند و لذا استحباب خود را از دست می‌دهد. بر این ادعا، عجلتاً می‌توانیم چهار اشکال وارد کنیم. اشکال اول این است که اگر کفار و منافقین کثرت اولاد را سبب تفاخر خود قرار می‌دادند، این دلیل نمی‌شود که بگوییم آیات و روایاتی که دلالت بر رجحان ولد دارند، هم به قضیه شوکت و قدرت مربوط است، این قابل قبول نیست که چون منافقین و کفار به کثرت اولاد، تفاخر می‌کردند، پس بیاییم از نظر علمی و صناعی، برای آیات و روایات، قید یا قرینه بگذاریم و بگوییم این آیات و روایات مربوط به یک قضیه خارجی هستند. به اصطلاح خیلی روشن‌تر و عرفی‌تر، هیچ‌گونه قرینه‌ای ندارند، یعنی وقتی ما می‌خواهیم چیزی را قرینه قرار بدهیم، باید قرینه آن در نزد عرف، مردم و مخاطبین روشن باشد. منافقین کثرت اولاد را موجب تفاخر و شوکت قرار می‌دادند، پس ما هم بیاییم بگوییم اگر اسلام ترغیب کرده برای همین جهت است؟! بدیهی است که این‌طور نیست و به عنوان مثال، گفتن «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» چه ربطی به مسأله شوکت دارد؟ این مسأله که من حتی به سقط شما مباهات می‌کنم، چه ربطی به قوت و شوکت مسلمان‌ها دارد؟ تعبیری که در روایات وارد شده، نه تنها قابلیت حمل بر این معنا را ندارد، بلکه ابایی از این حمل دارد. اشکال دوم این است که اگر ما بر فرض این را به عنوان یک قرینه قبول کردیم و گفتیم اسلام که به تکثیر اولاد ترغیب می‌کند، برای این است که مسلمان‌ها قوت و شوکت پیدا کنند. سؤال این است که این تفسیر چه دلیلی می‌شود برای اینکه این آیات و روایات را به عنوان یک قضیه خارجی قلمداد کنیم؟ حتی این تفسیر هم



نمی‌تواند ما را به این نتیجه برساند که حتماً این قضیه یک قضیه خارجی باشد، ملازمه‌ای با اینکه این قضیه، قضیه خارجی باشد، ندارد. چرا؟ چون می‌گوییم اسلام به کثرت اولاد ترغیب کرده است و کثرت اولاد الی یوم القیامه موجب تفاخر است. قضیه خارجی در جایی است که در شرایط خاصی حکمی اجرا و تمام می‌شود. مثلاً در روایات آمده است که پیامبر(ص) در شرایط خاصی دستور دادند درخت‌هایی را در جایی بسوزانند و می‌گوییم این مربوط به آن شرایط بوده و دیگر هم تکرار نمی‌شود، اما اگر گفتیم این روایات و آیات را بر قوت و شوکت حمل می‌کنیم، باز حقیقه بودن خود را از دست نمی‌دهد و عنوان قضیه خارجی را پیدا نمی‌کند. اشکال سوم این است که صاحب این ادعا اساساً تمام تفاخر را مربوط به یک قبیله، خانواده یا گروهی نسبت به گروه دیگر قرار داده و بعد تصریح کرده است که در دوران ما اگر خانواده‌ای نسبت به خانواده دیگری اولاد بیشتری داشته باشد، موجب تفاخر او نمی‌تواند باشد، در حالی که اگر در این روایات دقت شود، بحث تفاخر در اینجا مربوط به کلیت قدرت اسلام است، یعنی نباید نگاهمان را به یک یا ۱۰ تا خانواده معین و حتی یک شهر یا یک کشور خاص معطوف کنیم، بلکه باید نگاهمان را وسیع و مربوط به مجموع امت اسلامی کنیم. در زمان ما، تعداد مسلمانان نسبت به بقیه ادیان معروف جهان، کمتر است و این مسأله روشنی هم هست، پس اگر ما مسأله قوت و شوکت را هم ملاک قرار بدهیم، باز باید این را برای مجموع امت اسلامی لحاظ کنیم. این روایت صحیح‌ه‌ای است از امام صادق(ع) که برادر حضرت یوسف(ع) به ایشان عرض کرد که پدرم به من دستور داد که ازدواج کن و هدف این بود که اگر ذریه‌ای داشته باشی که «تثقل الارض بالتسبیح، فافعل»، این مربوط به مجموعه امت اسلامی و موحدین است. این نویسنده تصریح کرده که در شرایط کنونی - منظور زمانی است که رساله نوشته شده که شاید مربوط به ۱۰، ۱۵ سال پیش باشد - کثرت نفوس موجب ضعف و وهن و فقر و جهل و مرض و بطلت است. سؤال ما این است که



اگر امروز مسلمان‌ها مشکلاتی دارند و خانواده‌ای به علت کثرت نفوس نتواند اولاد خود را از جهت صحت و سلامتی و وضعیت اقتصادی تأمین کند، آیا واقعاً کثرت نفوس سبب این امر شده یا عدم تدبیر و مدیریت صحیح است؟ آیا پدر، مادر و رئیس خانواده نتوانسته درست مدیریت کند؟ رئیس دولت نتوانسته تدبیر صحیحی بکند؟ عدم استفاده از امکانات بوده؟ ما دنبال این نمی‌رویم که نعمت‌های الهی را درست استخراج و مصرف کنیم. در کشور ما، از دوران پهلوی می‌گفتند تا چند سال دیگر نفت مملکت ما تمام می‌شود! حالا هر چه زمان می‌گذرد می‌بینیم بحمدالله منابع جدیدی کشف می‌شوند، به میدان‌های وسیع نفتی دسترسی پیدا می‌کنند. واقع مسأله این است که ادعای اینکه کثرت نفوس باعث این مسائل می‌شود، اصل آن، راحت‌طلبی است. یعنی افراد به جای به کار انداختن فکر و همت و تلاش، راحت‌طلب شده‌اند. ما باید احکام اسلام را در کنار سایر احکام در نظر بگیریم. اگر اسلام بر کثرت نفوس مسلمین تأکید کرده، در کنار آن مسأله کار و کسب حلال را به عنوان یک امر راجح و حتی در حد جهاد قرار داده است. اسلام بیکاری را به شدت مذمت می‌کند و انسان‌هایی را که سربار دیگران هستند، ملعون می‌داند. بنابراین انسان از همان زمان که قدرت بدنی پیدا می‌کند، باید کار کند و امور او تحمیل بر دیگران نباشد. اگر ما به این جهات دقت و آنها را رعایت کنیم، چنین حرف‌هایی نخواهیم زد. بر این ادعا اشکالات دیگری هم وارد هست که در اینجا به همین مقدار اکتفا می‌کنم.

و ادعای دوم؟

ادعای دوم این است که در گذشته مسأله کمیت نقش اساسی داشته است و مثلاً در میدان جنگ، کسی که لشکرش بیشتر بوده بر آن که کمتر بوده، غلبه می‌کرده است. در زراعت و ساخت بنا و... هم همین‌طور، ولی در دوران کنونی، در اثر پیشرفت علوم و تکنولوژی دیگر کمیت ارزش خود را از دست داده و تخصص، تجربه، پیشرفت علمی و ابزار و تکنولوژی



جدید جای آن را گرفته است. ممکن است ۱۰ نفر که بتوانند بمبی را بسازند، بتوانند بر ده‌ها لشکر غلبه کنند. این مطلب را مؤید نظریه خودشان قرار داده‌اند و در نتیجه گفته‌اند در حال حاضر باید به سراغ کیفیت برویم و کاری به کمیت نداشته باشیم. بر این ادعا دو جواب مهم داریم؛ جواب اول این است که قبول داریم که در زمان معاصر، ادوات پیشرفته بسیار مهم هستند، ولی وقتی انسان به متخصصین مراجعه می‌کند، می‌بیند اینها نمی‌توانند نقش افراد را نادیده بگیرند، یعنی هنوز زیاد بودن یک لشکر و یک قوم، اهمیت خود را از دست نداده است... اینکه بسیاری از این ادوات در اثر کثرت آدم‌های اندیشمندی که خواهند آمد، ارتقاء و توسعه پیدا می‌کنند؛ یعنی در میان افرادی که مانع از تولد آنها می‌شویم، ممکن است نوابغی باشند که بتوانند هزاران برابر ادوات موجود دشمنان را درست کنند و ما اگر از به وجود آمدن آنها ممانعت کنیم، طبعاً به آن نتیجه نمی‌رسیم. اشکال دوم این است که این شیوه نتیجه‌گیری، با صناعت اجتهاد سازگاری ندارد. یعنی ما وقتی در آیات و روایات داریم که می‌گویند افرادتان را زیاد کنید، از جهت علم اصول، این اطلاق دارد، یعنی چه کیفیت زیاد بشود، چه نشود، شما بچه‌هایتان را زیاد کنید. این اطلاق را چه کار کنیم؟ حالا اگر به زعم صاحب این ادعا، در حال حاضر کیفیت در جامعه حرف اول را می‌زند، چگونه دست از اطلاق آیات و روایات برداریم؟ این مطلبی است که از جهت اجتهادی نمی‌توانیم قبول کنیم. به این نکته اشاره کنم که صاحب این ادعا که تخصص حرف اول را می‌زند، شاهد آورده است که الان اسرائیل بر کشور فلسطین استیلا پیدا کرده، در حالی که هم امکانات و هم نفوس آنها کمتر بوده است. علتش این است که اینها از لحاظ علم و صنعت و ادوات نظامی بسیار پیشرفته بودند، در نتیجه موضوع حکم، انقلاب پیدا کرده است و در این صورت، خود حکم هم انقلاب پیدا می‌کند. جواب روشن است. به قول حضرت امام (ره)، اگر همین حالا مسلمانان با همین عده‌ای که هستند، واقعاً درست با اسرائیل مقابله کنند، مجالی برای اسرائیل باقی



نمی‌ماند. اسرائیل هم به خاطر ادوات پیشرفته‌اش موفق نشده، بلکه خیانت سران کشورهای اسلامی و برخی از افرادی که در داخل فلسطین بوده‌اند، ولی در باطن دستشان در دست اسرائیل بود، سبب شده که اسرائیل بتواند تا به حال بماند و امیدواریم هرچه زودتر اضمحلال پیدا کند... و ضمن اینکه اسرائیلی‌ها که صاحب پیشرفته‌ترین و به روزترین جنگ‌افزارها هستند، هیچ وقت به ادوات جنگی بسنده نکردند، بلکه از سراسر دنیا جمعیت جمع کردند و آوردند... همین‌طور است. این ادعا در درون خودش تناقض دارد. اسرائیلی‌ها از سراسر دنیا که جمعیت آوردند هیچ، زاد و ولد را ترغیب کردند. مردم کشورشان را به تکثیر اولاد و نسل تشویق کردند تا جمعیت‌شان زیاد شود. قطع نظر از این حکم اسلام، اساساً کثرت اولاد یک امر فطری است و فطرت بشر به این سمت گرایش دارد. حتی در میان حیوانات هم می‌توان گرایش را مشاهده کرد که به سمت و سوی کثرت می‌روند، این‌طور نیست که بگوییم اسلام یک مسأله جدیدی را آورده، بلکه اسلام روی یک امر فطری تکیه کرده تا از آن برای اسلام استفاده فراوان شود. در مورد ادعای اول، اشکال چهارم اینست که در اسلام، کثرت اولاد، فی نفسه رجحان دارد. اگر مسأله قوت و شوکت را هم مطرح کنیم، به اصطلاح اصولی ما، این حیثیت، حیثیت تقییدیه نیست که موضوع را بخواهد عوض کند. ما در علم اصول می‌گوییم بعضی از قیود، حیثیت تقییدیه دارد که اگر از بین برود، آن موضوع تغییر پیدا می‌کند و وقتی موضوع تغییر کرد، حکم هم تغییر می‌کند و از بین می‌رود، اما بعضی از قیود عنوان حیثیت تعلیلیه را دارند، یعنی اگر گفتیم اسلام می‌گوید برای اینکه قوی بشوید، بچه‌ها را زیاد کنید، قوی شدن حیثیت تعلیلیه است و باز این حکم استجابی به قوت خود باقی است. ادعای سومی که بیان کرده‌اند این است که از آیات قرآن استفاده می‌شود که خزائن نعمت‌های الهی، نزد خداست و خدا فرموده است که ما به اندازه معلوم، اینها را نازل می‌کنیم. گفته‌اند چون امکانات طبیعی در خشکی و دریا در حد محدود و معینی است و حتی گفته‌اند می‌شود طبق



محاسبات دقیقه، آنها را احصا کرد، پس ما عقلاً باید تدبیر کنیم و تدبیر آن هم این است که نفوس تنظیم و کنترل شود و نفوس را بی حساب و کتاب تکثیر نکنیم. این تعبیر را هم دارند که: اگر می‌خواهیم برای زندگی مردم عسر و حرج به وجود نیاید و مردم از رفاه نسبی برخوردار باشند، باید به سوی تنظیم جمعیت برویم. باز در دنباله‌اش گفته‌اند که خدا به انسان عقل و درایت و تدبیر داده و لازمه عقل و درایت و تدبیر این است که وقتی انسانی دید اگر یک بچه داشته باشد، می‌تواند او را تربیت کند، اما دو تا را نمی‌تواند، باید به همین اندازه اکتفا کند. درباره این ادعا، نکته مهم این است که در آنجا که خدا می‌فرماید ما هر چیزی را به اندازه معلوم نازل می‌کنیم، این معلوم عندالله است، نه معلوم عندالناس. معنای معلوم این است که اندازه‌اش نزد خدا معلوم است و خدا در هر موردی برحسب حکمتی که دارد نازل می‌کند. این چه ارتباطی به موضوع ما دارد که بخواهیم در مسأله تکثیر اولاد، تدبیر کنیم؟ خدای تبارک و تعالی، خودش رزاق و رازق و حکیم است. هر موجودی را که بخواهد ایجاد می‌کند و تا اراده خدای تبارک و تعالی نباشد، موجودی ایجاد نمی‌شود، بنابراین اینکه ما بگوییم خدا عالم را درست کرده و تدبیر امور را به دست ما داده، پس ما بیاییم زراعت، تولید مثل و... را محدود کنیم، درست نیست، بلکه باید گفت «وَأَنْ لِّیْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (۲) این «ما سَعَى» هم حدی ندارد. هرچه انسان در این زمین بتواند کار کند، باز مجال برای کارهای دیگر هم وجود دارد، بنابراین این مطلب، یک مطلب فقهی نیست و نباید خیلی به آن توجه کرد. برخی از این افراد در بعضی از کلماتشان، به اینکه مؤمن باید تقدیر معیشت داشته باشد، تمسک کرده‌اند که این هم ارتباطی به این بحث ندارد. تقدیر معیشت چه ارتباطی به این دارد که مؤمن کنترل جمعیت کند و تولیدمثل نکند؟ مؤمنی که می‌تواند از آنچه که خدا به او داده برای یک اولاد استفاده کند، با تدبیر می‌تواند برای تعداد بیشتری هم استفاده کند. تدبیر در معیشت که به معنای کم کردن اولاد نیست، بلکه معنای آن، درست فکر کردن، درست خرج کردن و



درست به دست آوردن نعمت‌های الهی است. ادعای چهارم این عده این است که شأن فقه و فقها در استنباط احکام است، اما مسائلی مربوط به عرف است یا نیاز به متخصصین امور دارد، ربطی به فقها ندارد! پاسخ این است که این مطلب با آنچه که ایشان در ابتدا بیان کرده‌اند، تفاوت دارد. اگر کسی مسأله قضیه خارجی و حقیقه را مطرح کرد، فقط فقیه است که متوجه می‌شود که آیا قضیه حقیقه است یا خارجی؟ اگر مسأله مربوط به عرف است، چرا ایشان در اول مطلب، قضیه خارجی و حقیقه را مطرح کرده‌اند؟ البته نباید از نظر دور داشت که این بحث دو جهت دارد؛ یک جهت آن، جهت فقهی است که فقیه می‌گوید تکثیر اولاد، مستحب است، اما جهت دیگری هم دارد و آن اینکه اگر مردی از همسر خود بخواهد اولاد زیاد به دنیا بیاورد و این موجب ضرر برای زن باشد و خدای ناکرده جان او را از بین ببرد یا موجب تسری بیماری به اولاد خودش باشد، بدیهی است که دیگر استحباب ندارد. یا مثلاً مردی بیمار است و پزشکان می‌گویند این بیماری به اولاد او هم سرایت می‌کند. این گونه امور هستند که متخصصین باید درباره آن اظهار نظر کنند، اما اصل جنبه فقهی آن در جای خود محفوظ است و نباید از آن غفلت شود. نباید بگوییم دیدگاه اسلام به عنوان یک قضیه خارجی مطرح و بعد هم تمام شده است. در خاتمه می‌خواهم این آیه شریفه سوره هود را متذکر بشوم که خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَ يَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ مُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مَبِينٍ» (۳)، هیچ دابه‌ای در زمین نیست که خدا متکفل رزق او نباشد. این طور نیست که بشر رازق باشد. رازق و رزاق، خدای تبارک و تعالی است. خدا می‌داند که این دابه، مسکن‌اش کجاست، قبل از استقرارش در صلب کدام پدر و کدام مادر بوده، خدای تبارک و تعالی تمام اینها را می‌داند و ما نباید در این جهت دخالت کنیم. می‌خواهم کلاً عرض کنم که این حکم اولی به عنوان یک قضیه حقیقه و مسلم و دائمی و همیشگی تا روز قیامت هست و نمی‌شود این را به عنوان یک قضیه خارجی تلقی کنیم. در مواردی که



بین این حکم اولی و بعضی از جهات دیگر، تراحم به وجود بیاید و مسأله مهم‌تری در کار باشد که مهم‌تر از تکثیر اولاد باشد، در شرایطی فقیه می‌تواند موقتاً به کثرت اولاد ترغیب نکند یا محدود کند، اما در عین حال نمی‌تواند حکم اولی را بیان نکند. اتفاقاً حکومت اسلامی باید احکام اولیه را به شکل صریح برای مردم تبلیغ کند و نمی‌تواند از آن چشم‌پوشی کند، اما در مواردی که تراحم ایجاد می‌شود، مثل وجود مرض و ضرر و مشکلاتی برای کل مسلمین به خاطر آن می‌تواند حکم اولی را موقتاً تعطیل کند. اینکه طی این ۲۰ سال در جمهوری اسلامی، متأسفانه این کار خلاف شرع در اداره بهداشت و مراکز بهداشتی انجام شد و هنوز هم می‌شود که افراد مراجعه و خود را عقیم می‌کنند- که اگر عقیم دائمی باشد، خلاف شرع و حرام است- اگر خود افراد هم بخواهند این کار انجام بشود، حکومت و دولت اسلامی نباید این کار را بکند که اعانت بر حرام می‌شود، لذا این جهات باید به مردم تذکر داده شود و تمام ابعاد مسأله را باید خیلی دقیق و سنجیده در نظر گرفت. اگر بخواهند طبق فرموده مقام معظم رهبری تجدید نظری بکنند، باید قانون صحیح مطابق شرع و فقه را به تصویب برسانند.

همان‌طور که اطلاع دارید از آغاز دهه دوم انقلاب و بعد از رحلت حضرت امام، در دولت سازندگی، چون متولیان امر تصور کردند که امکانات کشور محدود است و پاسخگوی ازدیاد جمعیت نیست، محدودیت نسل و تنظیم خانواده را مطرح کردند، گفتند بین امکانات کشور و نسل موجود و همچنین نسل‌هایی که به این سرعت به وجود می‌آیند، توازن وجود ندارد. شما اشاره کردید و اساساً همه می‌دانند که منشأ امکانات و ازدیاد امکانات، نسل متفکر و تربیت‌شده و مدیریت شده است، بنابراین این استدلال نمی‌تواند صحیح باشد، اما در عین حال اشاره کردید که به عنوان حکم ثانویه می‌توان در بعضی از موارد پذیرفت که در مقام تراحم با مشکلات اساسی‌تر، این حکم موقتاً تعطیل شود. پس جنابعالی برآنچه که در این مدت تحت عنوان مصلحت اتفاق افتاده



صحه می گذارید؟

خیر، اتفاقاً اشکالی که به نظر من می‌رسد این است که مسئولان وقت در مورد این مسأله تعجیل کردند. البته نباید از سیاست‌هایی هم که دشمنان ما طراحی و به نحوی وارد برنامه‌ریزی‌های کشور ما می‌کنند، غافل شد. من نمی‌توانم بگویم آنچه که تصویب شد، بدون ارتباط با سیاست‌های دشمنان ما بوده و به آنها ربطی نداشته است. آنها این مسأله را به نوعی در کشورهای اسلامی رواج دادند که موجش کشور ما را هم گرفت، ولی از این طرف قضیه هم، مسئولان ما به این نتیجه رسیده بودند که بین امکانات و کثرت نسل توازن نیست و باید آن را کنترل کنند، ولی آیا آنها به نتیجه صحیحی رسیدند؟ خیر، در همان زمان هم این باور صحیح نبوده است. اگر کنترل نسل انجام نشده بود، کشور ما چند درصد افزایش جمعیت داشت؟ چند میلیون به جمعیت اضافه شده بود؟ اگر کشور ما که الان ۷۵ میلیون است، ۱۰۰ میلیون نفر بود، امکانات موجود ما پاسخگو نبود؟ یعنی ما واقعاً نمی‌توانستیم برای آنها کاری کنیم؟ خود مسئولانی که از امکانات مطلع هستند، می‌گویند امکانات کشور تا دو برابر جمعیت موجود را هم می‌تواند پاسخگو باشد. این امکانات در آن زمان هم بوده، ولی محاسبات دقیق انجام نشده...

یعنی موضوع‌شناسی درست نبوده...

بله، موضوع‌شناسی دقیق نشده. در آن زمان در این امر تعجیل شده. تردید نداریم که مسئولان ما در آن زمان نیت خیر داشته‌اند، ولی به نظر ما اشتباه بزرگی را مرتکب شدند که امروز متوجه نتایج آن شده‌ایم. الان داریم با جمعیت پیر مواجه می‌شویم، یعنی دیگر نیروی فعال انسانی کشور، کارآیی لازم را ندارد و وجودش دارد کالعدم می‌شود. تمام ارزش یک کشور به جمعیت جوان، قوی، بانشاط و متفکر است. وقتی جمعیت پیر شود، آن کشور دیگر نه اقتدار دارد، نه ارزشی و نه ابتکاری. پذیرش موضوع در آن زمان هم اشتباه بود و



موضوع‌شناسی دقیق نشده بود. کما اینکه بعضی از رساله‌هایی که نوشته شده، متأسفانه تحت تأثیر جو آن زمان بودند و ما نمی‌توانیم اینها را رساله‌های اجتهادی محکم و متقنی قلمداد کنیم. این نگرش آثار خود را گذاشته بود که بعضی از نویسندگان و اهل قلم هم در این زمینه قلم زدند. آن زمان اشتباه شد، الان هم مسئولان باید با کمال شجاعت به مردم بگویند ما اشتباه کردیم. فرهنگ «فرزند کمتر، زندگی بهتر» یک فرهنگ غیردینی و غیرانسانی است. این فرهنگ را که در مملکت نهادینه کرده‌اند، در قبال آن مسئولیت دارند و باید آن را حل کنند که البته با یک مصاحبه و چند مقاله نمی‌شود. صدا و سیما واقعاً باید در این زمینه نشست‌هایی را بگذارد، متخصصین بیایند و حرف‌هایشان را بزنند، فقها همین‌طور و مجلس شورای اسلامی واقعاً باید با یک دید قوی وارد بررسی این مقوله شود. باید از مرکز پژوهش‌های مجلس هم تشکر کنم که یکی دو ماه قبل نامه‌ای را به مرکز فقهی ما نوشتند و از ما خواستند که در این زمینه تحقیق را ارائه بدهیم. ما در اینجا نشستی را تشکیل دادیم، مقاله‌هایی را تهیه کردیم و حرف‌های صاحب‌نظران را برایشان فرستادیم که البته اینها قبل از فرمایشات اخیر مقام معظم رهبری بود. وقتی آن فرمایش را شنیدیم، بسیار خوشحال شدیم که نظر شریف ایشان هم همین‌طور است. امروز دنیای اسلام با این مشکل روبه‌رو است که اگر ادامه پیدا کند، نه تنها در ایران که در کشورهای اسلامی، مسأله قلت جمعیت مسأله‌ساز خواهد شد. امیدواریم این مسأله به درستی دنبال شود و به یک نقطه صحیح و دقیق برسیم. (روزنامه جوان ۹۱/۶/۲۸)



بخش چهارم: اقدامات دستگاه‌ها برای افزایش جمعیت



حسین نادری‌منش (معاون آموزشی وزارت علوم):

دانشگاه‌ها نقش جدی در فرهنگ‌سازی افزایش جمعیت داشته باشند

معاون آموزشی وزارت علوم گفت: دانشگاه‌ها باید در فرهنگ‌سازی افزایش جمعیت، نقش جدی داشته باشند. به گزارش خبرنگار اعزامی «خبرگزاری دانشجو» از رشت، حسین نادری‌منش در مراسم اختتامیه چهل و چهارمین همایش معاونان آموزشی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی سراسر کشور که صبح امروز در استان گیلان برگزار شد، گفت: عدم مهاجرپذیری یکی از مشکلات کشور در افزایش جمعیت است؛ به طوری که وقتی کشورهای دیگر نخبگان ما را پذیرش می‌کنند ما نیز باید به این سمت برویم که نخبگان جامعه اسلام را در کشور بپذیریم؛ چرا که مهاجرپذیری در افزایش جمعیت بسیار مؤثر است. وی گفت: البته مهمترین بحث برای افزایش جمعیت این است که نسل‌های تحصیل کرده ما باید وارد این فاز شوند که دانشگاه‌ها نیز در این میان نقش مؤثری دارند. معاون آموزشی وزارت علوم گفت: دانشگاه‌ها باید در فرهنگ‌سازی برای افزایش جمعیت نقش جدی داشته باشند. نادری‌منش خاطرنشان کرد: البته از یک سال پیش بحث سرفصل‌های دروس مرتبط با افزایش جمعیت آغاز شده و دانشگاه‌ها در این خصوص اقداماتی داشته‌اند. (خبرگزاری دانشجو ۹۱/۸/۱۸)



حجت الاسلام سقای بی‌ریا (معاون پژوهشی مؤسسه پژوهشی امام (ره):

همایش بین المللی با موضوع تغییرات جمعیت در اردیبهشت ۹۲

معاون پژوهشی مؤسسه پژوهشی امام (ره) گفت: اردیبهشت سال آتی همایشی با هدف بررسی ابعاد مختلف علمی تغییرات جمعیت برگزار می‌شود. به گزارش خبرنگار «خبرگزاری دانشجو» حجت الاسلام بی‌ریا معاون پژوهشی مؤسسه علمی و پژوهشی امام، در جمع خبرنگاران در سالن اندیشه این مؤسسه با اشاره به اهمیت پژوهش و این که پژوهش‌ها باید هدفمند و مستمر باشد، گفت: مردم شخصی را که داستان‌های دوره جاهلی را زیاد می‌دانست نزد پیامبر اکرم (ص) عالم خطاب کردند، رسول الله (ص) گفت دانستن و ندانستن این علم سود و زیانی برایش ندارد. معاون پژوهشی مؤسسه امام با بیان این که پژوهش باید برای ارتقای سطح جامعه اسلامی باشد، اظهار داشت: در اساسنامه این مؤسسه نام آن علمی و پژوهشی خوانده شده، یعنی پژوهش یکی از اهداف این مؤسسه است. بی‌ریا با خاطرنشان کردن دو مبحث سبک زندگی و تغییرات جمعیتی به عنوان دو مبحث مهم که از نظر رهبر انقلاب هم دور نمانده است، ابراز کرد: در خصوص سبک زندگی تلاش زیادی جهت ایجاد پژوهش‌های میان رشته‌ای صورت گرفته است و برای ما این مبحث بسیار مهم است چرا که سبک زندگی اسلامی موتور محرکه تمدن اسلامی است. این استاد حوزه علمیه با اشاره به تلاش‌های صورت گرفته در خصوص بحث تغییر جمعیتی بیان کرد: در اردیبهشت همایشی در این راستا برگزار می‌شود که هدف آن بررسی ابعاد مختلف علمی تغییرات جمعیت است، در این همایش مسأله اصلی افزایش نیست یا حتی منطقه مورد نظر ایران هم نیست بلکه از تمامی نقاط دنیا برای ارائه تجربیات کشور خود به این همایش خواهند آمد. وی محورهای همایش سبک زندگی اسلامی را که قرار است در بهمن ماه سال جاری برگزار شود، را سؤالات رهبر انقلاب، ابعاد مختلف زندگی در ۵ سطح فردی، اجتماعی، خانواده، حکومتی و بین‌الملل برشمرد. ایشان در بخش دیگری از سخنان خود اظهار داشت: همایش سبک زندگی



مقدمه است و باید گام‌های بعدی را هم برداشت تا سبک زندگی اسلامی در جامعه رشد و نمو پیدا کند. این استاد حوزه علمیه با خاطرنشان کردن همکاری‌های مؤسسه و انتشارات سمت و این که انتشارات سمت کانال نفوذ مناسبی برای ارائه یافته‌های حوزوی به دانشگاه است، اذعان داشت: تلاش بر این است که طرح‌های مورد نظر مشترکاً با سایر نهادها اجرا شود. وی با بیان این که در حال حاضر در حدود ۴۰۰ مقاله برای این همایش ارسال شده است، ابراز داشت: در راستای عملی شدن این مقالات آن‌ها را در مجلات تخصصی چاپ خواهیم کرد تا متخصصین علمی و اهل فن با استفاده از آن‌ها در این راستا تلاش لازمه را به عمل آورند و یافته‌های خود را به جامعه تزریق کنند. (خبرگزاری دانشجو ۹۱/۱۰/۱)

اشرف مرتمی (دبیر اجرایی همایش):

همایش بازنگری در سیاست‌های ساختار جمعیتی در قم برگزار شد

همایش بازنگری در سیاست‌های ساختار جمعیتی با حضور مدیران آموزش و پرورش و مبلغان سازمان تبلیغات اسلامی روز دوشنبه در قم برگزار شد. به گزارش ایرنا، دبیر اجرایی این همایش در حاشیه این برنامه، با اشاره به تأکیدات رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در خصوص افزایش جمعیت اظهار داشت: این همایش با هدف آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی در تغییر ساختار جمعیتی برگزار شد. اشرف مرتمی در گفت‌وگو با ایرنا افزود: در این همایش نقشه مهندسی فرهنگی کشور با موضوع «تحلیل کلان وضعیت جمعیتی کشور ایران در گذشته، حال و آینده» ارائه شد. وی ادامه داد: همچنین چندین مقاله و تحقیق جمعیتی، دکترین امنیت ملی، منابع جمعیتی توسط کارشناسان حوزه جمعیت ارائه و کلیپ‌های الگوسازی برای زنان، تربیت فرزندان، جایگاه زن در اسلام، بیانات رهبر فرزانه انقلاب اسلامی و امام راحل با موضوع تعدیل جمعیت پخش شد. مرتمی، با اشاره به اینکه در این همایش مسائل و چالش‌های کاهش جمعیتی مورد بررسی قرار گرفت، گفت: چالش‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی کاهش جمعیت، بحران میزان باروری و تحدید نسل، کاهش حجم



کل جمعیت ملی، بحران کاهش نیروی کار و نظامی و بحران سالمندی جمعیت مورد بحث قرار گرفت. دبیر اجرایی همایش، افزود: همچنین الگوی گذار باروری در کشورهای اروپایی با کشورهای آسیایی مورد مقایسه قرار گرفت. به گفته وی، این همایش با همکاری اداره کل امور بانوان و خانواده استانداری، آموزش و پرورش، فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان تبلیغات اسلامی برای بانوان برگزار شد. (ایرنا ۹۱/۱۰/۱۱)

رادیو معارف بررسی می‌کند؛

سبک زندگی اسلامی و وضعیت جمعیت کشور

به گزارش خبرگزاری رسا به نقل از روابط عمومی رادیو معارف، احمد عارفخانی، مدیر گروه خبر و برنامه‌های سیاسی، با اشاره به تأکیدات مقام معظم رهبری در سفر اخیرشان به استان خراسان شمالی درباره سبک زندگی اسلامی به ویژه تبیین آسیب‌های تحدید جمعیت، از بررسی آخرین تصمیمات شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره سیاست‌های حمایتی با موضوع افزایش جمعیت در «برنامه گفت و شنود» خبر داد. عارفخانی با اشاره به اینکه شورای عالی انقلاب فرهنگی در راستای حمایت از افزایش جمعیت بسته‌های حمایتی مختلفی را در بخش‌های گوناگون برای نهادها و سازمان‌ها تهیه کرده است، افزود: برنامه «گفت و شنود» به منظور آشنایی مخاطبان فرهیخته رادیو معارف با این موضوع با دعوت از خانم خزعلی، رئیس شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده شورای انقلاب فرهنگی و لاله افتخاری از اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، به واکاوی و بررسی سیاست‌های حمایتی برای افزایش جمعیت می‌پردازد. وی همچنین بررسی آسیب‌های شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر»، آسیب‌های تربیتی خانواده کم جمعیت به ویژه تک‌فرزندی و آسیب‌های بالا رفتن سن ازدواج، پیر شدن جمعیت و راهکارهای پیشنهادی شورای انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی را از جمله محورهای موضوعی این برنامه اعلام کرد. مدیر گروه خبر و برنامه‌های سیاسی رادیو معارف در پایان یادآور شد: این برنامه دومین قسمت از مباحث ارائه شده درباره مباحث بررسی سبک زندگی و وضعیت جمعیت در برنامه زنده گفت و شنود است. (رسا

